

با آثار و گفتاری از:
دکتر محسن رضایی / سرلشکر حسین سلامی / سرلشکر رحیم صفوی / سردار حسین دهقان / امیر عزیز نصیرزاده / سردار محمد رضا فلاح‌زاده / عماد افروغ / عباس سلیمی‌نمین / محمدرضا باهنر / حسین صفارهرندی / طلال عترسی / هاله سلیمان‌اسعد

برای دریافت ویژه‌نامه QR را اسکن کنید



هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۶۸ | دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۹ | ۳ صفر ۱۴۴۲ | ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۰ | ۱۶ صفحه

ویژه چهلمین سال آغاز جنگ تحمیلی



۱۲-۵ پرونده

مهدی سعیدی بازی هراس!



۲ نگاه

سیامک باقری دو سرباخت آمریکا



۲ سرمقاله

۳ دیدگاه

هشدار فرمانده کل سپاه به ترامپ درباره انتقام خون حاج قاسم سلیمانی

پیام جدی است



۵ پلاک ۴۰

دفاع مقدس

تحریف‌شدنی نیست!

۶ پلاک ۴۰

وحشت در کاخ سفید

دلایلی بر متجاوز بودن رژیم بعث عراق

۸ پلاک ۴۰

بررسی اوضاع کردستان در حوالی ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در گفت‌وگوی صبح صادق با سردار حسن رستگارپناه

۷ پلاک ۴۰

سردار نائینی رئیس مرکز اسناد دفاع مقدس در گفت‌وگو با صبح صادق

امنیت نداشتیم

تردد فقط از ۹ صبح تا ۳ عصر

کار بسیار است

و فرصت کم!



عکس: محسن رنگین کمان

گردهمایی تجلیل از جانبازان نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مصادف با سالروز شهادت فرماندهان شهید دفاع مقدس سرداران رشید سپاه اسلام فلاحتی، فکوری، نامجو، کلاهدوز و جهان‌آرا در سال ۱۳۶۰

مکان: ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه

زمان: دوشنبه ۱۳۹۹/۷/۷

معاونت نیروی انسانی نمایندگی ولی فقیه در سپاه - مدیریت ایثارگران



سیاست خارجی واحد در قبال ایران

اکبر معصومی

کارشناس مسائل بین‌الملل

با نزدیک شدن انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا عده‌ای درصددند مشکلات کشور را به نتیجه آن گره بزنند. انتخاباتی که در آن یا جمهوری خواهان به رهبری «دونالد ترامپ» یا دموکرات‌ها به رهبری «جو بایدن» پیروز خواهند شد. سؤال اساسی این است که به اقتضای منافع جمهوری اسلامی ایران، ترامپ بهتر است یا بایدن؟ به تازگی جو بایدن در یادداشتی نوشته است: تحولات ماه گذشته نشان داد، «آمریکا در موضوع سیاست‌های مربوط به ایران شکست‌خورده است... راه هوشمندانه‌تری برای سختگیری بر ایران وجود دارد!» موضوعی که نشان می‌دهد، بایدن همانند سایر سیاستمداران کاخ سفید نسبت به ناکامی ترامپ در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران ناراحت است و به دنبال مسیری مطمئن برای مقابله با ایران است. مسلم است که نامزد دموکرات‌ها درصدد طراحی سیستم فشار هوشمند در مقابل سیاست شکست‌خورده ترامپ است؛ از این رو نمی‌توان چنین پنداشت که در صورت بازگشت دموکرات‌ها به کاخ سفید و کسب اکثریت کنگره آمریکا، اوضاع به همان شکلی بازمی‌گردد که پیش از سال ۲۰۱۷ بود. در این حال نباید فراموش کرد که اگر قرار به حل اختلافات و برون‌رفت روابط تهران و واشنگتن از تنش بود، هشت سال دولت باراک اوباما مناسب‌ترین فرصت برای این منظور بود؛ اما چنین نشد. اوباما که هم‌حزبی او، بایدن سیاست مشابهی در قبال ایران در پیش گرفته است، یک هفته مانده به اتمام ریاست‌جمهوریش، از دشمنی با ایران دست بردناشت و تحریم‌های جدیدی را علیه ایران امضا کرد. بنابراین در آن دوران، هم سیاست‌های خصمانه دولت ایالات متحده علیه کشورمان اعمال می‌شد. حالا هم نمی‌توان چنین پنداشت که دولت احتمالی بایدن می‌تواند به لحاظ «اصولی» متفاوت از دولت ترامپ با تهران وارد گفت‌وگو شده یا بستر آن را مطابق با ترجیحات «ارژشی» تهران فراهم کند. تنها پیش‌فرض تفاوت میان دولت و مشخص بایدن با ترامپ در ادبیات آنان خواهد بود. رویکرد بایدن، نوعی اعلان جنگ اقتصادی و دیپلماتیک آشکار با جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. خواسته‌هایی که دموکرات‌ها از زبان جو بایدن می‌خواهند، دقیقاً همان خواسته‌های دولت ترامپ است؛ یعنی محدودیت‌های موشکی، منطقه‌ای و بازرسی توسط بازرسان مسئله‌دار آژانس از اماکن نظامی کشور و دائمی کردن محدودیت‌های هسته‌ای در ایران. در سوی دیگر ترامپ خواسته‌های خود را با خروج از برجام و مطرح کردن مذاکره جدید در پیش گرفت که با شکست مواجه شد. دموکرات‌ها نیز با در نظر گرفتن محدودیت‌های برجامی ایران، درصدد حفظ آن و با مطرح کردن برجام‌های ۲ و ۳ به دنبال اعمال محدودیت‌های دیگر در حوزه‌های منطقه‌ای و موشکی هستند. بنابراین تنها تفاوت بین بایدن و ترامپ در مواجهه با ایران، در انتخاب راهبردهاست. نباید دونالد ترامپ و جو بایدن را متفاوت از هم تلقی کرد. «دونالد نوچترلین» دیپلمات کهنه‌کار آمریکایی درباره دیدگاه بایدن و ترامپ درباره ایران می‌نویسد: «هر دوی آنها موافقتند که ایران قدرتمند برای خلیج‌فارس و اسرائیل خطرناک خواهد بود.»



سیامک باقری

عضو شورای سیاست‌گذاری صبح صادق



«ترامپ» و «پمپو» در اول ماه شهریور با بهره‌گیری از ترکیب دو تئوری «مرد دیوانه» (Madman Theory) و «بازی بزدل» (Game of chicken) شوی «سازوکار ماشه» علیه ایران را فعال کردند و در یک خطای محاسباتی راهبردی خیال می‌کردند ایران با فرض دو تئوری فوق، پیش از پایان زمان ۳۰ روزه در نظر گرفته شده برای بازگشت خودکار تحریم‌ها، خود را تسلیم مذاکره مورد خواست آمریکا خواهد کرد و به این ترتیب بازی با حاصل جمع صفر را رقم زده و ترامپ برگ برنده مهمی را در مقابل رقیب دموکرات خود در انتخابات ۱۳ آبان به دست خواهد آورد. اکنون که به پایان فرصت ۳۰ روزه رسیدیم، رفتارهای راهبردی کاخ سفید حاکی از ناامیدی آمریکا از تسلیم ایران و فلج شدن راهبردهای واشنگتن در این زمینه است. یکی از این نشانه‌ها، تهدید مایک پمپو، وزیر خارجه آمریکا علیه دولت‌های مخالف بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران

است. دومین نشانه صدور فرمان اجرایی ترامپ درباره اعمال تحریم‌های ثانویه در روزهای آینده علیه طرف‌هایی است که «ممنوعیت‌های مربوط به مبادلات تسلیحات» با ایران را که در ۲۷ مهر برداشته خواهد شد، نقض کنند. سومین نشانه وعده توافق فوق‌العاده و بهتر از بایدن در هفته اول پس از پیروزی در انتخابات پیش رو با ایران است. همه اینها و نشانه‌های دیگر، وقوع تحول راهبردی در معادلات قدرت جهانی را نشان می‌دهد که از رهگذر پیامد هر یک از دو سناریوی کلان‌فعال‌سازی سازوکار ماشه در شورای امنیت سازمان ملل است؛ چه عقیم شدن اقدام آمریکا در شورای امنیت و چه بازگشت تحریم‌ها در شرایط مخالفت اکثریت اعضای این شورا، بازنده اصلی آمریکاست.

۱ فضای تقابلی که آمریکا تلاش وافر داشت تا ایران را در برابر قواعد بین‌المللی و جامعه جهانی قرار دهد، به فضای تقابلی میان آمریکا و شورای امنیت تغییر خواهد کرد.

۲ کارویژه و کارکرد شورای امنیت که بر بنیاد حق وتوی ظالمانه استوار است، با بدعت آمریکا در فرآیند مؤثرسازی سازوکار ماشه با بزرگ‌ترین چالش در طول حیات سازمان ملل متحد رویه‌رو خواهد شد. اقدام کاخ سفید، رویه قابل استناد

دو سر باخت آمریکا

سرمقاله

حقوقی خواهد شد که تضعیف‌کننده اساس حق وتو در شورای امنیت می‌شود.

۳ در هر دو فرضیه، تصویر دیگری از افول آمریکا بر جای خواهد گذاشت؛ یعنی افزون بر آنچه «ایمانوئل والرشتاین» و «استفان والت» نظریه‌پردازان رئالیسم در اثر جدید خودشان در زمینه افول آمریکا ابراز داشتند، به نمایش خواهد گذاشت. به اعتقاد «والت» رهبران آمریکا، سلسله اقداماتی را انجام دادند که واقع‌گرانبود و از اشتباهات خود نیز درس نگرفتند. در واقع، علت افول و شکست سیاست خارجی آمریکا، ترکیبی از افول برتری، راهبرد کلان اشتباه و ناکارکردی فرآیند سیاست خارجی است.

۴ به فرض توفیق یک‌جانبه آمریکا برای بازگشت تحریم‌های پیش از برجام، به دلیل فرآیند غیراجماعی و غیرقانونی بودن اقدام کاخ سفید، عملاً پیاده‌سازی تحریم‌های گذشته با چالش‌های جدیدی رویه‌رو خواهد شد. یکی از آنها، چگونگی اعمال این تحریم‌هاست. محتوای موضع دبیرکل سازمان ملل بیان‌کننده این مسئله است که دبیرخانه این سازمان به دلیل اتفاق نظر درباره خروج آمریکا از برجام و مخالف ۱۳ عضو از اعضای شورای امنیت این سازمان بر عدم حق استفاده از

سازوکار ماشه از سوی کاخ سفید، به سادگی قادر به دایر کردن کمیته تحریم علیه ایران نخواهد بود.

۵ بازگشت تحریم‌های قبل برجامی چیزی بیشتر از تحریم‌های حداکثری کاخ سفید نخواهد بود. فشارها و تحریم‌هایی که اکنون بر ایران تحمیل شده، حتی بیش از تحریم‌های ناشی از قطعنامه‌های شش‌گانه شورای امنیت سازمان ملل است. مواضع اروپایی‌ها نیز از همین حقیقت حکایت دارد که نه تنها اعمال سازوکار ماشه در عمل تغییری ایجاد نخواهد کرد، بلکه موضع ایران را بیش از پیش تحکیم خواهد بخشید.

۶ مهم‌تر از همه سیاست‌های اعلامی و اعمالی، ایران تاکنون نشان داد، بازگشت تحریم‌های قبل از برجامی شورای امنیت نه تنها مرگ برجام را در پی خواهد داشت؛ بلکه به تغییر دکترین هسته‌ای ایران نیز منجر خواهد شد و عملاً وضعیت هسته‌ای ایران از نظر کمی و کیفی فراتر از پیش از برجام خواهد شد.

۷ با توجه به تحقق بند ۶، اگر بار دیگر بخواید مذاکره رخ دهد، نه تنها به خیال خام غربی‌ها برجام ۲ و ۳ در آن گنجانده نخواهد شد، بلکه بسیاری از امتیازات موجود در برجام فعلی نیز نصیب آنها نخواهد شد.

بازی هراس!

طرح ادعای ورود نظامیان به انتخابات ۱۴۰۰

رضایعی نیز سیاستمدار اقتصاددانی است که سال‌هاست در مجمع تشخیص مصلحت فعالیت داشته و در ادوار مختلف انتخابات گذشته نامزد انتخابات بوده است. حسین دهقان نیز جزء چهره‌های میانه‌روی است که در دولت اعتدال در جایگاه وزیر دفاع نقش‌آفرینی کرده است. شمخانی نیز وزیر دفاع دولت اصلاحات بوده و هم‌اکنون دبیری شورای عالی امنیت ملی را برعهده دارد. همه این افراد در دو دهه اخیر بیش از آنکه یک رجل نظامی باشند، مدیران تراز اول کشور در تصمیم‌گیری‌های کلان بوده‌اند که در مراکز غیرنظامی و در دستگاه‌های اجرایی و تقنینی فعالیت کرده‌اند. اما امروز اصلاح‌طلبان که نگران باخت انتخابات ۱۴۰۰ هستند و گزینه سنگین وزنی برای آوردن به آوردگاه انتخابات ندارند، ترجیح می‌دهند تحریب رقیب و رقیب‌هراسی را به مهم‌ترین شگرد برای پیروزی خود بدل کنند. نکته قابل ملاحظه دیگر آنکه این مدعیان حتی حاضر نیستند به قانون پایبند باشند. مطابق قانون اساسی داشتن سوابق نظامی‌گری مانعی برای نامزدشدن در عرصه انتخابات ریاست‌جمهوری نیست؛ از این رو کسانی که شعار «انتخابات آزاد» را ابرازی برای کاسمی و کسب رأی کرده‌اند، معلوم نیست با کدام منطق قانونی تلاش دارند مانع حضور این افراد در انتخابات شوند و ایشان

نظامیان به انتخابات دست زده و برای نمونه از قول «علی مطهری» در روزنامه‌های خود تیر کنند: «تصویب این طرح منجر به دولت نظامیان می‌شود!» کافی است به متن مصاحبه رجوع کنید تا مشخص شود مصاحبه‌شونده چندکلمه‌ای بیشتر به این موضوع نپرداخته و بدون دلیل اتهاماتی را مطرح کرده، اما همین مختصر، به تیر یک روزنامه شریک بدل شده است! از سویی دیگر، این جریان مدعی است اصولگرایان و جریان‌های انقلابی این بار مصمم هستند با گزینه‌ای نظامی وارد کارزار انتخابات شوند. آنان مدعی‌اند که یک سوم نامزدهای احتمالی این جریان از نظامیان هستند! وقتی طلب می‌کنید که منظور از نامزدهای نظامی کدام گزینه‌ها هستند؟! چند نام بیشتر در سبد شایعات آنان قرار ندارد! نام‌هایی چون محمدباقر قالیباف، محسن رضایی، حسین دهقان، علی شمخانی، پرویز فتح و سعید محمد که دقت در اسامی فوق نشان می‌دهد، بیشتر گزینه‌های فوق سال‌هاست از جایگاه نظامی‌گری خارج شده و بیش از آنکه به منزله یک شخصیت نظامی شناخته شده باشند، یک رجل سیاسی به شمار می‌آیند. قالیباف رئیس مجلس کنونی است که حدود دو دهه شهردار تهران بوده و از سال ۱۳۸۴ به عنوان یکی از نامزدهای اصلی انتخابات ریاست‌جمهوری فعال بوده است. محسن

را از حقوق طبیعی خود محروم کنند؟! حداکثر آن است که این افراد نیز اگر بتوانند تأیید صلاحیت خود را از شورای نگهبان کسب کنند، خواهند توانست برنامه‌های خود را برای اداره کشور ارائه دهند و این مردم هستند که با تشخیص خود به ایشان اعتماد کرده یا پاسخ منفی به این حضور خواهند داد! از پس این ادعا هرچند فراین و اسنادی وجود ندارد، اما اغراض و علت‌هایی نهفته است! طرح بحث گزینه‌های نظامی با این هدف است که به افکار عمومی این گونه القا شود که کشور در معرض قرار گرفتن در شرایطی است که دیپلماسی و گفت‌وگو با جهان کمرنگ شود، سایه جنگ بر سر کشور باز گردد، اقتدارگرایان به قدرت برسند، آزادی‌های سیاسی-اجتماعی کمرنگ شود و فعالیت‌های آزاد اقتصادی نیز با محدودیت‌های فراوانی مواجه شود و این همه با قدرت یافتن نظامیان و تشکیل دولتی نظامی، محقق خواهد شد! ادعای تلاش نظامیان برای تسخیر قدرت ریاست‌جمهوری، ادعای دروغی است که اصلاح‌طلبان از طرح آن همواره در انتخابات سود برده‌اند، غافل از اینکه نظام مردم‌سالاری دینی که از نظریه حکومت اسلامی بیرون آمده است، هیچ‌گاه با تالیات‌ریسم و اقتدارگرایی جمع نخواهد شد و مردم همواره رکن و بنیان و اساس حکومت اسلامی بوده و خواهند بود.

مردم در انتظار نظارت بر بازار

گروه سیاسی

صبح صادق

«مگر یادتان رفته لحظه‌ای نرخ ارز و کالاها عوض می‌شود!» این جمله کلیدی معاون اول دولت در مناظرات انتخاباتی سال ۱۳۹۶ بود. دولت در این مناظرات بزرگ‌ترین موفقیت خود را کنترل قیمت در دوره اول می‌دانست، از کنترل قیمت ارز گرفته تا کالاها؛ اساسی؛ اما از ابتدای دور دوم دولت روحانی وضع به گونه دیگری رقم خورد و در مقاطع گوناگونی شاهد افزایش قیمت‌ها بودیم؛ اما چند هفته‌ای می‌شود که بار دیگر قیمت‌ها رو به فزونی گذاشته و قیمت ارز و کالاها گوناگون در بازار لحظه‌ای تغییر می‌کند. البته این اولین باری نیست که در طول این دولت بازار متلاطم شده است. هر چند مردم همه معترض گرانی‌های افسارگسیخته‌اند؛ اما بیشتر از این گله‌مند هستند که احساس می‌کنند هیچ نظارتی بر بازار وجود ندارد و گاهی تصور می‌کنند این افزایش قیمت‌ها و نظارت نکردن بر بازار شاید تعددی باشد. متأسفانه، وزارت صنعت، معدن و تجارت که متولی اصلی تأمین کالاها می‌شود نیاز کشور است، چند ماهی است که وزیر ندارد. سرپرستی هم که منصوب می‌شود حتی اجازه عزل و نصب از او گرفته می‌شود. گویا آقای رئیس‌جمهور قصد هم ندارد به این زودی‌ها فکری برای این وزارتخانه کند. همه می‌دانند امروز کشور درگیر یک جنگ اقتصادی با کسانی است که جز نابودی ایران را نمی‌خواهند و بدون وزیر ماندن وزارت

صمت در این وضعیت، مانند آن است که نیروهای نظامی را بدون فرمانده به میدان جنگ بفرستند و مردم بی‌دفاعی که روز معیشت‌شان سخت‌تر می‌شود و سفره‌شان کوچک‌تر. همچنین بازار سرمایه که در حال جذب نقدینگی موجود در بازار بود، به یک باره رها و سبب شد تا افراد سرمایه خود را از آن خارج کرده و به سمت بازارهای موازی ببرند و قیمت خودرو و ارز در چند هفته افزایش بی‌سابقه داشته باشد. گرانی کالاها گوناگون هم دو دلیل اساسی دارد؛ اول گرانی ارز که بهانه‌ای است برای واردکنندگان که گاهی اجناس را ماه‌ها قبل به کشور وارد کرده‌اند و حالا به بهانه بالا رفتن قیمت ارز اجناس خود را به قیمت بالاتر می‌فروشند و دوم نبود نظارت قوی بر بازار. بسیاری از مسئولان، از جمله رئیس‌جمهور معتقدند کالا به اندازه کافی در بازار هست، اما چرخه توزیع معیوب است. این هم حرف درستی است؛ البته همه این اتفاقات ناشی از سیاست‌های غلطی است که دولت پیش گرفته است. رها کردن بازار و سپردن آن به دست سودجویان و رانت‌خواران کاری است که دولت در چند سال اخیر انجام داده و هرگاه افزایش قیمت در یک کالا فاش شود، سعی کرده است با تزریق آن به بازار به اصطلاح تنظیم بازار کند. این چنین تنظیم بازار کردن «نوشدارو بعد از مرگ سهراب» است؛ چرا که به عقیده عامه مردم هر چیزی که قیمتش بالا برود، دیگر پایین نخواهد آمد. نظارت بر بازار و قیمت‌ها که یکی از مهم‌ترین وظایف دولت است، تنها به این معنا نیست که دولت بشنید و ببیند چه اتفاقی در بازار رخ می‌دهد تا برای آن چاره‌ای بیندیشد؛ بلکه

نکته دیگر «اصولی فرعی» کردن مسائل است. در حال حاضر، شفافیت در اموال فلان منبری یا کوبیلدین بر دهان فلان سخنران کشور را به عدالت نزدیک نمی‌کند؛ بلکه آن چیزی که امروز نزدیک به عدالت است، مطالبه‌گری صحیح از مسئولان اجرایی و اقتصادی است.



شاید یکی از پرسش‌های مهم برای جوان و جامعه امروز ایرانی این باشد که چگونه یک کشور متأثر از فروپاشی یک نظام ۲۵۰۰ ساله، دسیسه‌های گوناگون داخلی و خارجی، بحران ناشی از حرکات جدایی طلبانه و همچنین اختلافات وسیع داخلی و خارجی در مقابل یک قدرت نظامی، همچون عراق دوام بیاورد؟ باید این نکته را یادآوری کرد که رژیم بعث عراق همواره از پشتیبانی مالی تمام‌عیار داخلی و خارجی برخوردار بوده است. برای نمونه، کشور امارات یک قرارداد انحصاری با سریلانکا امضا کرده بود که همه محصول گونی‌های سنگری این کشور را برای عراق و برای نبرد با ایران پیش‌خرید کرده بود. این حمایت‌ها از این مورد کوچک آغاز می‌شود و در بزرگ‌ترین مورد به خط هوایی تسلیحاتی اتحاد جماهیر شوروی به بغداد می‌رسد که در طول تاریخ بی‌سابقه است. این در حالی است که ایران تحت شدیدترین تحریم‌های تسلیحاتی قرار داشت.

شاید مهم‌ترین الگوی این نبرد برای ایران امروز این باشد که اتکا به توان داخلی مهم‌ترین راه مقابله با مشکلات است و در طول جنگ همین راهبرد توانست ایران را پیروز میدان کند. یکی از زیباترین مثال‌ها در این باره به دست آوردن توانمندی شلیک موشک‌های اسکاد در سال ۱۳۶۵ است؛ زمانی که مستشاران لیبیایی ناگهان همه تجهیزات را رها کرده و سپس با ناقص کردن برخی قطعات سکوها پرتاب موشک ایران را ترک می‌کنند. تیم «شهید تهرانی مقدم» با استفاده از توان فنی جوانان ایران اسلامی نه تنها بار دیگر شلیک موشک‌ها را به بغداد از سر می‌گیرد؛ بلکه آغازگر حرکت وسیعی می‌شوند که نمره آن خودکفایی ایران در بسیاری از صنایع مهم و حساس موشکی است و نقطه اوج آن شلیک ماهواره نور به فضاست. در وضعیت فعلی همان گونه که رهبر معظم انقلاب تأکید کرده‌اند، تکیه بر توان داخلی و قوی شدن مهم‌ترین راهبرد مقابله با تهدید دشمن است. خودکفایی در تولید محصولات صنعتی و کشاورزی و تلاش برای فتح بازارهای کشورهای منطقه راهبردی است که کارشناسان مدت‌هاست برای مقابله با تحریم‌های فعلی توصیه می‌کنند. از سوی دیگر نباید از یاد برد که راه مقابله با تحریم نفتی دشمن دور زدن تحریم‌ها با قاچاق محصولات و فرآورده‌های نفتی نیست؛ بلکه باید از طریق مقابله با خام‌فروشی و استفاده از شبکه موری برای فروش محصولات جلسوی تحریم‌های آمریکا ایستاد. طبیعی است که دشمن به همراهی جریان تحریف تلاش می‌کند مهم‌ترین راه حل مشکلات کشور را تسلیم نشان دهد. در چنین وضعیتی، معارف دفاع مقدس و همچنین آرمان این دوره مهم از تاریخ ایران می‌تواند جهت صحیح را به جامعه نشان دهد. بهترین راه حل برای مقابله با مشکلات تکیه بر توان داخلی است؛ همان گونه که در طول دوران جنگ هشت ساله توانست ماشینی جنگی صدام را با چنان انهدام نیرویی مواجه کند که چاره‌ای جز منجلا بدهی به شیخ‌نشین‌های کشورهای عربی در مقابل وی باقی نماند. این مهم‌ترین درسی است که امروز جامعه ما از دوران دفاع مقدس به آن نیاز دارد.

نماینده ولی فقیه در سپاه در باره نقش بسیج طلاب عنوان کرد

پیشگامان بصیرت افزایی



حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی با اشاره به نقش بسیج طلاب گفت: «بسیج طلاب امام همه بسیجی‌هاست و رسالتش فقط این نیست که طلاب را سازماندهی کند؛ بلکه باید بسیجیان دیگر را هم تغذیه کند.»

به گزارش خبرنگار صبح صادق حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم راه‌اندازی «مرکز بسیج اساتید و نخبگان خوار حوزة علمیه» که با حضور علما و فضایی حوزة در تالار بیداری اسلامی جامعه‌الزهر(اس) قم برگزار شد، با اشاره به تقارن هفته دفاع مقدس و ایام محرم و صفر، عنوان کرد: «حضرت امام(ره) فرمودند، دفاع مقدس ما پرتویی از نهضت امام حسین(ع) بود و می‌توان سه وجه شباهت بین اینها یافت: یعنی بین نهضت امام حسین(ع) و دفاع مقدس سه وجه شباهت وجود دارد که شامل تقدس، ماندگاری و اثرگذاری است.» حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی تصریح کرد: «عاشورا طلوعی بی‌فروغ و آغازی بی‌پایان بود. تنها یک حادثه نبود که سال ۶۱ هجری اتفاق افتاد، بلکه عاشورای هر سال برای همان سال نقش آفرینی می‌کند و ماندگار است. در طول این سال‌ها تلاش شد که این ماندگاری از بین برود، اما همچنان ماندگار است.» وی یادآوری کرد: «سومین وجه شباهت نهضت عاشورا و دفاع مقدس، اثرگذاری است؛ اثرگذاری نهضت عاشورا، ماندگاری دین خدا در پرتو نهضت امام حسین(ع) است؛ اگر عاشورا نبود، دین اسلام هم باقی نمانده بود.» وی با بیان اینکه دفاع مقدس سبب تربیت نیروهای انقلابی شد، عنوان کرد: «مردم و شاگردان مکتب امام حسین(ع) کاری کردند که جنگ عامل بقای انقلاب شد، اگر دفاع مقدس نبود خیلی از خطرها از مسیر انقلاب برداشته نمی‌شد و استحاله ترویجی صورت می‌گرفت.» نماینده ولی فقیه در سپاه با اشاره به اینکه جنگ تحمیلی هم صدور انقلاب را داشت و هم بقای انقلاب را به همراه داشت، اظهار داشت: «آنچه این سه ویژگی را از نهضت امام حسین(ع) به دفاع مقدس آورد، در یک جمله فی سبیل‌الله بودن و قیام‌لله بودن بود. هر امری اگر خدایی شود، هم تقدس پیدا می‌کند و هم ماندگار و اثرگذار می‌شود.» وی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه حوزه‌های علمیه باید به بسیجیان ما پیش، بصیرت و توانمندی و دین‌شناسی بدهند، عنوان کرد: «به لحاظ محتوایی و فکری دست نیاز به سوی استادان بسیجی دراز می‌کنیم؛ ما مشرک‌اندیم که دیر اقدام می‌کنیم و پس از چهل سال بسیج اساتید را در حوزه علمیه خواهران راه‌اندازی می‌کنیم، امروز استاد بسیجی باید تولیدکننده محتوا برای تمام جامعه انقلابی باشد.» نماینده ولی فقیه در سپاه تصریح کرد: «وظیفه استادان این نیست که فقط تدریس کنند، استادان خواهر بسیجی امروز در خط مقدم جنگ هستند و به خدا قسم قیامت حق است، سؤال حق است و از ما سؤال خواهد شد، برای اینکه دین جوانان را نبرند چه کردید؟ امروز در برخی مدارس و دانشگاه‌ها و بازارها نقشه‌های دشمن در حال اجراست و ما معتقدیم ظرفیت بسیج اساتید برای این مسئله به لحاظ محتوایی و فکری و حل سؤالات فکری و شبهات عقیدتی قابل اهمیت است.»

هشدار فرمانده کل سپاه به ترامپ درباره انتقام خون حاج قاسم

پیام جدی است



سرلشکر سلامی با بیان اینکه دشمن همه جازیر دید ماست تأکید کرد: «آقای ترامپ اگر تار مویی از سر یک ایرانی کم شود، تمام کرک‌های شما را به باد می‌دهیم؛ این تهدید جدی است و ما همه چیز را در عمل ثابت می‌کنیم.»

سردار سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه در مراسم صبحگاه فرماندهان، مسئولان و کارکنان ستاد فرماندهی کل و حوزة مرکزی سپاه که در آستانه فرارسیدن هفته دفاع مقدس برگزار شد، از امام خمینی(ره) به منزله بزرگ‌مردی نام برد که مجد و عظمت از دست رفته مسلمانان را احیا و نقشی پیامبرگونه برای بعثت جدید اسلام ایفا کرد و اظهار داشت: «بنیانگذار انقلاب اسلامی بزرگ‌مردی بود که کرامت ذبح شده ملت‌های مسلمان به ویژه ایران را بازیابی و احیا کرد و عزت دهن شد به دست جهانخواران را به مسلمانان بازگرداند.» سرلشکر سلامی با گرامیداشت یاد و خاطره سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان «سیدالشهدای مقاومت» گفت: «حاج قاسم که همچون خورشیدی در میان شهیدان می‌درخشید، در وفاداری به اسلام، انقلاب، ولایت و ملت ایران بی‌بدیل بود؛ او سال گذشته در میان ما بود، اما امسال به خدا پیوسته و در محضر اصحاب عاشورا و مقربین الهی شاهد ادامه راه خود در مسیر جهاد است.» فرمانده کل سپاه با تأکید بر اینکه شکستن چهره آمریکا بازگشت‌ناپذیر است، گفت: «امروز سهم آمریکا از جهان در حال کوچک شدن است، به دلیل آنکه قدرت‌های جدیدی در حال ظهورند و اسلام با این‌ها نقش تمدنی در قامت یک قدرت ظاهر شده است.» وی افزود: «قرن آمریکا با پایان قرن بیستم به پایان رسید و به دلیل مقاومت انقلاب اسلامی در مقابل ستمگری آنان، امروز در جای جای عالم آزادی‌خواهان و مسلمانان با الگوپذیری از انقلاب، برابر آمریکا صف کشیده‌اند و قدرت ساخته‌اند.» سردار سلامی با بیان اینکه پایان آمریکا واقعیتی انکارناپذیر است، گفت: «در موضوع مکانیسم ماشه نیز ماشه‌ای است که حتی اگر چکیده شود، گلوله‌ای از آن خارج نخواهد شد.» فرمانده کل سپاه در واکنش به گزاره‌هایی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا، خطاب به وی گفت: «آقای ترامپ انتقام ما از شهادت سردار بزرگ‌مان قطعی، جدی و واقعی است؛ اما ما اهل شرف و شرافت هستیم و جوانمردانه و عادلانه انتقام می‌گیریم؛ شما فکر می‌کنید ما در برابر خون برادر شهیدمان یک سفیر زن در آفریقای جنوبی را می‌زنیم؛ ما کسانی را می‌زنیم که در شهادت این مرد بزرگ مستقیم و غیرمستقیم نقش داشتند و شما بدانید هر که در این ماجرا نقش داشته است، زده خواهد شد و این پیام جدی است.» وی افزود: «شما ما را به حمله هزار برابری تهدید می‌کنید؛ ما شما را می‌شناسیم؛ آن وقت که عین‌الاسد را زدیم فرض داشتیم که شما پاسخ می‌دهید و صدها موشک آماده کردیم که اگر زدید داشته‌های تان را ویران کنیم.» فرمانده کل سپاه در پایان با بیان اینکه دشمن همه جازیر دید ما است و اگر لازم باشد زیر تیر ما نیز قرار خواهد گرفت، تأکید کرد: «آقای ترامپ اگر تار مویی از سر یک ایرانی کم شود، تمام کرک‌های شما را به باد می‌دهیم؛ این تهدید جدی است و ما همه چیز را در عمل ثابت می‌کنیم.»

تجلیل از جانبازان نمایندگی ولی فقیه در سپاه



قشری که در این مراسم شرکت می‌کنند سازوکارهای اجرایی این برنامه در اختیار مسئولان نمایندگی ولی فقیه رده‌ها قرار گرفته است. «تقی‌زاده در ادامه گفت: «اگر چه معتقدیم که چنین برنامه‌هایی نمی‌تواند ذره‌ای از تلاش و مجاهدت این عزیزان را جبران کند، اما می‌خواهیم بناکر ارادت مجموعه نمایندگی ولی فقیه نسبت به کسانی باشیم که پیام‌آور امنیت امروز کشور هستند.»

ایثار، مقاومت و نیز تکریم افتخارآفرینانی که با جان فشانای خود حماسه‌ای عظیم در دفاع مقدس خلق نمودند، این گردهمایی برگزار خواهد شد که در آن جانبازان عزیز و بزرگوار با درصد بالا شرکت خواهند کرد.» وی افزود: «قرار است این مراسم با رعایت کامل و دقیق شیوه نامه‌های بهداشتی برگزار شده و در این مراسم تقد و تکریم از این عزیزان صورت پذیرد. با توجه به حساسیت

گردهمایی تجلیل از جانبازان نمایندگی ولی فقیه در سپاه هم‌زمان با هفته دفاع مقدس، هفتم مهرماه در ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه برگزار می‌شود. سرهنگ پاسدار «حسن تقی‌زاده» جانشین معاونت نیروی انسانی نمایندگی ولی فقیه در سپاه با اعلام این خبر به خبرنگار صبح صادق گفت: «در اجرای تدابیر نماینده ولی فقیه در سپاه مبنی بر تقویت روحیه جهاد،



غلام‌شما هم هستند/ روز ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ ر آن‌گونه که ترامپ بارها در جلسه اعضای توافقنامه‌های بحری و امارات با رژیم صهیونیستی به زبان راند، باید یک روز تاریخی دانست، چرا که روز تحقیر دولت‌های خودفروخته‌ای بود که در یک بده بستان یک‌طرفه هرچه داشتند، تقدیم دشمنان ملت فلسطین کردند. این تصویر تازه شروع راهی است که آنها با در آن گذاشته‌اند! آیا نمی‌دانند که صهیونیست‌ها به کمتر از جان و خاکشان راضی نمی‌شوند؟



خشم رستوران‌داران از تانیاها / تعدادی از رستوران‌داران در رژیم صهیونیستی در اقدامی اعتراض‌آمیز علیه اجرای مجدد قرنطینه بشقاب‌هایشان را شکستند. شهرک‌نشینان صهیونیست نسبت به جمعیت خود بالاترین آمار ابتلا و مرگ کرونا در جهان را دارند و اولین منطقه در دنیا هستند که قرنطینه برای بار دوم در آن اجرا می‌شود. ضعف تانیاها در کنترل این بیماری خشم صهیونیست‌ها را برانگیخته است.



برادر با ایمان و پرتلاش/ حاج علی شمعوری، خادم باسابقه آستان قدس رضوی، یار دیرین مقام معظم رهبری، مرد روزهای حماسه و حادثه دوران پرفراز و نشیب انقلاب اسلامی و مبارز سال‌های اولیه نهضت تاریخی حضرت امام خمینی(ره) که از فعالان فرهنگی محافل قرآن و عترت مشهد مقدس بود، هفته گذشته درگذشت. امام خامنه‌ای در پیام تسلیت خود او را برادری با ایمان و پرتلاش خطاب کردند.



لیبی، جایی که قرار بود بسونیس آفریقا شود/ در سایه تشدید بحران برق در لیبی دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه بنغازی با استفاده از نور تلفن‌های همراه خود در جلسه آزمون پایان ترم حاضر می‌شوند. لیبی پس از سرنگونی سرهنگ قذافی، هنوز درگیر جنگ و کشمکش‌های داخلی است و امنیت آرزوی مردم این کشور است.

انعکاس

مروری تحلیلی بر کتاب جان بولتون-۱۲

افغانستان

ویتنام دوم آمریکا

ثمانه اکوان

کارشناس بین الملل

یکی از جالب توجه‌ترین فصل‌های کتاب خاطرات جان بولتون، فصلی است که به پرونده افغانستان اختصاص یافته و از ایده‌های ترامپ برای حل معضل گرفتار شدن نیروهای آمریکایی در این کشور می‌گوید. بولتون در این فصل اشاره می‌کند که ترامپ در سال ۲۰۱۷ در یکی از سخنرانی‌های خود که با مشورت «جیمز متیس» وزیر دفاع انجام داده بود، بیان می‌کند که راهبرد آمریکا در مقابل افغانستان و گروه طالبان، تهاجمی خواهد بود. با این حال پس از مدتی، تغییر عقیده داده و بیان می‌کند این سخنرانی یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات زندگی‌اش بوده است. او به دلیل اینکه نیروهای آمریکایی در افغانستان گیر افتاده و نه راه پیش داشتند و نه راه پس، ناراحت بود و کار تا جایی پیش می‌رود که در یکی از جلسات پر تنش کاخ سفید، ترامپ مسائلی را مطرح می‌کند که بسیار جالب است.

جان بولتون درباره این جلسه پر تنش و اضطراب می‌نویسد: «ترامپ گفت: «استراتژی من [منظورش چیزهایی بود که ژنرال هایش در سال ۲۰۱۷ به او گفته بودند] اشتباه بود، ولی هدفم اصلاً اشتباه نبود. ما همه چیز را باخته‌ایم. این شکستی واقعی بود. این هدر دادن همه چیز است. این مایه شرم است. همه این تلفات. من از اینکه بخوام راجع به این مسائل صحبت کنم، نفرت دارم...» ترامپ با تمسخر گفت: «این نمایش ترسناکی است. بالاخره باید از آنجا خارج شوم.» کورتیز بیان کرد که افغانستان موضوع امنیت مرزی برای آمریکاست، اما ترامپ گوش نمی‌داد.

پمپئو وارد بحث شد و گفت: «اگر این دستور باشد، ما آن را اجرا می‌کنیم اما داستان این است که پیروزی را به دست نمی‌آوریم.» ترامپ جواب داد: «آنجا ویتنام است. اصلاً چرا داریم از کره جنوبی در برابر کره شمالی حفاظت می‌کنیم؟» پمپئو گفت: «فقط ۹۰ روز به ما زمان بده» اما ترامپ جواب داد: «هرقدر بیشتر طول بکشد، این جنگ، بیشتر جنگ من می‌شود. من از شکست خوردن در جنگ‌ها متنفرم. ما نمی‌خواهیم، این جنگ، جنگ «ما» شود. حتی اگر ببریم، باز هم هیچی گیرمان نمی‌آید.»

سرانجام متیس رویه خود را تغییر داد و پیشنهاد کرد: «باید بگویم که ما به جنگ پایان دادیم نه اینکه از آنجا بیرون می‌آیم.» ترامپ بدون اینکه اشاره‌ای به کسی کند از این جمله محبوبش استفاده کرد: «اوکی، شما آماده‌اید؟» و می‌خواست نشان دهد که اتفاق بزرگی در راه است. بعد از این گفت: «بگوئید ما برای ۱۸ سال در آنجا بودیم، ما کار فوق‌العاده‌ای انجام دادیم اگر هر کدامشان [تروریست‌ها] به اینجا بیایند، طوری با آنها برخورد می‌شود که تاکنون نشده است. این چیزی است که ما می‌گوییم... متیس پرسید: «می‌توانیم بیرون آمدن را به تأخیر بیندازیم تا بیشتر از این نظامیان و دیپلمات‌های مان را از دست ندهیم؟» ترامپ دوباره غرغرکنان گفت: «نمی‌توانیم هزینه‌هایش را بپردازیم. ما شکست خوردیم. اگر اتفاق دیگری می‌افتاد و ورق برمی‌گشت من این کار را نمی‌کردم.»

واکاوای علنی سازی روابط دولت‌های دیکتاتور منطقه با رژیم صهیونیستی در گفت‌وگو صبح صادق با سیدهادی سیدافقهی

حاصل جمع صفر



علی اصغر رحمان نژاد

خبرنگار



«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا که این روزها دست خود را در زمینه دستاوردهای سیاست خارجی برای ارائه در کمپین‌های انتخاباتی خالی می‌بیند، دست به دامن روش‌های دستاوردساز شده است. او که تصور می‌کرد با خروج از برجام، می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار مضاعفی قرار داده و به تسلیم و اداری کند، اکنون در برابر مقاومت ملت ایران با شکست فاطمی روبه‌رو شده و سعی دارد یک پیروزی هرچند دستوری برای خود در منطقه خاورمیانه بسازد؛ از این رو به تازگی مقدمات عادی‌سازی روابط، میان برخی رژیم‌های مرتجع عربی و رژیم صهیونیستی را تدارک دیده و با تهدید و تطمیع، دو کشور امارات و بحرین را مجبور به امضای این توافق کرده است. برخی معتقدند این توافق چیزی جز آشکارسازی روابط دیرینه و پنهان رژیم‌های مرتجع عربی و رژیم صهیونیستی نیست. برای شناخت بهتر ابعاد این توافق و تأثیر آن بر وضعیت آینده منطقه و محور مقاومت با «سیدهادی سیدافقهی» کارشناس مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

پیامدهای این توافق نامه چه خواهد بود؟

در ابتدا به این نکته مهم توجه کنید که آقای «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا اعلام داشت، این توافق در اصل ایجاد یک ائتلاف علیه ایران است؛ یعنی این توافق نامه صرفاً آشکارسازی روابط پنهان پیشین میان بحرین و امارات با رژیم صهیونیستی نیست؛ بلکه همه این برنامه و نقشه‌ها با هدف تضعیف جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. قطعاً با الحاق خفت‌بار بحرین به این توافق نامه که با اجبار کاخ سفید و دستور شخص آقای ترامپ انجام گرفت، باید برای همه ما روشن شده باشد که آمریکا و رژیم صهیونیستی به دنبال ایجاد پیامدهای منفی امنیتی، نظامی و حتی اقتصادی برای همه منطقه آسیای غربی هستند؛ یعنی مقامات رژیم صهیونیستی افزون بر امارات و بحرین، نقشه‌های شومی برای همه کشورهای مسلمان و عرب منطقه در سر می‌پروراندند. اکنون ترامپ با فشار بر دیگر رژیم‌های مرتجع عربی به دنبال آن است که با عادی‌سازی روابط این کشورها با رژیم صهیونیستی، برگ برنده‌ای برای خودش و نتانیاهو به منظور ارائه در آمریکا و رژیم صهیونیستی فراهم کند. فراموش نکنیم که دست ترامپ در زمینه دستاوردهای سیاست خارجی در میانه نبرد انتخاباتی آمریکا خالی است.

از سوی دیگر، در سرزمین‌های اشغالی، نتانیاهو به دلیل پرونده مفاسد اقتصادی در آستانه محاکمه قرار داشته و در زیر فشار افکار عمومی است. در مجموع، کشورهای منطقه باید هوشیار بوده و اجازه ندهند پیامدهای منفی طرح‌های مدنظر آمریکا و رژیم کودک‌کش صهیونیستی، از جمله ایجاد معضلات اقتصادی، امنیتی و نظامی برای کشورهای منطقه محقق شوند. از این رو رهبر معظم انقلاب به تازگی با لحنی قاطع و دل‌سوزانه سران امارات و بحرین را به عقب‌نشینی از این ننگ‌نامه به ظاهر صلح دعوت کردند؛ چرا که جمهوری اسلامی همواره خیرخواه همه کشورهای منطقه حتی دولت‌های مرتجع متخاصم با ایران بوده است. برای نمونه، ما شاهد بودیم که جمهوری اسلامی ایران، بارها تلاش کرد تا عربستان سعودی آبرومندانه از باتلاق یمین خارج شود و دستش بیش از این به خون کودکان یمینی آلوده نشود.

وضعیت امنیتی منطقه پس از این توافق به چه صورت خواهد بود؟

امارات و بحرین یا سایر رژیم‌های مرتجع عربی، اصولاً در جنگ با رژیم صهیونیستی نبوده‌اند که حال بخواهند توافق نامه صلح با عادی‌سازی روابط امضا کنند. قطعاً آمریکا و رژیم صهیونیستی به دنبال نقشه‌ها و طرح‌های شوم خود، در پس پرده این ننگ‌نامه هستند. وقتی به تاریخ رجوع کنیم، شاهد خواهیم بود سراسر تاریخ دولت آمریکا با ایجاد ناامنی، تنش، جنگ و کشتار در جای‌جای جهان عجین شده است. رژیم صهیونیستی نیز کارنامه مشابهی در سطح منطقه ما دارد. از این رو قطعاً تلاش‌هایی برای ایجاد تنش و ناامنی بیشتر در منطقه ما از جانب آمریکا و رژیم صهیونیستی در جریان است؛ چرا که تداوم حیات رژیم صهیونیستی که غده سرطانی منطقه ماست، به ایجاد ناامنی و آشوب میان سایر کشورهای منطقه وابسته است.

به نظر شما اقدام بعدی مثلث عربی-عربی-غربی چه خواهد بود؟

قبل از پاسخ به این پرسش تأکید می‌کنم که همان طور که پیشتر اشاره شد، جمهوری اسلامی ایران، خیرخواه همه کشورها و ملت‌های منطقه است. ما بارها این مسئله را ثابت کرده‌ایم. این ایران نبود که در اوایل دهه نود میلادی به کویت لشکرکشی کرد؛ بلکه رژیم بعث عراق بود که با عطف قدرت، به متحد سابق خود در جنگ علیه ایران لشکرکشی کرد و کویت را به اشغال درآورد. ایران آن روزها به آوارگان و فراریان از جنگ که برادران مسلمان ما از کشور کویت بودند، کمک کرد و پناهشان داد. امروز در صحنه یمین، رژیم کودک‌کش آل سعود آتش‌بیار معرکه جنگ و کشتار است و این جمهوری اسلامی ایران است که همچون آتش‌نشانی فدakar در جهت خاموشی آتش جنگ یمین و سایر بحران‌های منطقه برخاسته است. اما درباره اقدامات بعدی قطعاً این ائتلاف عربی-عربی-عبری ضد ایرانی با حمایت غربی‌ها به دنبال ایجاد بحران برای ما در خلیج فارس، دریای عمان، تنگه هرمز، خلیج عدن، تنگه باب‌المندب، دریای سرخ، کانال سوئز و سایر مناطق راهبردی و مهم است. از این رو دولت‌مردان آمریکایی در حال فشار به کشورهای بیشتری در جهان اسلام هستند تا رژیم‌های مرتجع و دیکتاتور بیشتری را به پای میز

ننگ‌نامه صلح با صهیونیست‌ها بکشاند.

واکنش ایران و محور مقاومت به این توافق نامه، چگونه باید باشد؟

جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده است به دنبال ستیز، تنش و جنگ با هیچ کشوری در منطقه نیست. پیام رزمایش اخیر دلاورمردان ارتش جمهوری اسلامی ایران با عنوان «ذوالفقار ۹۹» نیز همین بود که ما با اقتدار به دنبال تأمین امنیت و صلح پایدار برای همه کشورهای منطقه هستیم؛ اما همان‌گونه که مقامات کشورمان به درستی و در جای خود بیان داشتند؛ ما حضور قدرت‌های متخاصم غربی و متحد آنها، رژیم منحوس صهیونیستی را که در صدد غارت منابع منطقه و ضربه زدن به منافع ملی همه کشورها از جمله ایران هستند، تحمل نخواهیم کرد. خوشبختانه محور مقاومت با هوشیاری تمام در حال رصد صحنه است و قطعاً جمهوری اسلامی ایران حضور غده سرطانی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس و در محدوده منافع ملی ایران را تحمل نخواهد کرد. البته اکنون شرایطی به وجود آمده که به حول و قوه الهی برای بیرون راندن آمریکا از منطقه نابدی رژیم غاصب صهیونیستی، دیگر حتی نیازی به سلاح مقاومت هم نیست؛ چرا که ملت‌ها بیدار شده و با دست خالی در حال بیرون راندن آمریکا از منطقه هستند. اخراج آمریکا از منطقه قطعاً به مرگ رژیم کودک‌کش منجر خواهد شد. شما نگاه کنید که ملت عراق چگونه آمریکایی‌ها را مفتضح و اخراج می‌کند. از سوی دیگر واکنش ملت قهرمان بحرین را که به خوبی نقش رژیم صهیونیستی در سرکوب انقلاب خود به دست رژیم جنایتکار آل خلیفه را شناخته‌اند؛ در قبال این ننگ‌نامه ببینید. قطعاً منطقه ما جایگاه ملت‌های مقاوم است و در آن جایی برای آمریکا، رژیم صهیونیستی و نوکران مرتجع‌شان در رژیم‌های دیکتاتوری عربی وجود ندارد.

آیا توافق‌نامه‌های این چنینی ادامه خواهند داشت و در صورت تداوم‌شان، کدام کشورها به این روند سازشکارانه، اضافه خواهند شد؟

آقای پمپئو، وزیر خارجه رژیم آمریکا در حال اعمال فشار بر کشورهای اسلامی برای پیوستن به این روند است و آمریکایی‌ها فشار بسیاری بر روی

تونس، سودان، مراکش و الجزایر در قاره آفریقا وارد کرده‌اند؛ اما این کشورهای اسلامی تاکنون به خوبی مقاومت نشان داده و از امضای این ننگ‌نامه خودداری کرده‌اند. افزون بر بحرین و امارات که این توافق را امضا کردند، فشار و تطمیع برای وادار کردن سایر رژیم‌های مرتجع عربی جنوب خلیج فارس برای پیوستن به این روند نیز کماکان ادامه دارد.

عربستان سعودی در این میان چگونه عمل خواهد کرد؟

عربستان سعودی نیز روابط دیرینه‌ای با رژیم صهیونیستی دارد و قطعاً حکام سعودی از رسمی و علنی تر شدن این روابط، استقبال خواهند کرد. متأسفانه کشور پادشاهی عمان که از قضا حدود پنج دهه است رابطه حسنه‌ای با ما دارد نیز بارها اشتیاق خود برای افزایش روابط با رژیم صهیونیستی را نشان داده است. فراموش نکنید که در زمان سلطان قابوس، پادشاه فقید عمان، چه استقبال گسترده و شاهانه‌ای از سفر نتانیاهوی کودک‌کش به عمان به عمل آمد. در آینده نزدیک، چراغ سبز عربستان و عمان برای پیوستن به این روند، دور از انتظار نخواهد بود.

نسبت توثیق تهدید آمیز اخیر ترامپ علیه ایران با این توافق چیست؟

همان طور که پیشتر گفته شد، ترامپ و نتانیاهو به دنبال افزایش تنش در منطقه ما هستند. در کنار این مطلب، هنگامی که پمپئو علناً می‌گوید این توافق نامه نه یک عادی‌سازی یا آشکارسازی، بلکه یک ائتلاف ضد ایرانی است؛ باید نتیجه بگیریم که غده سرطانی رژیم صهیونیستی در کنار آمریکا و مرتجعان منطقه به دنبال ایجاد مزاحمت بیشتر برای جمهوری اسلامی ایران هستند. مقامات امارات برای ظاهر سازی، در ادعایی مضحک اعلام داشته‌اند که فداکارانه و برای اشغال نشدن کرانه باختری به دست رژیم صهیونیستی، به این توافق عادی‌سازی تن داده‌اند! اما باید اظهارات نتانیاهو را که علناً از الحاق این منطقه به خاک رژیم اشغالگر قدس و اخراج تمامی اعراب از سرزمین فلسطین سخن گفته، به عنوان سوغات امارات و بحرین از این سفر عادی‌سازی روابط نام برد؛ سوغاتی که پوچ است و نتیجه آن هیچ خواهد بود.

سیاست شکست خورده

شش سناتور جمهوری خواه در این نامه از «ترامپ» خواسته‌اند تمام بخش‌های مالی ایران به موجب فرمان اجرایی ۱۳۹۰۲ که ۱۰ ژانویه امضا شده تحریم شود. قانون‌گذاران آمریکایی نوشته‌اند تلاش‌های آمریکا برای مقابله با ایران را تحسین می‌کنند. ترامپ وعده داده بود با خروج از برجام و پیگیری سیاست موسوم به «کارزار فشار حداکثری» ایران را به حضور پای میز مذاکره برای رسیدن به «توافقی بهتر»- به زعم او- مجاب خواهد کرد. در حالی که بیش از دو سال از این وعده می‌گذرد، دولت آمریکا در تحقق ایسن هدف ناکام مانده و به همین دلیل ترامپ تحت فشار است.



وضعیت وخیم آمریکا

«بیل گیتس» مؤسس شرکت مایکروسافت، در مصاحبه‌ای با شبکه «فاکس نیوز» گفته دست‌اندر اجرای «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا برای ممنوعیت سفر در فصل بهار، وضعیت این بیماری در این کشور را وخیم‌تر ساخت. تخم این بیماری در اینجا کاشته شد که این ممنوعیت و نحوه اجرای آن به [شیوع] این بیماری سرعت بخشید. ظرفیت آزمایش و راهی روشن برای مقابله با این ویروس وجود نداشت. بیل گیتس پیش‌تر از نحوه واکنش چین به ویروس کرونا حمایت کرده بود و یکی از منتقدان ترامپ در زمینه مقابله با این ویروس بوده است.



اختلاف در ریاض

روزنامه وال استریت ژورنال نوشته: «حال که بحرین و امارات روابط خود را با اسرائیل علنی کرده‌اند، بحث پشت‌پرده در دربار سلطنتی آل سعود این است که آیا عربستان نیز باید قدم در این مسیر بگذارد یا خیر.» مطابق این ادعا «ملک سلمان»، پادشاه عربستان سعودی با پسرش «محمد بن سلمان» ولیعهد این کشور بر سر این موضوع اختلاف دارد. ملک سلمان از دیرباز حامی بایکوت رژیم اسرائیل بوده، اما محمد بن سلمان طرفدار ورود عربستان به تجارت با اسرائیل است. «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا تا به حال چندین بار گفته عربستان سعودی به زودی به «توافق صلح با اسرائیل» خواهد پیوست.



دفاع مقدس تحریف شدنی نیست!

علی حیدری

نمادین



۳۲ سال پیش وقتی بسا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آتش جنگ رو به خاموش گذاشت، دشمنان انقلاب اسلامی و حامیان صدام که آتش افروزان واقعی جنگ تحمیلی بودند، به ذهن شان هم خطور نمی کرد که پس از سه دهه از پایان جنگ، ایستادگی و مقاومت هشت ساله ملت ایران در قالب فرهنگ دفاع مقدس تبدیل به یک منظومه غنی و ارزشمند شود که نسل های جوان و جنگ ندیده هم از آن الگو بگیرند.

آنها حتی فکرش را هم نمی کردند که تجربیات کسب شده در آن دوران کلید فتح سنگرهای جدید علمی، فناوری، صنعتی و دفاعی و... شود که با تفکر جهادی راهبری و مدیریت شده اند و به عبارت بهتر جنگ هشت ساله اگر چه خانمان سوز بود اما حاصل و دستاورد آن توجه به قدرت و قابلیت های نیروهای توانمند داخلی در بسیاری از عرصه ها بود که منشأ پیروزی ها و پیشرفت ها را فراهم می کرد. در چنین شرایطی اتاق فکرها و اندیشکده های غربی که پیوسته در حال طراحی سناریوهای جدید برای مقابله همه جانبه با انقلاب کبیر اسلامی هستند- که آثار شگفت انگیز این پدیده در بسیاری از کشورهای منطقه و جهان هویدا شده- به این نتیجه رسیدند تا در پروژه تحریف

مفاهیم و واقعیت های انقلاب اسلامی دست به تحریف و وارونه نمایی از دفاع مقدس نیز بزنند.

تحریف یک از مهم ترین و مؤثرترین تاکتیک های عملیات روانی است. کسانی که به دنبال بهره گیری از این تاکتیک هستند، به گونه ای عمل می کنند که محتوای یک پیام به شکلی تغییر یابد که منظور دیگری را بر خلاف معنای اصلی آن به مخاطب القا کند. برای تحریف یک واقعیت، از تکنیک هایی چون سکوت، انکار، کوچک نمایی و بزرگ نمایی استفاده می شود. پاره حقیقت گویی و وارونه نمایی از شیوه هایی است دستگاه های فرهنگی و رسانه های تحت حمایت نظام سلطه از آنها برای تحریف مقوله دفاع مقدس بهره می گیرند. باورپذیری مخاطبان در قبال پیام هایی از این قبیل در صورتی محقق می شود که اخبار و تحلیل های صحیح و ناصحیح در کنار هم ارائه شوند تا تأثیر خود را بگذارند.

رمز موفقیت و نقطه امید دشمن در این عرصه مواجهه، ضعف سواد رسانه ای بخشی از مخاطبان و گیرندگان پیام است. چرا که سواد رسانه ای قدرت تشخیص پیام های واقعی از غیر واقعی را به وجود می آورد.

اما هدف دشمنان از تحریف حقایق از یک سو ایجاد شک و تردید نسبت به باورهای ذهنی مردم است و از سوی دیگر ناامید کردن آنها نسبت به آینده کشور. چون امید موتور محرکه حرکت در مسیر پیشرفت و اعتلای جامعه است. مقطع مهم و حساس دفاع مقدس دوره ای تاریخ ساز و مؤثر بر حیات طیبه نظام اسلامی است، لذا بدخواهان ملت ایران این مقطع را با همه

ارزش ها و دستاوردهایش هدف تحریف و جعل قرار داده اند. اما برای مقابله با این جریان به دو مطلب باید توجه داشت که اولی امیدبخش و دومی نیازمند اقدام است.

۱- دفاع مقدس تحریف شدنی نیست، چرا که این جهاد عظیم محصول خون های پاک جوانان برومندی است که از جان خود هم برای دفاع از آرمان انقلاب اسلامی که نشأت گرفته از نهضت عاشورا بود، دریغ نکردند و خداوند حافظ خونهای پاک آنها خواهد بود. از سوی دیگر لازم به ذکر است که از همان روزهای نخست آغاز جنگ تحمیلی و حضور فرماندهان و رزمندگان در جبهه های حق علیه باطل، راولیان جنگی اقدام به ثبت وقایع و تحولات پنهان و آشکار دفاع مقدس کرده اند که امروز تبدیل به گنجینه ای پر بها و بی نظیر از اسناد و منابع جنگ تحمیلی است که باید با بهره گیری و انعکاس آنها به افکار عمومی به ویژه نسل جوان جلو تحریف واقعیت ها را گرفت.

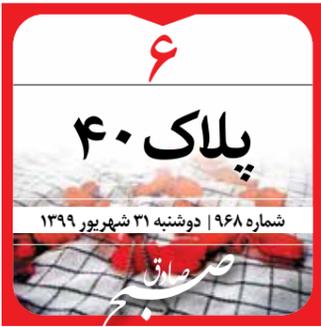
۲- توجه به مقوله سواد رسانه ای ضرورتی انکارناپذیر است، چرا که در عصر جنگ روایت ها این رسانه ها هستند که به عنوان توپخانه های دشمن ایفای نقش می کنند، سواد رسانه ای و ایجاد توان درک متکی بر مهارت می تواند و ظرفیت شناخت و تفکیک رسانه ها و پیام ها آنها را به مخاطبان بدهد. در این میان نقش رسانه ها بویژه رسانه ملی به عنوان فراگیرترین شبکه رسانه ای کشور در امر آموزش و بازنمایی ابعاد عملیات روانی دشمنان در موضوعات مختلف حائز اهمیت فراوانی است.

با آثار و گفتاری از:

- ♦ سردار محمد اسماعیل کوثری
- ♦ سردار حسن رستگارپناه
- ♦ امیر سرتیپ محمد حسن نامی
- ♦ سردار علی محمد نائینی
- ♦ سردار محمد علی آسودی
- ♦ مرتضی سرهنگی
- ♦ سید نظام الدین موسوی

و ...





آیا ایران جنگ را شروع کرد؟

سردار
محمداسماعیل کوثری
فرمانده اسبق لشکر ۲۷
محمد رسول الله (ص)

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در حالی به پیروزی رسید که در مقابل دو ابرقدرت صفا آرایی کرد؛ این در حالی است که شعار انقلاب هم خیلی صریح و واضح و برگرفته از کلام خدا «نه شرقی و نه غربی» بود و فقط با اتکا به قدرت خداوند بود، که این سبب به لرزه افتادن و وحشت ابرقدرت‌ها شد.

یک زمانی انسان‌ها نظریه پردازی می‌کنند و یک زمانی هم عملاً وارد صحنه جنگ می‌شوند، هیچ کسی نمی‌تواند کوچک‌ترین موردی پیدا کند و بگوید ما وارد جنگ شده باشیم. از آن طرف صدام حسین در ۲۶ تیر ماه سال ۱۳۵۸ دقیقاً چند ماه بعد از پیروزی انقلاب روی کار آمد، به دلیل اینکه دو ابرقدرت به این نتیجه رسیده بودند که «احمد حسن البکر» رئیس‌جمهور عراق نمی‌تواند اقدامی علیه ایران کند، لذا تشخیص دادند صدام می‌تواند کارهایی انجام دهد و به این ترتیب او را رئیس‌جمهور کردند. از همان وقت ارتش عراق را هم تقویت کردند که اگر طراحی‌هایی مانند ترور شخصیت‌ها یا فعال کردن گروه‌های ضد انقلاب در استان‌های مرزی مانند خلق عرب، خلق کرد، خلق ترکمن و خلق بلوچ و کودتا به نتیجه نرسید، جنگ را تحمیل کنند. آنها حتی لوله‌های نفت را در استان خوزستان تخریب و منفجر می‌کردند و مسائل دیگری نیز به وجود آورده بودند.

دشمنان در زمینه چرایی و شروع جنگ تحمیلی شبه‌هایی مطرح می‌کنند و متأسفانه برخی از جوان‌های ما هم از مراجع خود پرس‌وجو نمی‌کنند و تابع جو فضای مجازی می‌شوند؛ در حالی که این‌طور نیست و همه اسناد و مدارک موجود است. تلویزیون عراق چند روز پیش از شروع رسمی جنگ تحمیلی صدام را نشان داده بود که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را که با شاه امضا کرده بود، پاره می‌کند و می‌گوید من این را قبول ندارم، این نشان‌دهنده چیست؟ در نهایت ما این جنگ تحمیلی را به دفاع مقدس تبدیل کردیم، یعنی دفاعی که حق هر ملت و انسان آزادی‌خواهی است و نگاه‌اش تیم دشمنان حتی یک وجب از خاک کشورمان را در اختیار خود نگه دارند. در پاسخ به شبهه‌هایی که درباره چرایی ادامه جنگ وجود دارد، این‌طور بیان کنم که آنها هیچ تعهدی به ما نمی‌دادند. نمونه بارز آن، زمانی است که امام (ره) قطعنامه را پذیرفتند و دیدیم که مجدد به ما حمله کردند. سازمان ملل هم که پشت آنها بود، حتی در این حمله بعد از پذیرش قطعنامه یقه رژیم بعث عراق را نگرفت که بگوید ایران که قطعنامه را پذیرفته است، برای چه شما حمله کرده‌اید؟ چون سازمان ملل، آمریکا، شوروی سابق و کشورهای مرتجع منطقه همه دست به دست هم داده بودند تا بتوانند جمهوری اسلامی را از بین ببرند. به همین دلیل جنگ تحمیلی طولانی شد و علت آن را باید از آنها جویا شد نه از ما که به ما حمله شده بود. حرف ما این بود که به کشور ما تجاوز شده و دشمن باید از مملکت بیرون برود و لب همان مرز قانونی که قبلاً قرارداد بسته شده، باشد؛ اما این کار را نمی‌کردند؛ بنابر این باید دشمن را بیرون می‌کردیم و چون با حرف حساب و مذاکره بحث پیش نمی‌رفت، لذا جنگ ادامه یافت.

وحشت در کاخ سفید

دلایلی بر متجاوز بودن رژیم بعث عراق

بوده‌اند. آنچه قابل راستی آزمایی است و دلایلش نیز در کشور و تاریخ وجود دارد، این است که رژیم بعث عراق بعد از پیروزی انقلاب دو غانله مهم در کشور ما به راه انداخت. شاید ترس‌شان از نفوذ انقلاب اسلامی به عراق یا تأسی مردم عراق به ویژه شیعیان از انقلاب ما بود. آنها قبل از شروع جنگ، نیروهای کرد مخالف ایران را که در عراق حضور داشتند، تقویت کردند و غانله درستان را راه انداختند که خسارت‌های بسیاری به کشور و امنیت و وحدت ملی، به ویژه منطقه کردستان وارد کرده و به دنبال ایجاد شکاف بودند. موضوع دیگر بحث خلق عرب در خوزستان بود که رژیم بعث آنها را تحریک و فعال کردند و برخی گروه‌ها را تجهیز، حمایت و فعال کردند که در داخل کشور به اقدامات مسلحانه و انفجارها دست بزنند.

به این ترتیب، عراقی‌ها عملاً با این دو اتفاق بزرگ پیش از شروع جنگ قصد مخدوش کردن امنیت ملی کشورمان و از بین بردن نظام نوپای اسلامی را داشتند. این دو استان هم‌جوار عراق بودند و می‌خواستند با تضعیف آنها، عملیات انجام دهند و راه نفوذ خود را در این دو استان مرزی و استراتژیک که با ترکیب قومیتی، متفاوت با مرکزیت کشور بودند، شروع کنند. متعاقب این اقدامات جنگ تحمیلی را در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ آغاز کردند و این اتفاق بسیار تلخ را رقم زدند؛ اینها قراین و دلایل مستند است که نشان می‌دهد عراقی‌ها جنگ را شروع کرده‌اند.

در پاسخ به کسانی که با شیظنت مطرح می‌کنند تحریک‌های ما سبب حمله صدام شد، می‌توان گفت اینکه همه کشورها در حوزه

دانشجویان پیرو خط امام (ره) تسخیر شد و دیپلمات‌های آنها مدت زیادی در بازداشت بودند، همگی سبب سرشکستگی و تحقیر آمریکایی‌ها شد. همچنین وقتی در کودتای نوژه در اوایل سال ۱۳۵۹ موفق نشدند، لذا ارتش عراق را که یک ارتش منظم و قوی در منطقه بود، علیه ایران تحریک به حمله کردند؛ در واقع آمریکایی‌ها پشت صحنه جنگ بودند. نشانه‌ها و قراین همه این موضوع را تأیید می‌کند، آمریکا حمایت‌های بسیاری در طول این هشت سال از عراقی‌ها داشت؛ به ویژه در زمینه تسلیحاتی و اطلاعاتی و هر چه به پایان جنگ نزدیک‌تر می‌شدیم، این حمایت‌ها بیشتر بود. همه اینها نشان می‌دهد شروع جنگ از سوی آنها و با شیظنت و وسوسه و تحریک آنها انجام شده است. از دیگر تحلیل‌های چرایی شروع جنگ این است که صهیونیست‌ها در حمله عراق به ایران مؤثر بودند و آنها تحریک و شیظنت کرده و چراغ سبز نشان داده و از عراق حمایت کردند تا ارتش صدام به ایران حمله کند. در واقع، با پیروزی انقلاب اسلامی، یک بیداری در کشورهای اسلامی ایجاد شده بود که می‌توانست خطرهای بسیاری برای رژیم صهیونیستی داشته باشد و جایگاه و موقعیت آنها را در منطقه تضعیف کند، بنابراین شیظنت کرده و این اتفاق افتاد.

صرف نظر از اینکه ما کدام یک از این تحلیل‌ها را بخواهیم بپذیریم و در تحلیل‌های مان لحاظ کنیم، آنچه اتفاق افتاد و مهم است، قابل راستی آزمایی است. برای هر یک از تحلیل‌ها قراینی وجود دارد که آمریکایی‌ها یا صهیونیست‌ها مسبب جنگ عراق علیه کشور ما

حجت‌الله فیروزی

نماینده مجلس



درباره چرایی آغاز جنگ موضوعات گوناگونی مطرح می‌شود. برخی‌ها می‌گویند پس از اینکه مصری‌ها جایگاه خود را به دلیل سازش با رژیم صهیونیستی از دست دادند، صدام می‌خواست رهبری جهان عرب را به دست بگیرد. لذا وقتی دید انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسیده و ارتش ایران با فرار مستشاران نظامی، تضعیف شده و جایگاه قبلی خود را ندارد، به این باور رسید که کارها نابسامان است و هنوز حکومت قوی و مستقل نیست، بنابراین با حمله به ایران می‌تواند سرزمین خود را با گرفتن خوزستان، گسترش دهد و تقویت کند. برخی‌ها معتقدند، چون انقلاب ایران به لحاظ ارزشی می‌توانست روی کشورهای که جمعیت شیعه آنها زیاد است از جمله عراق، تأثیر بگذارد و سبب شود در آن کشورها هم انقلابی رخ دهد و مردم خیزش کنند، لذا صدام برای در امان ماندن از این خیزش مردمی، جنگ به راه انداخت تا هم دامنه نفوذ ایران به کشورهای همسایه محدود شود و هم سبب شود مردم کشورش فرصت و جرئت حرکتی برای انقلاب نداشته باشند. نشانه‌های این موضوع کشتار رهبران شیعه، از جمله «آیت‌الله حکیم» بود. در واقع صدام هم‌زمان با حمله به کشور ما، شیعیان کشورش را در چند مرحله سرکوب کرد. برخی‌ها اظهار می‌دارند چون آمریکایی‌ها مجبور شدند کشور ما را ترک کنند و لانه جاسوسی نیز به دست

ایستادگی پای منافع ملی

نگاهی به نحوه مواجهه ملت ایران با تهاجم عراق به کشورمان

۳

محیط بین‌الملل نیز بلوک شرق به سرکردگی شوروی سابق و بلوک غرب به سرکردگی آمریکا جهان را دو قطبی کرده بودند و به دنبال گزینه‌ای بودند تا بتوانند مقابل انقلاب اسلامی بایستند، از این رو گزینه‌ای بهتر از صدام نبود که از این طریق به میدان آمدند. مسئله مرزهای مشترک و قرارداد الجزایر و حقارت شخص صدام در امضای این قرارداد محیط ملی عراق را نیز برای این حمله مساعد کرده بود. ضمن اینکه دو کشور مسلمان را به جان هم می‌انداختند و می‌توانستند جهان عرب را به نوعی طرفدار صدام کنند.

۴

محیط منطقه‌ای و نگرانی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از خیزش‌های اسلامی در پی انقلاب اسلامی ایران بود، لذا سران کشورهای مرتجع عرب تلاش کردند از صدام حمایت کامل کنند. پیش از جنگ مسائل دیگری، مانند ترورها و کودتاها را امتحان کرده بودند و تا زمانی که بنی‌صدر رئیس دولت بود، فکر می‌کردند از این راه نیز شاید بتوانند مسئله را مدیریت کنند؛ اما به محض تشکیل دولت شهید رجایی این امیدواری بین استکبار کم‌شد، بنابراین در ۳۱ شهریور جنگ را شروع کردند.

۵

با توجه به این‌کنش‌ها و واکنش‌ها جنگ اجتناب‌ناپذیر بود و اراده قدرت‌های الهی این بود که انقلاب اسلامی را از مسیر تحمیل یک جنگ تمام‌عیار به ناپودی بکشانند، منتها معادلات آنها در طول جنگ به هم خورد. درباره اینکه چرا نتوانستیم واکنش مناسب نشان دهیم، واقعیت این است که در دوره بنی‌صدر از ظرفیت‌های موجود به درستی استفاده نشد که یکی از این ظرفیت‌ها، نیروهای مردمی بود. زمانی که اسام راحل فرمودند «دزدی آمده و سنگی انداخته و ما تیبیه

دیپلماسی، گفتاری، تفسیری و موضع گرفتن بارها صحبت می‌کنند و این صحبت‌ها نسبت به کشورهای هم‌جوار شاید یک موضع‌گیری باشد. مگر همین الآن برخی کشورها نسبت به ما موضع نمی‌گیرند؟ برای نمونه، کشور امارات که کشوری کوچک است و از نظر موقعیت نیز در جهان جایگاهی ندارد، بارها به نوعی ما را تهدید و در امور ما دخالت کرده است، آیا ما باید بگوییم علیه ما جنگی شروع کرده‌اند؟ این مسائل در عالم دیپلماسی زیاد اتفاق می‌افتد. اینکه ما می‌گوییم انقلاب‌مان را صادر می‌کنیم، بخشی از آن نگاه فرهنگی است و بخشی تحلیل‌های سیاسی است؛ بعضی صحبت‌ها موضع‌گیری دیپلماسی است و به معنای دخالت در امور کسی یا تحریک یا تهدید کسی نیست. نکته دیگر درباره شروع جنگ تحمیلی، بحث سازمان ملل است؛ سازمان ملل به منزله یک نهاد بین‌المللی در ایام جنگ و حتی همین الآن نیز نشان داده که طرفدار ما نیست و با ما موضع دارد و دشمنی می‌کند و چقدر در حق مردم ما در موضوعات مختلف ظلم کرده است. حال وقتی سازمان ملل تحقیق می‌کند و با رعایت همه جوانب، رژیم بعث عراق را عامل و شروع‌کننده جنگ و متجاوز جنگی معرفی می‌کند، دیگر جایگاهی ندارد که بخواهیم بگوییم وسوسه ما عراق را تحریک کرده است. این سازمان به منزله یک نهاد بین‌المللی همه این مسائل را لحاظ کرده و سپس عراق را متجاوز جنگی معرفی کرده است؛ لذا این هم دلیل دیگری بر رد برخی تفاسیر است که ما را عامل تحریک عراق می‌دانند، در واقع این گونه تفاسیر، بیشتر شیظنت رسانه‌ای و سیاسی است.

در این قطعنامه هم هیچ اشاره‌ای به اینکه چه باید کرد و الزامات آتش‌بس چیست، وجود نداشت. منشور ۶ ملل متحد می‌گوید اگر نزاعی بین کشورها به وجود آمد، شورای امنیت سازمان ملل باید با صدور قطعنامه‌های الزام‌آور آن را پایان دهد و اگر نشد با استفاده از قوه قهریه نسبت به مهار آن نزاع اقدام کند. اما در قطعنامه ۵۱۴ می‌بینید که دو طرف را به آتش‌بس توصیه می‌کند و هیچ یک از شروط حقوقی ایران مد نظر قرار نمی‌گیرد؛ بحث اعلام متجاوز و تخلیه سرزمین‌هایی که هنوز در اشغال عراق است و بحث تبادل اسرا و بازگشت آبادان چهار شرطی است که امام (ره) در دو سخنرانی خود در آن فاصله و در پیامی آن را اعلام می‌دارند و رهبر معظم انقلاب که آن زمان رئیس‌جمهور وقت بودند، پیام را در سازمان ملل مطرح می‌کنند؛ اما هیچ الزامی به این شروط نمی‌شود؛ لذا نکته اول ادامه جنگ این است که کسی از دنیا و مجامع بین‌المللی حاضر نشد حقوق حداقلی ایران را بگیرد؛ بنابراین، ملت ایران تصمیم گرفت با تنبیه و تعقیب متجاوز و لو در خاک عراق حق و حقوق خود را بگیرد.

۸

در آزادی خرمشهر پیروزی بزرگی به دست آورده بودیم، اما شرایط به گونه‌ای نبود که مطمئن باشیم فردا اتفاقی نمی‌افتد. در آن دوره هنوز شهرهای آبادان، خرمشهر، ایلام و کرمانشاه زیر بمباران و توپ دشمن بودند و مناطقی از کشور، از جمله نفت شهر و برخی قسمت‌های قصر شیرین در اشغال دشمن قرار داشتند. امام راحل فرموده بودند: «این صلح، صلح صدامی است»؛ یعنی صلحی نیست که خواسته‌های دو طرف در آن در نظر گرفته شده باشد. صدام اگر در برخی نقاط عقب‌نشینی کرد، تظاهر به صلح کرد برای اینکه بتواند فرصت سازماندهی مجدد نیروهایش را به دست بیاورد و پس از برطرف کردن نقاط ضعف، مجدد حمله کند؛ لذا چون این اطمینان وجود نداشت، ایران با بررسی همه‌جبهه‌ها، تصمیم بر ادامه جنگ و دفاع گرفت.

۶

بنی‌صدر به دلیل مشورت‌هایی که می‌گرفت به دنبال جنگ کلاسیک بود، در حالی که نیروهای مردمی دنبال جنگ انقلابی بودند و معتقد بودند با جنگ کلاسیک نمی‌توان مقابله کرد و باید یک طرح و ابتکار جدید به دست آورد. بنابراین، نیروهای شهید حسن باقری و رحیم صفوی مثل غلامعلی رشیدی و جوان‌های دیگر به جبهه‌ها آمدند. در نهایت یک روز پس از عزل بنی‌صدر در ۲۰ خرداد سال ۱۳۶۰، نیروهای مردمی در دارخوین اولین عملیات را تحت عنوان «فرماندهی کل قوا خمینی روح خدا» انجام دادند و برای اولین بار تعدادی اسیر گرفتند و دشمن را تا حدودی عقب‌رانند.

۷

درباره چرایی ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر می‌توان گفت، هیچ پیشنهاد صلح الزام‌آوری از سوی مجامع بین‌المللی برای ایران وجود نداشت؛ تنها یک قطعنامه با عنوان قطعنامه ۵۱۴ در ۲۲ تیر ماه سال ۱۳۶۱ صادر شد که آن زمان ما برای انجام عملیات رمضان آماده می‌شدیم.

کار بسیار است و فرصت کم!

حسن ابراهیمی

خبرنگار

در بعد وسیع‌تر انقلاب اسلامی از هیچ حمایت بیرونی به جز حمایت ملت‌های آزاد جهان برخوردار نبود. همه ماجرا بیان این موضوع نیست؛ چراکه با گذشت ۳۰ سال از پایان دفاع مقدس اولین خطر جدی که دفاع مقدس با آن مواجه خواهد بود، خطر تحریف است؛ موضوعی که رهبر معظم انقلاب بارها دربار آن هشدار داده‌اند. اصلی‌ترین راه مقابله با این خطر تدوین مستند و دقیق وقایع آن دوران است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توانسته در اقدامی بسیار زیبا و دقیق از روزهای ابتدایی دفاع مقدس گنجینه‌دقیقی از صوت، اسناد مکتوب و تصویر از لشکرها، تیپ‌ها و فرارگاه‌های سپاه در این دوران جمع‌آوری کند و با هم‌راه‌سازی راولیان با فرماندهان لحظه‌نگاری وقایع را در این امر پیش بگیرد. امروز میلیون‌ها سند از دوران دفاع مقدس در گنجینه مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه وجود دارد که در حال گویاسازی و تدوین و تبدیل شدن به کتاب برای پژوهشگران است. اسنادی انکارناپذیر از تاریخ هشت سال حماسه که می‌تواند بهترین ابزار برای مقابله با هرگونه تحریفی باشد. بر اساس این، در حاشیه نشست که برای رونمایی از دست خط فرمان حضرت امام (ره) به فرمانده وقت سپاه برای تشکیل نیروهای سه‌گانه سپاه برگزار شده بود، با «سردار دکتر علی محمد نائینی» رئیس این مرکز به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه بخش‌هایی از این گفت‌وگو را می‌خوانید.

سردار ابتدا می‌خواهم درباره مهم‌ترین موضوعی که فکر می‌کنید از دفاع مقدس وجود دارد و باید پس از چهل سال از آغاز این جنگ هشت ساله به آن توجه کرد، بگوئید.

با توجه به پژوهش‌هایی که طی این سال‌ها، به ویژه در این چند سالی که در این مرکز مسئولیت دارم، داشتم، این موضوع آشکار است که امروز دشمنان و مغرضان با انقلاب اسلامی به دنبال تقلیل سطح جنگ به یک کنش و واکنش دو همسایه هستند. در واقع، یک سناریوی سازمان‌یافته با همکاری استخبار جهانی وجود دارد که ما به شکل‌های گوناگون می‌توانیم بروز آن را ببینیم که هدف آن هم مقابله و کنترل انقلاب اسلامی است؛ چراکه دفاع مقدس زیربنای هویت‌بخش انقلاب اسلامی است.

تقابل با انقلاب اسلامی از همان روز اول شکل‌گیری آن وجود داشت. برای نمونه، می‌توان به کودتاها و براندازی‌های گوناگون اشاره کرد، از جمله ماجرای جدایی طلبی‌ها که به تعبیری هشت استان کشور را درگیر کرده بود. اگر در کودتاها و جدایی طلبی‌ها موفق بودند دیگر نوبت به صدام نمی‌رسید.

جنگ ما جنگ ایران و عراق نبود، بلکه جنگ انقلاب اسلامی و مخالفان و دشمنان انقلاب در جبهه استخبار بود. صدام مهره این افراد بود، حال ممکن بود انگیزه و اختلافات تاریخی هم داشت، اما واقعاً مهره و بازیچه آنها بود.

چرا آمریکا و کل کسانی که کمک حال صدام برای حمله به ایران بودند پس از پذیرش قطعنامه از سوی ایران و حمله صدام به کویت بلافاصله نیرو اعزام کردند و با او جنگیدند و او را بیرون کردند؟ چرا در حمله صدام به ایران این کار را انجام ندادند؟ چون خیلی علنی بود که خود آنها حامیان و تحریک‌کنندگان صدام برای این کار بودند.

اما در جنگ عراق با ما حدود ۸۰ کشور دنیا به این کشور از نظر مالی، اطلاعاتی، لجستیکی و تسلیحاتی کمک می‌کردند و فرقی نداشت آن کشور از بلوک شرق باشد یا غرب. همه دستاوردهای نظامی و طراحی‌های راهبردی و عملیاتی ناشی از تجربیات جنگ جهانی اول و دوم از جانب فاتحان و مغلوبان این جنگ در اختیار عراق قرار گرفت. صدام با اینکه بارها تیپ‌ها و لشکرهایش منهدم شد، هربار با کمک آنها نیروهایش را بازسازی می‌کرد و انتهای جنگ چند برابر ابتدای آن نیرو و امکانات سازماندهی کرده بود. پس از فتح خرمشهر همه توان طراحی نظامی دنیا به کمک صدام آمد تا زمین را مسلح کند و مانع از نفوذ رزمندگان به عمق عراق و فتح بصره شود و هزاران مسئله دیگر مانند سلاح‌های کشتار جمعی و... .

همه اینها را با وضعیت تحریم ایران و نیز تنها بودن ما در صحنه بین‌الملل باید دید.

سردار از این مباحث در اسناد شما در مرکز می‌توان موضوعی را یافت؟

بله، خوشبختانه بخشی از اسناد هم در مرکز و هم در جاهای دیگر مانند وزارت خارجه وجود دارد. نمونه‌های زیادی وجود دارد که در نشریات غربی به آن اشاره کرده‌اند. جالب است اگر محقق در این مسئله پژوهش کند، اصل این واکنش‌ها در زمانی نیست که عراق در برخی میدان‌ها پیروز بوده، بلکه حمله شیمیایی می‌کند. وقتی این واکنش‌ها که در واقع واقعیت مسائل و همکاری‌های عیان و پشت پرده را مشخص می‌کند، رومی‌شود که مثلاً ما این اوج‌گیری واکنش‌ها را بعد از هر عملیات پیرومندانه داریم، به ویژه عملیات‌های خاص. برای نمونه، پس از عملیات والفجر ۸ که یکی از دوران‌های اوج‌گیری جنگ شهرها و بمباران و موشک‌باران شهرهای ایران بود، «واشنگتن‌پست» در ۲۴ آذر سال ۱۳۶۵ در دست زمانی که ما در تدارک عملیات

هفته دفاع مقدس آن هم در چهلمین سالگرد این مهم‌ترین رویداد تأثیرگذار در انقلاب اسلامی، فرصت مغتنمی است تا با نگاهی کلان ابعاد این ماجرای پر فراز و نشیب هشت ساله و جهانی را بررسی کنیم. اگرچه در ظاهر این جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق به ملت ایران بود، اما با نگاهی به عمق ماجرا درمی‌یابیم، این جنگ، جنگ جهانی علیه ملت ایران از طریق ارتش بعث و با پشتیبانی ابرقدرت‌ها و قدرت‌های نظامی جهان بود؛ در حالی که جمهوری اسلامی ایران و

بله، حجم عظیمی از صوت‌ها پیاده‌سازی شد، گویاسازی، مقابله‌سازی و کارهای تخصصی دیگر روی اینها انجام شد و به صورت دسته‌بندی شده بایگانی شد. همچنین، قراردادهایی با نویسندگان و پژوهشگران دفاع مقدس بسته شد و تاکنون تعداد زیادی کتاب در حوزه‌های مختلف در راستای این اسناد تولید شده است. بسیاری از اسناد هم در قالب قراردادهای جدید کار تولید آثارش در حال انجام است. ما تا الان ۴۰ عنوان روزشمار جنگ را منتشر کردیم که همه اسناد منحصربه‌فرد هستند. این را بگویم که در این مدت بیش از سه سالی که بنده در مرکز هستم آثار تولیدی مرکز سه برابر شده است. در هفته دفاع مقدس هم از ۱۷۰ اثر جدید اسنادی رونمایی می‌کنیم.

شما مصاحبه‌هایی هم با فرماندهان دفاع مقدس انجام می‌دهید، درست است؟

بله، این پروژه تاریخ شفاهی جنگ است. مصاحبه‌های تخصصی با فرماندهان که با برخی از آنها حداقل ۲۰ جلسه تا بالای ۱۵۰ جلسه مصاحبه شده و بخشی هم در حال انجام است. برای هر فرمانده یک پژوهشگر می‌رود تمام اسناد موجود را مطالعه می‌کند و با اطلاعات اسنادی با آن فرمانده وارد مصاحبه شده و کار پیش می‌رود. با سرلشکر رضایی ۱۷۰ جلسه، با سرلشکر رشید ۷۰ جلسه، با سرلشکر صفوی ۷۰ جلسه و با باقی فرماندهان با تعداد جلسات کمتر و بیشتر مصاحبه شده است. همچنین با افراد دیگری، مانند سردار جعفری بعد از فرماندهی سپاه ۱۱ جلسه مصاحبه شده، با سردار فضلی عزیز نیز بعد از بهبودی بیماری‌شان تاکنون چهار جلسه داشته‌ایم. گفتنی است، حدود ۳۰۰ نفر از فرماندهان قرارگاه‌ها، لشکرها، تیپ‌ها و رده‌های تخصصی جنگ را شناسایی کرده‌ایم که کار با برخی انجام شده و برخی هم هنوز خودشان فرصت همکاری نداشته‌اند. سال گذشته ۴۳ فرمانده و امسال ۴۰ فرمانده وارد این عرصه شده‌اند. متأسفانه از سال گذشته تا کنون با فقدان سردار شهید سعید و بزرگوار حاج قاسم سلیمانی هم مواجه شدیم و نتوانستیم با بسیاری از فرماندهان ارزشمند جنگ مصاحبه داشته باشیم. سرلشکر باقری، حاج قاسم سلیمانی، شهید همدانی، شهید شوشتری، شهید کاظمی و... .

در جمع‌بندی این اسناد خودتان پاسخ کدام شبیهه از دفاع مقدس را تجربه کردید؟

بنده خودم در دفاع مقدس حضور داشتم و مسئول تبلیغات یکی از قرارگاه‌ها و مسئول تبلیغات قرارگاه خاتم بودم؛ از این رو می‌توانم بدون رجوع به اسناد پاسخ بسیاری از شبیهات را بدهم؛ اما جالب این است که تنها یک آمار ساده از دسته‌بندی اسناد می‌تواند به شبیه پاسخ دهد که آیا فرماندهان جنگ با طراحی دقیق عملیاتی و نظامی جنگ را مدیریت می‌کردند یا خیر؟

در دسته‌بندی اسناد آماری متوجه شدیم فقط ۸۰ درصد صوت‌ها که از همه جلسات قرارگاه‌ها، لشکرها، تیپ‌ها و سایر موارد وجود دارد و شاید تقریباً ما صد درصد این جلسات را به صورت صوتی داریم، مربوط به طراحی عملیات‌ها است. در همه این جلسات مباحث تخصصی و مهمی مطرح می‌شده که در کتاب‌های اسنادی همه موجود است. حال به این نکته توجه کنید که ما در دفاع مقدس عملیات‌های پیچیده و بی‌سابقه کم نداشتیم، برای نمونه عملیات والفجر ۸، هشت ماه عقبه طراحی و جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی، در حفاظت اطلاعات کامل و تحت دید دشمن و هشتاد روز عملیات در خاک دشمن با آن همه مختصات خاص و شیوه عملیاتی که امروز برای همه دانشگاه‌های نظامی جهان با اهمیت است.

سردار از فعالیت‌های مرکز می‌فرمودید، لطفاً ادامه دهید.

سردار از این مباحث در اسناد شما در مرکز می‌توان موضوعی را یافت؟

بله، خوشبختانه بخشی از اسناد هم در مرکز و هم در جاهای دیگر مانند وزارت خارجه وجود دارد. نمونه‌های زیادی وجود دارد که در نشریات غربی به آن اشاره کرده‌اند. جالب است اگر محقق در این مسئله پژوهش کند، اصل این واکنش‌ها در زمانی نیست که عراق در برخی میدان‌ها پیروز بوده، بلکه حمله شیمیایی می‌کند. وقتی این واکنش‌ها که در واقع واقعیت مسائل و همکاری‌های عیان و پشت پرده را مشخص می‌کند، رومی‌شود که مثلاً ما این اوج‌گیری واکنش‌ها را بعد از هر عملیات پیرومندانه داریم، به ویژه عملیات‌های خاص. برای نمونه، پس از عملیات والفجر ۸ که یکی از دوران‌های اوج‌گیری جنگ شهرها و بمباران و موشک‌باران شهرهای ایران بود، «واشنگتن‌پست» در ۲۴ آذر سال ۱۳۶۵ در دست زمانی که ما در تدارک عملیات



داریم که هر یک از زاویه دید خود واقعه را روایت کرده‌اند. مرکز اسناد به لطف آن گنجینه بسیار غنی و عالی که به همت دوستان در دوران دفاع مقدس جمع شده است، از نظر سند غنی‌ترین مجموعه در کشور است. این اسناد باید تدوین و کار شود تا برای پژوهشگران قابل بهره‌برداری باشد. صوت‌ها، فیلم‌ها، نامه‌ها، اسناد مکتوب مانند دست‌نوشته‌های روزنگار راولیان و فرماندهان و بسیاری دیگر از این دست اسناد در اختیار ما بوده که بخشی انجام شده؛ اما در گذشته سرعت کار کم بوده و امروز با سرعت بسیار بیشتری در حال تدوین و آماده‌سازی بخش‌های مانده آن برای استفاده پژوهشگران هستیم. الان شاید فقط حدود دو درصد از اسناد ما طبقه‌بندی دارد، البته تاکنون توانسته‌ایم بخش زیادی از این اسناد را در قالب‌های مختلف منتشر کنیم. در مرکز هم به روی همه پژوهشگران باز است. روزنگارهای دفاع مقدس یکی از خروجی‌های بررسی و گویاسازی این اسناد است. در کنار آن کارنامه‌های عملیاتی و اطلس عملیات‌ها و اطلس کلی دفاع مقدس و سایر روایت‌های اسنادی را داریم.

تا اینجا سخن از ابعاد جهانی دفاع مقدس بود، دربارها بعد داخلی آن نیز بفرمایید.

در بعد داخلی و شاید حتی در همه ابعاد دفاع مقدس باید نقش و رهبری شخص حضرت امام (ره) را در نظر داشت. امام (ره) با برانگیختن مردم جنگ را اداره کرد. گفتنی است، مردم با همان بسیجیان ۸۵ درصد رزمندگان ما را تشکیل می‌دادند. ببینید صحبت از ۸۵ درصد سرباز اجباری نیست، صحبت از ۸۵ درصد نیروی داوطلب مردمی است که از ۱۵ سال تا بالای هفتاد سال رزمندگان جنگ را تشکیل می‌دادند و همه با اشاره حضرت امام (ره) وارد جنگ شده بودند. کسی در شروع جنگ چنین قدرتی را تصور نداشت که امام با آن بتواند جنگ را اداره کند. از طرفی جنگ ما در شورای عالی دفاع اداره می‌شد، همه تصمیمات تا زمانی که فرمانده جنگ مشخص شد، در این شورا مصوب می‌شد و بعد از آن هم که فرمانده جنگ و قائم مقام فرمانده کل قوا مشخص شد، باز شورای عالی دفاع و شخص فرمانده جنگ تصمیم‌گیر نهایی برای انجام هر عملیاتی بودند.

ما در حوزه دفاع مقدس به ویژه اخیراً روایت‌های مختلفی می‌شنویم. به قولی «هر کسی از ظن خود» روایت می‌کند که گاهی با روایت‌های مخدوش و ناقص و بریده شده و غلو شده در جنگ روایت‌ها مواجه می‌شویم. در این حوزه مرکز اسناد تاکنون چه فعالیت‌هایی انجام داده تا در این جنگ روایت‌ها روایت واقعی و مستند باشد؟

دفاع مقدس هویت تاریخی و عامل پیشرفت و اقتدار ماست. حمله به این روایت یا همان جنگ روایت‌هایی که فرمودید برای زدن عقبه هویت و اقتدار است. هفته دفاع مقدس فرصتی است که ما یک بازخوانی از این مهم تاریخ انقلاب داشته باشیم و این در مابقی فصول سال نیز تداوم داشته باشد. ما از یک واقعه در دفاع مقدس روایت‌های متعدد از یک رزمنده تا یک فرمانده سطح عالی جنگ



شماره ۹۶۸ | دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۹



علیرضا جلالیان
کارشناس دفاعی

سطح‌بندی نیروهای دفاع مقدس

دفاع مقدس از نظر نیروهای درگیر در آن سطوح گوناگونی دارد که برای شناخت بهتر این موضوع باید در هر زمینه به این سطوح توجه داشت. با این تفکیک سطح است که می‌توان متوجه چرایی بسیاری از اقدامات مثبت و منفی و کم و کاستی‌ها شد. در بالاترین سطح می‌توان از سطح راهبردی دفاع مقدس نام برد. شخص حضرت امام خمینی (ره) و شورای عالی دفاع که در این سطح رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) و امثال مرحوم هاشمی رفسنجانی و به صورت کلی شورای عالی دفاع می‌گنجد و تا قبل از تعیین فرمانده جنگ از سوی حضرت امام (ره) تمام تصمیمات و طرح‌ها در شورا مشورت و به تصویب می‌رسید و بعد از تعیین فرمانده جنگ نیز همه مسئولیت تصمیم‌گیری با شخص فرمانده جنگ بود و فرماندهان ارشد نیروهای مسلح آن زمان در این سطح مشارکت مستقیم در تصمیم داشتند. سطح دیگر سطح عملیاتی و

نیروهای درگیر در جبهه مستقیم درگیری بودند؛ یعنی آنهایی که هدف‌های راهبردی را به هدف‌های عملیاتی تبدیل می‌کردند و هدایت و طرح‌ریزی نبرد و مدیریت نبرد را بر عهده داشتند. این سطح را می‌توان قرارگاه‌های فرعی، لشکرها و تیپ‌ها و فرماندهان آنها دانست. در این سطح فرماندهان موظف به سازماندهی آموزش و به‌کارگیری نیروها در راستای اهداف کلان عملیاتی بودند و ویژگی شاخص در این بخش مدیریت اقتاعی فرماندهان بود؛ یعنی کاراگر هم سلسله‌مراتبی و دستوری از بالا بود، باید سلسله‌مراتب فرماندهان از بالا به پایین توجیه و اقتاع می‌شدند تا نیروی خود را اقتاع کنند و حتی در مواقعی ممکن بود فرمانده اقتاع نشده و وارد مرحله عملیاتی کردن طرح‌ریزی‌ها نشود. سطح دیگر سطح فرهنگی و اجتماعی جنگ است. سطحی که مستقیماً با مردم مرتبط و شامل مردم می‌شود. بالاترین ظرفیت تهدید جنگ برای مردم بود و بالاترین ظرفیت رزمندگان در جنگ را هم همین مردم با حدود ۸۵ درصد مشارکت در کنار نیروهای نظامی برعهده داشتند. از طرفی بخشی از همین مردم آواره بودند و دچار آسیب‌های اجتماعی شدند. گفتنی است، بخشی از جنگ در شهرها و با موشک‌باران یا بمباران شیمیایی همراه بود. سطح دیگر دولت آن زمان است که سطح اقتصادی و معیشتی جنگ را برعهده داشته است. پشتیبانی همه بخش‌های دولت از جنگ و تأمین مایحتاج هر عملیات و ملزومات نظامی و دفاعی بر عهده این سطح بوده است. سطح دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، در حوزه سیاست خارجی، حقوق بین‌الملل و دیپلماسی است که دیپلمات‌ها و بخش‌های سیاست خارجه و حقوقی کشور در این بخش درگیر بودند. ما حاصل آنچه در صحنه نبرد اتفاق می‌افتاد، در این سطح باید به ابزار قدرت‌نمایی یا چانه‌زنی تبدیل می‌شد. آنچه در سال‌های انتهایی دفاع مقدس از محصول عملیات‌هایی همچون کربلای ۵ برای تصویب قطعنامه ۵۸۹ انتصاف افتاد، بخشی از حاصل تلاش‌های این سطح از نیروهای درگیر در دفاع مقدس در مجامع بین‌المللی بوده است. بر این اساس با این سطح‌بندی و مراجعه به اسناد می‌توان به خوبی وظایف هر بخش و سطح را دریافت و کیفیت و نحوه اجرای این وظایف را بررسی کرد.



پیش درآمد

جایی که عقاب پر بریزد!



نویسندهٔ دفاع مقدس حمید بنا.

سردار رستگار پس از چهل سال جنگیدن هنوز مقراتی، دقیق و منظم بود. ما هم اشتیاق زیادی برای دیدن منطقه داشتیم. از ارومیه به سمت مهاباد راه افتادیم. همان اوایل راه ژاندارم‌های زمان جنگ کاروان پانزده نفرمان را نگه داشتند. همین جا با نیروهای حزب منحلهٔ دموکرات درگیر شدیم و جسه‌ه را از دست‌شان گرفتیم! تأمین امنیت جاده برای اهالی ارومیه جنگی اهمیت داشت. دادگاه‌سرم چرخید. فاصلهٔ چندانی نداشتیم. تازه فهمید امنیت یعنی چه. خیلی روز به حرکت‌مان ادامه دادیم. تا برسیم به مهاباد، چهل- پنجاه بار دست‌شان آمد بالا برای نشان دادن محل پایگاه‌های ژاندارمری. وظیفهٔ پایگاه‌ها تأمین امنیت راه‌ها بود و مبارزه با نیروهای تجزیه‌طلب. این روی مابزه برای‌مان تازگی داشت. متأسفانه نام ژاندارمری در صفحات تاریخ دفاع‌مقدس دیده‌ نمی‌شد. عقب راندن اشرار از شهرها، روستاها و کوهستان‌های منطقه کار ساده‌ی نیست که به سادگی بتوان روایت کرد. یکی‌شان می‌گفت غفلت می‌کردیم یکی از پشت درخت و تخته سنگ یا از داخل شیرهای معدن کوهستان شلیک می‌کرد

سمت‌مان. برای همین ما اقلدر پایگاه زدیم که همه منطقه تحت کنترل‌مان باشد؛ پیش از ششصد پایگاه در نقاط آلوده استان. روایت جذاب ژاندارم‌ها خرده داستان‌های زیادی داشت. از سختی زدن پایگاه در ارتفاعات و درگیری‌ها و مشارکت در پاکسازی منطقه و مهندسی جهادی گرفته تا پیروزی‌ها و شهادت‌ها و جانبازی. همین «مهندسی جهادی» خودش یک دنیا حرف شنیدنی دارد. ژاندارم‌های آذربایجان غربی در مدت بیست و نوزده روز ارتفاعات صعب‌العبور یک پایگاه می‌ساختند. پاسگاه‌هایی که پس از سی و چند سال هنوز هم سر پا و در حال استفاده هستند. موسید کرده‌ها با افتخار از روزگار ژاندارمری حرف می‌زدند. فردا صبح رقیم لب سرو. بچه‌های ناچا در همه‌جا و نیروهای سپاه در بخشی از کوه‌ها مشغول مرزبانی بودند. خیلی ساده به هر جایی که دل‌مان می‌خواست سر می‌زدیم؛ چون خیال‌مان راحت بود روزه‌نماها از روی قلعه‌ها خراس‌شان به ما هست. در دوران جنگ، ژاندارم‌ها مراقب جاده‌ها بودند تا سایر رزمه‌ها برای شرکت در عملیات‌های این حوالی مشکلی نداشته باشند. روز سوم از ارومیه حرکت کردیم به سمت فُطُر در حوالی شهرستان خوی. کاروان‌مان از لب مرز حرکت کرد؛ درست از کنار

سبیم‌خاردارهای بین ایسران و ترکیه. روی تمام ارتفاعات، مرزبان‌ها مشغول نگهبانی بودند. این دفعه معنی امنیت طور دیگری فرورفت توی مغز. یک همه جوان سرباز و کادری در جایی که عقاب پر بریزد، مشغول نگهبانی از آب و خاک‌مان بودند. دشمن گرم‌نازدیک اذان مغرب رسیدیم به فطُر. نیروها و ارگان‌های مختلفی جان دادند. آذربایجان غربی حفظ شود. ارتش، سپاه، بسیج، نیروهای مردمی که به‌شان می‌گفتند جوانسرد، آیت‌الله حسینی و در کنار آنها نیروی مقتدری به‌نام «ژاندارمری». صبح روز چهارم سفر یک سری به گزار شهدای شهر زدیم. خیر شهادت یک مرزبان هنگ ارومیه حال‌مان را گرفت. خیره شده بودم به عکس میلاد ولی‌پور، سرباز عزیز وطن. نمی‌دانم میلاد چندین شهید مرزبانی در سال ۱۳۹۹ است، ولی شک ندارم که آخرین آنها نیست.

بهرسی اوضاع کردستان در حوالی ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

امنیت نداشتیم

تردد فقط از ۹ صبح تا ۳ عصر

تلفن، با شهرهای قروه، بیجار، میوان، بانه، سقر، دیواندره، سردشت، تکاب و کامیاران و از طرف دیگر با کرمانشاه، در تماس بودم. تعامل‌مان با کرمانشاه با قرارگاهی تحت عنوان قرارگاه غرب برای انجام شدن بعضی کارها، مانند پشتیبانی نیروها، تأمین مهمات و حتی گرفتن بودجه بود. بیشتر کارهای این قرارگاه را برادر محمد بروجردی دنبال می‌کرد.

ما حوادث و اتفاقات را پیگیری می‌کردیم، بخ‌رودین نگاه‌مان را به سمت کردستان می‌سریلند انداختیم و پیای گفته‌های مردی نستشیم که در آن سرزمین، همسراه با هم‌رزمان شهیدش، حماسه‌ها آفید. سردار سرتیپ پاسدار «حسن رستگارپناه» از ۱۰ خردادماه ۱۳۵۹ تا ۲۰ مهرماه همان سال نماینده سپاه در قرارگاه مشترک عملیاتی سپاه و ارتش در سننجان بود. گفت‌وگوی مقابل چشمان شماس.

رضا صادقی

کبردار

وقتی از ۳۱ شهریور و آغاز جنگ صحبت می‌شود، همه نگاه‌ها به سمت خوزستان غیور و جبهه‌های جنوب کشور می‌رود؛ حال آنکه غرب و شمال‌غرب کشور هم از چندین ماه قبل از آن، دست‌خوش اتفاقات شدیم و جسه‌ه را از دست‌شان گرفتیم! تأمین امنیت جاده برای اهالی ارومیه جنگی اهمیت داشت. دادگاه‌سرم چرخید. فاصلهٔ چندانی نداشتیم. تازه فهمید امنیت یعنی چه. خیلی روز به حرکت‌مان ادامه دادیم. تا برسیم به مهاباد، چهل- پنجاه بار دست‌شان آمد بالا برای نشان دادن محل پایگاه‌های ژاندارمری. وظیفهٔ پایگاه‌ها تأمین امنیت راه‌ها بود و مبارزه با نیروهای تجزیه‌طلب. این روی جنگ برای‌مان تازگی داشت. متأسفانه نام ژاندارمری در صفحات تاریخ دفاع‌مقدس دیده‌ نمی‌شد. عقب راندن اشرار از شهرها، روستاها و کوهستان‌های منطقه کار ساده‌ی نیست که به سادگی بتوان روایت کرد. یکی‌شان می‌گفت غفلت می‌کردیم یکی از پشت درخت و تخته سنگ یا از داخل شیرهای معدن کوهستان شلیک می‌کرد

شما در کردستان چه مسئولیت‌هایی داشتید؟

من به عنوان فرمانده، با گردان دوم از اصفهان به سنندج اعزام شدم. پس از ورود به شهر، نیروهای مان در سه محل استقرار پیدا کردند که حدود یک هفته تـه در روز در آن مقر‌ها بودیم. یکی از مقر‌ها دادگاه انقلاب بود، یک مقر مواصلاتی، به برنام‌ریزی مستمری نیاز داشت که وظیفه ما در قرارگاه مشترک بود. دیگر هم در باشگاه افسران بود. کار نیروهای مستقر در باشگاه افسران اعزام کمین‌هایی به اطراف شهر سنندج بود. پس از حدود ده روز، من در نقش رابط عملیاتی بین سپاه و ارتش، در ستاد مشترک ارتش و سپاه در سنندج مستقر شدم. این ستاد را برادران «رحیم صفوی»، «علی صیادشیرازی» و «محمد بروجردی»، در لشکر ۲۸ سنندج به عنوان قرارگاه مشترک ارتش و سپاه تشکیل داده بودند. مسئولیت فرماندهی این قرارگاه از طرف سپاه با آقا رحیم بود و هماهنگی بین ارتش و سپاه در این قرارگاه را آقای بروجردی انجام می‌داد که برای بررسی وضعیت و هماهنگی بیشتر، در مناطق مختلف استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه تردد می‌کرد.

دقیقا کار این قرارگاه مشترک چه بود؟

تمرکز فعالیت‌های قرارگاه مشترک ابتدا معطوف به کرمانشاه و سپس داخل سنندج بود. این قرارگاه بعدها در استان آذربایجان غربی هم فعال شد و اقدامات زیادی انجام داد. افزون بر این، مسئولیت برقراری امنیت برخی شهرهای استان آذربایجان غربی، مانند تکاب و سردشت هم با این قرارگاه بود.

سبیم‌خاردارهای بین ایسران و ترکیه. روی تمام ارتفاعات، مرزبان‌ها مشغول نگهبانی بودند. این دفعه معنی امنیت طور دیگری فرورفت توی مغز. یک همه جوان سرباز و کادری در جایی که عقاب پر بریزد، مشغول نگهبانی از آب و خاک‌مان بودند. دشمن گرم‌نازدیک اذان مغرب رسیدیم به فطُر. نیروها و ارگان‌های مختلفی جان دادند. آذربایجان غربی حفظ شود. ارتش، سپاه، بسیج، نیروهای مردمی که به‌شان می‌گفتند جوانسرد، آیت‌الله حسینی و در کنار آنها نیروی مقتدری به‌نام «ژاندارمری». صبح روز چهارم سفر یک سری به گزار شهدای شهر زدیم. خیر شهادت یک مرزبان هنگ ارومیه حال‌مان را گرفت. خیره شده بودم به عکس میلاد ولی‌پور، سرباز عزیز وطن. نمی‌دانم میلاد چندین شهید مرزبانی در سال ۱۳۹۹ است، ولی شک ندارم که آخرین آنها نیست.

ورود شما به این قرارگاه چگونه بود؟

در مراحل اولیه کارمان، یعنی دوسه ماه اول، پاکسازی‌ها بعد از سنندج، به سمت میروان در حال انجام بود. در یکی از عملیات‌ها، «رسول یاجار» که مسئول هدایت عملیات در محور ایلیان بود، در طول مسیر، مجروح و چند ماهی از صحنه خارج کرد. با رفتن او همه بار مسئولیت قرارگاه مشترک و هماهنگی‌هایی که باید در سطح استان انجام می‌شد، روی دوش من افتاد. ضمن اینکه من باید امور سپاه را هم پیگیری می‌کردم. دانم با بی‌سیم و



قرارگاه مشترک مسئولیت دیگری هم داشت؟

کار ما در قرارگاه مشترک، اعزام مستون‌ها و کاروان‌های نظامی بود که به طور عمده باید در یادگان سننجان تمرکز پیدا می‌کردند. افزون بر این، هر روز مستون‌ها را به سمت میروان، سقر و از سقر به سمت بانه اعزام می‌کردیم. انجام‌دادن هماهنگی‌های لازم برای جلوگیری از آسیب‌پذیری‌های احتمالی در محورهای مواصلاتی، به برنام‌ریزی مستمری نیاز داشت که وظیفه ما در قرارگاه مشترک بود.

در چهار پنج ماه اول اعزام مستون‌های نظامی، بعضی از مستون‌ها در مسیرهای تردد به اسکیورت هوایی نیاز داشتند که فروند بالگرد هم‌اگرند هجومی کبر و یک فروند بالگرد پشتیبانی و فرماندهی ۲۱۴ این کار را انجام می‌دادند. بنا به ضرورت، اسکیورت زمینی هم انجام می‌دادیم. یک گروه ضربت با چند تا تیربار کالیبر ۵۰ سازماندهی کرده بودیم که مستون‌ها را برای نمونه از سننجان تا میروان یا از سننندج تا دیواندره، از دیواندره تا سقر و از سقر تا بانه حداقل هفته‌ای یک بار اسکیورت می‌کردند.

بقیه روزها جاده‌ها چه وضعیت داشتند؟

قسمتی از روز، حداکثر تا ساعت ۹ صبح، مسیرها را اختیار گروه‌ها بود. در بعضی از محورها، فقط از ساعت ۹ صبح تا دو یا سه بعدازظهر تردد می‌کردیم و در ساعت‌های دیگر، امکان تردد ازادانه نیروهای مسلح وجود نداشت. چون از هر دو سمت جاده‌ها، به دلیل تمرکز ضد انقلاب آسیب‌پذیر بودیم.

به جز پاکسازی جاده‌ها، برای روستاها هم برنامه‌ای داشتید؟

هم‌زمان با تأمین راه‌های مواصلاتی، عملیات‌های پاکسازی روستاهای اطراف سنندج را هم در قرارگاه مشترک برنام‌ریزی می‌کردیم. که در سنندج، با اینکه سپاه سنندج وجود داشت، ولی برنام‌ریزی و هماهنگی بیشتر عملیات‌های اطراف سنندج در همین قرارگاه مشترک انجام می‌شد.

اولین عملیات منسجم‌تان کجا بود و چه زمانی انجام شد؟

پس از مجروح شدن رسول یاحی، در یکی از جلسات‌مان تصمیم گرفته شد پاکسازی جاده بانه به سردشت ادامه پیدا کند. این تصمیم برای برداشتن فشار از روی یادگان سردشت و همین‌جا خود یادگان بانه گرفته شد؛ چون آن دست ضدانقلاب خارج شد؛ ولی جاده‌های مواصلاتی آن همچنان در اختیار آنها بود. پس از اقدام دکتر چمران، گروه‌ها در سردشت نمی‌توانستند فعالیت انجام دهند،

بهرسی اوضاع کردستان در حوالی ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

امنیت نداشتیم

تردد فقط از ۹ صبح تا ۳ عصر

از واحدهای ارتش با استعدادی در حد یک گردان، در آن یادگان مستقر بود.

ژاندارمری چگونه بود؟

ژاندارمری در مراحل اولیه، حداکثر یک گروهان نیرو داشت که گفته می‌شد نیروهای هنگ مرزی هستند. آنها فقط در خود یادگان، کنار ارتش‌ها مستقر بودند.

یک گروهان از گردان ارتش برای تأمین یادگان در آنجا مستقر شده بود؛ چون اگر از روی آن تپه، گلوله‌ای شلیک می‌شد، به یادگان ارتش اصابت می‌کرد. اسم آن تپه را به یاد ندارم. آن روزها اسم آن را «الله‌اکبر» گذاشته و روی آن مستقر شده بودند. تپه، دید خوب و مناسبی روی جاده سردشت به سمت بانه داشت و تا نزدیکی های پل فلزی را کنترل می‌کرد.

پس می‌توانیم نتیجه بگیریم بعد از آزادسازی سردشت به دست دکتر چمران، دیگر این شهر در اختیار گروه‌کها قرار نگرفت. بعد از مذاکرات هیئت حسن نیت، گروه‌های دیگری هم در اختیار گروه‌کها بود؟

بله، البته در همان دوران مذاکرات هیئت حسن نیت، در یک دوره، فقط یادگان سردشت در اختیار نظام و نیروهای مسلح بود و آنها اختیار شهر را در دست نداشتند، واحدها وقتی می‌خواستند برای تهیه بعضی از وسایل مورد نیازشان به شهر بروند، تهدید می‌شدند و به سمت‌شان تیراندازی می‌شد.

با این وضعیت، تردهای شما خیلی سخت می‌شد...

من پس از مجروح شدن آقای یاحی، مجبور بودم به امور شهرهای دیگر هم رسیدگی کنم. بیشتر تردهای ما با بالگرد انجام می‌شد و هر هفته با هر ده‌روز یکبار، با بالگرد به داخل یادگان‌های ارتش می‌رفتم. بعد داخل شهرها می‌رفتم و به‌گان‌های سپاه سرکشی و به مشکلات‌شان رسیدگی می‌کردیم. به سمت مرز، هیچ جادر کنترل ما نبود.

در این وضعیت، کار اطلاعاتی هم می‌کردید؟

در قرارگاه مشترک مسئولیت هماهنگی‌های اطلاعاتی با من بود. هر روز گزارش‌هایی با این مضمون به دست من می‌رسید که یک واحد نظامی هنگام تردد در محورهای در کمین ضدانقلاب استفاده یا حادثه دیگری برایش پیش آمده است؛ وحشت‌ناخیز، در شهرهای ما، یک‌واحد از ما که برای تقویت سپاه بانه رفته بود، نزدیک سبدلو در شرق بانه، زیر گردنه خسان، در کمین ضد انقلاب افتاد و شش با هشت نفر از نیروهای‌مان شهید شدند. این قبیل حوادث سبب می‌شد نیروها هماهنگ‌تر عمل کنند.

وضعیت کدام محور و جاده سخت‌تر از بقیه بود؟

یکی از پر حادثه‌ترین مسیرهای تردد، ما مسیر بانه به سقر بود. آن موقع، جاده بانه‌سقر باریک و خاکی بود و خیلی آسیب‌پذیر بودیم.

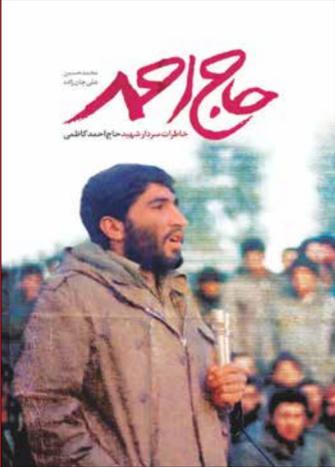
این وضعیت برای چه تاریخی است؟

تیسر و مردادسال ۱۳۵۹. در آن زمان قرارگاه مشترک که کار هماهنگی واحدها را انجام می‌داد، با زیرمجموعه واحدها ارتباط برقرار کرد. بیشتر عملیات‌های مانوری، مشترک بود. از این زمان، عملیات‌های استقرار شروع شد. انسجام، هماهنگی و همدلی سراسری تأمین و توسعه امنیت مناطق غرب کشور هم از همین دوره عس پیدا کرد. ضد انقلاب و گروه‌های سازماندهی ضد ضد انقلاب هر شب به راحتی

حاج احمد

تازه‌ها/

کتاب «حاج احمد» روایتی است داستان‌گونه از زندگی فرمانده آسمانی «سردار شهید حاج‌احمد کاظمی» که به تازگی از سوی انتشارات شهید کاظمی منتشر شده است. این کتاب در سه فصل خاطرات ناگفته و جدید زوایای زندگی حاج‌احمد را بررسی کرده است. خاطرات دوران کودکی و مبارزات انقلابی احمد کاظمی، خاطرات دوران آموزش‌های چریکی در سوریه و لبنان، حضور پرماجرا در کردستان، چگونگی عزیمت به جنوب و تشکیل تیپ هشت نجف اشرف، حضور در عملیات‌های مختلف و رشادت‌های این شهید بزرگوار از ویژگی‌های این اثر است. کتاب حاج‌احمد به قلم «محمدحسین علیچان‌زاده» در قطع رقیعی و در ۳۳۶صفحه با قیمت ۴۰ هزار تومان در اختیار علاقه‌مندان است. ۱۹ دی ماه ۱۳۸۴ حاج‌احمد پس از سال‌ها انتظار به باران شهیدش پیوست و اجر تلاش‌های بی‌وقفه خود را از خدای بزرگ گرفت.



بی نظیر

قاب/

حذف دختران و زنان از انقلاب و دفاع مقدس بیشتر به یک شوخی شبیه است؛ عزم راسخ آنها در پشتیبانی از جنگ و روحیه‌ای که به فرزندان و همسران‌شان می‌دادند، در هیچ عرصه دیگری نمونه ندارد. دختران و زنان سرزمین ما، همچنان ایستاده‌اند.



شما در مقابل‌شان چه کردید؟

این حوادث، ما را به این جمع‌بندی رساند که باید داخل شهرها کار اطلاعاتی انجام بدهیم و هسته‌ها و تشکیلات مخفی ضد انقلاب را از درون شهر‌ها جمع‌آوری کنیم.

مسئولیت شما در این سری اقدامات چه بود؟

دومین مسئولیتی که من داشتم، ایجاد هماهنگی برای اجرای عملیات‌های شهر سنندج بود. در عملیات‌های شهری در سنندج، به این نتیجه رسیدیم که باید به سرعت، حضور ضد انقلاب از اطراف شهر را محدودتر کنیم. هماهنگی‌هایی انجام دادیم تا هر دو شب یک بار، به یکی از قرارگاه‌های گروه‌های ضد انقلاب حمله کنیم. گروه‌ها در این مناطق قرارگاه‌هایی داشتند و یک روز در میسان یا دو روز در میان، از این قرارگاه‌ها به سمت جاده اصلی حرکت می‌کردند و با اجرای کمین به ما آسیب می‌زدند.

این گروه‌ها فقط علیه نیروهای نظامی و انتظامی عملیات می‌کردند یا برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم هم اقداماتی انجام می‌دادند؟

یکی از هدف‌های لسن گروه‌ها این بود که افرادی که به مردم خدمت می‌کردند و سرشناس شده بودند، از بسین بپرند؛ برای نمونه، در همین مقطع زمانی، یک کارمند آموزش و پرورش سنندج را به شهادت رساندند. بیشتر مسئولان سیاسی که در خدمت‌گرای به مردم مؤثر بودند، ترور می‌شدند. گروه‌های مخفی ضد انقلاب، بیشتر کار مسلحان کرد و خانواده‌های‌شان را ادامه تهدید یا ترور می‌کردند.

این گروه‌ها عملیات روانی هم انجام می‌دادند؛ مثلاً شبانه داخل منازل اطلاعاتی می‌انداختند. در سقر، موارد متعددی داشتم که شب‌ها داخل خانه نیروهای پیشمرگان مسلمان کرد با بعضی از روحانیون، نازنجک پرتاب شده بود. از این قبیل اقدامات در خود سنندج هم انجام شده بود؛ برای نمونه، در سال ۱۳۶۰ ضد انقلاب بمبی را داخل لوله‌های منزل امام جعفر صادق تعبیه کرده بود. وقتی خبر آن رسید، رسول یاحی و حسین روح‌الابراین برای خنثی کردن بمب رفتند. همین که بمب را از داخل لوله بخاری بالا آوردند، منفجر شد و هر دو مجروح شدند.

راوی: جانبا عزابدالعلی بزدانبار

زوزه کش‌دار

خاطره/

ساعت حدود ۱۴ روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ بود و من جلوی در ورودی سپاه منطقه ۲ در میدان جمهوری تهران ایستاده بودم که صدای انفجار شدیدی به گوش رسید؛ بعد از صدای انفجار، زوزه کش‌دار و کلفت یک هواپیمای جنگی جلب توجه کرد، تا سمر بالا آوردم، یک میگ عراقی دیدم که با سرعت زیاد از ابتدای خیابان جمهوری به طرف شرق خیابان‌سا ارتفاع ۲۰۰ متری زمین در حرکت بود، از زیر هواپیمای یکی ازبال‌هایش دود زیادی خارج می‌شد، به یک چشم پرهم‌زدن از بالای سر ما گذشت و راسته خیابان جمهوری را گرفت، رفت و ناپدید شد، به نظر می‌رسید بالش را زده بودند. با چند نفر از بچه‌های منطقه ۲ سپاه بالای پشت‌پام رفتم و چون مثل الان ساختمان‌های بلند وجود نداشت، با دوربین نگاه انداختیم... رفته رفته شسور و هیجان بین مردم و بچه‌های سپاه افتاد... از انجمن اسلامی محله‌مان یک معرفی‌نامه برای «ستاد جنگ‌های نامنظم دکتر چمران» گرفتیم...



چرا وارد خاک عراق شدیم؟

سردار محمدعلی آسودی

جانشین وقت تبلیغات جبهه و جنگ



اینکه چرا ما در دوران دفاع مقدس وارد خاک عراق شدیم، دلایل متعددی دارد که هم آن زمان و هم پس از آن این دلایل به اثبات رسید. یکی از دلایل این بود که به صدام و ارتش بعث عراق اعتمادی نبود که مجدد حمله نکنند. آن زمان برخی ها می گفتند شما پیش گویی می کنید، اما معتقد بودیم پیش گویی نیست و قراین این گونه به ما نشان می داد که صدام و حامیان آن، که کشورهای متعددی از آمریکا گرفته تا اروپا و شوروی سابق بودند، قابل اعتماد نیستند و می گفتیم از کجا می دانید که ارتش بعث بسیار دیگر تجدید قوا نکرده و حمله نکنند. این ماجرا و اعتماد نداشتن روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، ارتش بعث عراق حمله گسترده ای به خاک مقدس جمهوری اسلامی کرد و تا نزدیک خر مشهر و اهواز پیشروی کرد.



دومین مسئله این بود که ارتش بعث عراق شهرهای ما را با تویخانه زیر آتش خود می برد؛ با توجه به اینکه فاصله زیادی بین مرز تا شهرهای آبادان، اهواز، دزفول، شوش و برخی شهرهای دیگر ما نبود، برای اینکه دشمن را از خاک مقدس جمهوری اسلامی و شهرهای خودمان و مردم عزیز دور کنیم، باید دشمن را تعقیب می کردیم. تعقیب متجاوز در همه جهان متداول است؛ برخی افراد داخل کشور مانند ملی گراها می گفتند این دلایل فقط پیش بینی است، در حالی که ارتش عراق در سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ و اوایل سال ۱۳۶۷ شهرهای ما مانند تهران و حتی مناطقی در مازندران را با موشک بمباران کرد و ما باید دشمن را عقب می زدیم.

نکته بعدی اینکه بیشتر کشورها، شورای امنیت و سازمان ملل همگی از صدام و رژیم بعث عراق حمایت می کردند؛ تعداد قطعنامه هایی که تا پیش از قطعنامه ۵۹۸ در طول جنگ عراق و ایران صادر شده بود زیاد است؛ اما در هیچ قطعنامه ای به متجاوز بودن کسی که تجاوز کرده و حمله را شروع کرده و باید خسارت دهد، اشاره ای نشده بود. در قطعنامه ۵۹۸ نیز حداقل خواسته های ما مطرح شد. به هر حال ما باید می رفتیم و بخش هایی از سرزمین عراق را می گرفتیم به عنوان اینکه بتوانیم خسارت های مان را بگیریم که این دلیل هم ثابت شد. صدام و ارتش رژیم بعث عراق دنیای زورگویی داشتند و باید ما به شکلی حق و حقوق ملت ایران را از دشمن می گرفتیم. می توان گفت دلایل ورود به خاک عراق به طور خلاصه عبارتند از: قابل اعتماد نبودن صدام، دور کردن آتش دشمن از شهرها و مناطق مسکونی و به دست آوردن حق و حقوق مان. گفتنی است، سازمان ملل و شورای امنیت اصلا حاضر نمی شدند حق ما را برآورد کنند. البته بعدها و پس از آتش بس سازمان ملل پذیرفت که بیش از یک هزار میلیارد دلار به ایران اسلامی خسارت وارد شده که این خسارت سنگینی بود.

ناگفته هایی از وضعیت اسرای ایرانی و عراقی در نبرد هشت ساله به روایت مرتضی سرهنگی

ناهار اسرای عراقی

از ناهار ما در روزنامه بهتر بود!

حجت الاسلام قدمعلی اسحاقیان، این روزها در جبهه مقاومت اسلامی مشغول مبارزه است. او از نوجوانی در جبهه ها حضور داشته و طعم اسارت را نیز چشیده است. امیر محمد عباس نژاد از رویش های دفتر هنر و ادبیات مقاومت حوزه هنری و از شاگردان مرتضی سرهنگی، خاطرات دوران دفاع مقدس و اسارت اسحاقیان را در کتابی با نام «تن های محجر» تدوین کرده است. به بهانه بررسی این کتاب با مرتضی سرهنگی هم کلام شدیم و او گفتنی های شنیدنی و خواندنی درباره وضعیت اسرای عراقی در ایران بیان کرد.

میثم رشیدی مهرآبادی

دبیر گروه دفاع مقدس



قالب های کره هم تهیه کردند. گفتند اینها صبحانه اسراست. هر دوی این کالاها آن موقع کوپنی بود، اما برای عراقی ها تهیه می شد.

ناهار اردوگاه

کیفیت اردوگاه از نظر غذا به گونه ای بود که من برنامه ام را تنظیم می کردم تا برای ناهار در کمپ عراقی ها باشم. ناهار اسرای عراقی از ناهار ما در روزنامه بهتر بود! در مقابل، آنقدر معده اسرای ایرانی کوچک شده بود که وقتی آزاد شدند، بعد از ورود به پادگانی در ایران، معده شان ظرفیت آبیسیه و کیک و شیرینی را نداشتند و همه را بالا می آوردند. حداکثر غذایی که به اسرای ما می دادند، هشت قاشق برنج بود!

فرار «جمعه عبدالله»

اولین چیزی که یک اسیر جنگی یاد می گیرد، فن زنده ماندن است و این چیزی است که مرحوم ابوترابی به اسرا یاد دادند. ایشان فرار را ممنوع کردند، در حالی که در کنوانسیون ژنو این موضوع وجود دارد. اسیری می تواند فرار کند و کشور

نگهدارنده حق تنبیه آن اسیر را ندارد. مهم ترین فرار اسیران عراقی، فرار «جمعه عبدالله» بود که در مرز بازرگان دستگیر شد. زیر یک کامیون ترانزیت مخفی شده بود. بعد از آن جمعه عبدالله را به اردوگاه پرندک بردند. سه چهار هزار بعثی در آن اردوگاه بودند که اداره کردن آنها کار سختی بود. من وقتی برای مصاحبه به آنجا می رفتم موفق نبودم، چون بعثی ها همکاری نمی کردند. فرمانده آنجا سرهنگ بهنود بود. سرهنگی خوش هیکل و خوش مشرب که آذری و ورزشکار بود. وقتی جمعه عبدالله را گرفتند، حتی انفرادی نبردند؛ در حالی که عراقی ها در صورت فرار، پوست بچه های ما را می کنند!

کوبلن بافی در باغ مرکبات

در اردوگاهها به اسرای عراقی دسر و میوه می دادند. یکی از اردوگاه های ساری یک باغ مرکبات بود که عمارتی قدیمی داشت و اسرا را در آنجا نگهداری می کردند. وقتی ما رفتیم، همانجا صد تا اسیر در آفتاب نشسته بودند و کوبلن می بافتند! کمیته کار داشتند که حتی قالببافی هم می کردند. کت و شلوار می دوختند و میز و صندلی های ارتش را می ساختند. یک دست کت و شلوار هم برای من دوختند. آن را می پوشیدم و به عروسی ها و جشن ها می رفتم. البته پولش را داده بودم.

کمبود کت و شلوار!

در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۹ وقتی اسرای عراقی را آزاد کردیم، با کمبود کت و شلوار روبه رو شدیم؛ به گونه ای که مردم عادی کت و شلوار گیرشان نمی آمد. یکی از مسئولان اسرای عراقی می گفت: پسر یکی از صاحبان تولیدی کت و شلوار سرباز ما بود. از هاکوپیان، جامکو، ناصر خسرو، استان های بزرگ و هر جایی که می شد، برای مبادله اسرای عراقی کت و شلوار جمع کردیم. در نظر بگیرید تن اسرا کت و شلوار هاکوپیان بود، اما برخی های شان بعد از مرز کت شان را در می آوردند و به سمت ما پرت می کردند! همچنین به اسرای عراقی بسته هایی

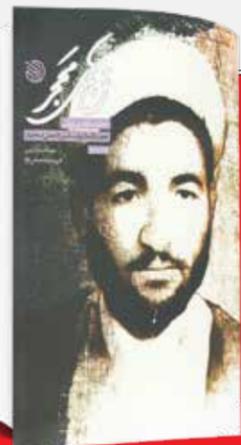
داده بودیم که یک جلد قرآن، گز، باقلوا و چیزهای دیگر داشت که آنها را هم پرت می کردند تا به ما توهین کنند. برخی هم می گفتند ما می رویم و در عراق، جمهوری اسلامی درست می کنیم!

ظالم عادل

الآن ما درباره فرار در حال تدوین هستیم و درباره افراد نگهبان در اردوگاهها کتاب هایی آماده کرده ایم. از جمله «سرهنگ حافظ» که افسر بسیار باشرف، چابک، زنگ و رئیس و اطلاعات اردوگاه بود. سرهنگ می گفت در اردوگاه پرندک به آرایشگاه رفتم تا اسیر عراقی اصلاحم کند. «خالد» تیغ سلمانی را روی شاهرگم قرار داد و تهدیدم کرد. به او گفتم: تو مگر آن افسری نبودی که یک رزمنده نوجوان ایرانی تو و همراهانت را دستگیر کرد؟ من سرهنگ آن بسیجی نوجوان هستم. حرف زیادی نزن و کازرت را بکن! عراقی ها به او ظالم عادل می گفتند. اقتدار زیادی داشت. رجز خوانی از سنت های شیعه است و در روز عاشورا هم هر یک از اصحاب که به میدان می رفتند، رجز می خواندند تا روحیه دشمنان را متزلزل کنند. آنجا هم سرهنگ حافظ برای آن اسیر، رجز خوانده بود تا حقیقت را بفهمد.

۳۴۰۰ کیلو برنج

فرمانده اردوگاه حشمیه برای من تعریف می کرد که برای هر وعده غذایی اسرای عراقی، ۳۴۰۰ کیلو (حدود سه و نیم تن) برنج در دیگ می ریختم. برنج هم آن روزها کوپنی بود. برخی ها غذای شان را می گرفتند و داخل سطل ها می ریختند و دوباره برای گرفتن غذا می آمدند! سرهنگ حافظ می گفت یک بار که مأموران صلیب سرخ آمده بودند، دیدم غذا کم آمده است. دیگها خالی شده بود و هنوز تعداد زیادی از اسرا غذا نگرفته بودند. شک کردم. رفتم و بررسی کردم، دیدم سطل های زیاده پر از غذاهای است که برخی عراقی ها دور ریخته اند! آنها را نشان مأموران دادم و برای شان گفتم که ماجرا چیست.



پیگیر اخبار جنگ ما بود. این آقا که دو سال بعد فهمیدیم فوت کرده، گفت: روسیه بدون ادبیات جنگش فقط یک خاک پهناور است و هیچ ارزش دیگری ندارد. این به ما نشان داد که چه ثروتی در دست مان است. هم باید قدر این ثروت را بدانیم و هم خوب کار کنیم. عمرها محدود است.

کردیم. یکی از این نویسندگان آدم بزرگی بود که وقتی پالتویش را در آورد با کلی مدال شجاعت روبه رو شدیم. با تأخیر آمد و گفت من در بیمارستان بستری بودم و به من گفتند دو خبرنگار جنگ از ایران آمده اند. چند ساعت از بیمارستان مرخصی گرفتم تا شما را ببینم. شهرهای مهران و آبادان ما را هم می شناسخت و

کتاب «تن های محجر»، کتابی خواندنی است؛ برای اینکه ما با دنیای محجر آشنا نیستیم. در حال حاضر، صدها عنوان کتاب (بیش از ۳۰۰ عنوان) درباره خاطرات آزادگان منتشر شده است که ما در آنها اردوگاهها را می شناسیم، اما از «محجر» خبری نیست. سفری به روسیه داشتیم و با نویسندگان جنگ ملاقات

کتاب خواندنی



پلاک ۴۰

شماره ۹۶۸ | دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۹

محور مقاومت امتداد دفاع مقدس

سید نظام‌الدین موسوی

نماینده مردم تهران



امام خمینی (ره) در پیامی که به مناسبت منشور مقاومت داده بودند، مشخص کرده بودند که دفاع مقدس ما چه ثمره‌ها و نتایجی به دنبال داشته است. به طور طبیعی این پرسش مطرح می‌شود که آیا اصولاً جنگ مطلوب است یا جنگیدن پدیده خوبی است؟ در پاسخ به این گونه پرسش‌ها باید گفت، در درجه اول جنگیدن ممکن است با آن وجه خشن منفی به نظر برسد، اما زمانی که دفاع را تفسیر و تعریف می‌کنند، ما از جنگ دفاع و مقاومت را به دست می‌آوریم که قطعاً متفاوت از آن پدیده منفی است که جنگ بدون هدف یا برخاسته از غریزه یا بر اساس ظلم و ستم انجام می‌شود. به هر حال، مقاومت کار پسندیده‌ای است؛ یعنی به هر عقل بشری که رجوع شود، علی‌القاعده مقاومت در برابر ظلم را تأیید می‌کند. دفاع مقدس ما نیز از همین جنس مقاومت بود، به همین دلیل اسم آن دفاع مقدس گذاشته شد؛ چون این دوران، جنگ بر سر خاک یا وجه جغرافیایی نبود، بلکه دفاع از آرمان‌ها و اصول و مبانی بود؛ چون حمله صدام به کشور ما فقط یک حمله جغرافیایی نبود، بلکه یک حمله هویتی بود و همه ابرقدرت‌های جهان در این جنگ او را همراهی می‌کردند.



صدام قطعاً تعرض جغرافیایی و سلطه‌طلبی جغرافیایی را در نظر داشت، اما بحثی که در کلان این جنگ وجود داشت، و دشمنان ما از جمله آمریکا در پشت صحنه این جنگ آن را دنبال می‌کردند، از بین بردن هویت دینی و انقلابی مردم ایران بود؛ به همین دلیل در این دفاع مقدس، ما از هویت و آرمان‌های مسان دفاع کردیم؛ از این رو این موضوع به یک الگو تبدیل شد. به عبارتی، اگر فقط بحث دفاع از خاک بود که پس از پذیرش قطعنامه و پس از اینکه صدام همه خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران را پذیرفت، قضیه تمام می‌شد؛ اما آن فضای کلی و الگویی که در دفاع مقدس ساخته شد، مخصوص آن زمان و مکان نبود و یک دامنه گسترده پیدا کرد و این الگو در حوزه‌های گوناگون حتی در حوزه‌های غیر جنگی تداوم یافت. الگوی دفاع مقدس، الگویی نبود که فقط در حوزه جنگ به آن نگاه شود؛ بلکه در حوزه‌های تقویت معنوی، اقتصاد، مقاومت در سطح دنیا و حوزه سیاسی نیز مطرح بود و در واقع مدلی را ایجاد کرد که در همه حوزه‌ها کاربرد و کارایی دارد. امروز نشانه‌های این الگو را در عراق، سوریه، یمن، بحرین، لبنان و فلسطین می‌بینیم. گفتنی است، این الگو به این شکل سابقه نداشته است؛ در حالی که امروز در سراسر کشورهای اسلامی جبهه مقاومت آن را مشاهده می‌کنیم و می‌توان گفت جبهه مقاومت، امتداد دفاع مقدس ما به شمار می‌آید.

اتکا به قدرت درونی

نگاهی به توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران در ابتدا و انتهای جنگ تحمیلی



امیر سرتیپ
محمدحسن نامی
رئیس وقت اداره دوم
ستاد مشترک ارتش

فاصله پیروزی انقلاب اسلامی تا شروع جنگ تحمیلی یک سال و نیم بود و طی این مدت، دشمنان که در رأس آن آمریکا و دشمنان منطقه‌ای، از جمله صدام بودند، تقابل را شروع کرده بودند. در واقع، صدام با کمک کشورهای منطقه و ابرقدرت‌ها مانند آمریکا و شوروی سابق نیروهای خود را از سال ۱۳۵۹، یعنی سال اول انقلاب، برای تحمیل جنگ به ایران آماده کرده بود. بنابراین وقتی رژیم بعث عراق در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ جنگ را شروع کرد، آمادگی کامل نظامی از نظر تجهیزات، آمادگی رزمی، امکانات و وحدت فرماندهی داشت؛ اما در مقابل در جبهه ایران اینطور نبود. آن زمان بنی‌صدر در جایگاه فرمانده کل قوا مسئولیت مدیریت نظامی را به عنوان جانشین امام (ره) برعهده داشت. اتفاقاتی در آن یک سال و نیم بعد از پیروزی انقلاب رخ داده بود و شاهد نقض متعدد حریم هوایی و زمینی ایران از جانب رژیم بعث عراق بودیم و به بنی‌صدر هم گزارش‌هایی داده می‌شد که متأسفانه اصلاً توجهی به آنها نداشت و فرض وقوع جنگ را منتفی می‌دانست.

در این شرایط، وضعیت نظامی ایران به این شکل بود که ارتش تنها نیروی مسلح جمهوری اسلامی ایران بود و به واسطه پیروزی انقلاب نیروهای ارتش در نیروی هوایی، زمینی و دریایی از انسجام لازم برخوردار نبودند و متأسفانه آن آمادگی رزمی لازم را از دست داده بود. بنابراین ارتش آن وحدت و انسجامی را که باید نیروهای مسلح داشته باشند، از دست داده بود.

در اینجا تنها کسی که در میدان بود و از ارتش دفاع کرد، شخص امام (ره) بود. ایشان به نیروهای انقلابی گفته بودند هرگز نباید علیه ارتش شعار داده شود و ابلاغ کرده

بودند باید از فرماندهان اطاعت شود. این وضعیت در نیروهای مسلح حاکم بود. ما تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به قدری درگیر مسائل داخلی از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی بودیم که با وجود گزارش‌های نیروهای مردمی و نیروهای نظامی از احتمال حمله صدام به کشورمان، مسئولان از حمله دشمن غافل شدند؛ بنابراین ما چند روز پیش از شروع جنگ تازه می‌خواستیم خودمان را آماده مقابله با دشمن کنیم. لذا اگر بخواهیم وضعیت نظامی را در ابتدای جنگ در نظر بگیریم، در وضعیت بسیار نامناسب بودیم و واقعاً آمادگی مقابله با یک جنگ تمام‌عیار و همه‌جانبه در ارتش ما، که تنها نیروی مسلح بود، وجود نداشت. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم که متولد انقلاب و اوایل سال ۱۳۵۸ بود و در ابتدای جنگ هنوز به نیروی نظامی تبدیل نشده بود که نیروهای مختلف قوی داشته باشد و بتواند در مقابل یک حمله نظامی گسترده پای کار بیاید و با آمادگی کامل مقابله کند. در واقع، سپاه بیشتر در ارتباط با ناامنی‌های داخلی و مرزی تشکیل شد و در حد توان خود از انقلاب دفاع کرد. بنابراین وقتی وضعیت نظامی پیش از جنگ را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم بر خلاف دشمن اصلاً آمادگی نداشتیم؛ به این ترتیب جنگ را تحمیل کردند. متأسفانه، اینکه فرض وقوع جنگ هم در فرماندهان عالی به ویژه بنی‌صدر که فرمانده کل قوا بود، وجود نداشت، سبب شد ما در ۳۱ شهریور ماه غافلگیر شویم؛ در واقع به نوعی غفلت شد؛ چراکه همه شواهد و فراین حمله عراق وجود داشت. پس از آغاز جنگ جمهوری اسلامی ایران شامل نیروهای ارتش، سپاه پاسداران، نیروهای مردمی، بسیجی و نیروهای انقلابی به سمت آمادگی رفتند تا بتوانند با دشمن مقابله کنند. در سال اول جنگ دو تفکر در روزها و ماه‌های ابتدای جنگ حاکم بود؛ یکی تفکر انقلابی-مردمی و در واقع تبعیت از امام (ره) و دیگری تفکر بنی‌صدر. امام راحل همان روز اول جنگ به مسئولان ابلاغ کردند که زمینه حضور مردم

را در جنگ فراهم کنید که سبب شد جنگ ما از همان روز بر اساس فرمان امام (ره) مردمی باشد. گفتنی است، سازماندهی‌کننده نیروهای مردمی سپاه و بسیج بود که به کمک ارتش آمدند و توانستند جنگ را به سمت و سویی پیش ببرند که آن توانمندی را ایجاد کنند.

متأسفانه در سال اول جنگ تفکر بنی‌صدر که اعتقادی به نیروهای مردمی نداشت، سبب شد دشمن به طور گسترده حمله کرده و شهرهایی را اشغال کند. همان بخش سیستم دفاعی که مناسب بود در بخش توقف دشمن اقدام کرد، اما اینکه بتواند دشمن را از سرزمین مان خارج کند، قدری مشکل پیش آمد. با عزل بنی‌صدر شاهد تغییر رویکرد در سطح فرماندهی عالی بودیم. در حقیقت، از سال ۱۳۶۰ و از عملیات «ثامن‌الائمه» شاهد موفقیت‌هایی متکی بر رویکرد انقلابی بودیم که اوج موفقیت در عملیات «بیت‌المقدس» بود و جمهوری اسلامی ایران را توانست در حوزه نظامی به اوج قدرت برساند. مهم‌ترین عامل در این بخش همان تفکر انقلابی بود که فرماندهان ارتش و سپاه توانستند با اعتقاد، ایمان و روحیه به اضافه خلاقیت، ابتکار و نوآوری در طراحی عملیات‌ها و اتخاذ تاکتیک عملیات در شب و موارد بسیار دیگر پیروزی‌های پی‌درپی را در این مقطع حاصل کنند. اوج این پیروزی‌ها «آزادی خرمشهر» بود که دشمن از سرزمین‌های اشغالی با توسل به زور و اقدامات نظامی ایران به مرزهای بین‌المللی عقب رانده شد. در اینجا ضعف نظامی اولیه جنگ کاملاً برعکس شد و در اذهان دشمنان و حتی جهان، ایران به منزله کشور قدرتمند شناخته شد.

بنابراین توازن قوا و نیروی نظامی کاملاً تغییر کرد و شاهد برتری نیروهای نظامی ایران از نظر تاکتیکی و کیفی بودیم، اما از نظر تجهیزات، امکانات و سلاح این‌گونه نبود و در این زمینه نیز حمایت‌هایی از صدام می‌شد. در عملیات والفجر ۸ در سال ۱۳۶۴ شاهد سیل تجهیزات به ارتش بعث عراق بودیم.

در واقع ما در این جنگ هرگز از نظر کمیت، سلاح، تجهیزات و امکانات، هواپیما و تجهیزات زمینی، توپخانه و موشک نسبت به عراق برتری نداشتیم؛ اما نحوه به‌کارگیری از تجهیزات به گونه‌ای بود که ما با کیفیت استفاده می‌کردیم، یعنی ما برای هر گلوله برنامه‌ریزی داشتیم تا به گونه‌ای استفاده کنیم که مفید باشد. در حقیقت، در پایان جنگ تحمیلی، تجربه دفاع مقدس چه از نظر راهبردی و چه از نظر تاکتیکی دستاوردهایی را به همراه داشت که مطمئناً با ابتدای جنگ اصلاً قابل مقایسه نیست. بسیاری از پیشرفت‌های ما به ویژه پس از جنگ که توسعه پیدا کرد، حاصل تجربه هشت سال دفاع مقدس است. برای نمونه، به‌کارگیری سلاح و قدرت موشکی را خودمان از سال ۱۳۶۳ در زیر جنگ به دست آوردیم، یعنی اگر آن فضا نبود، قطعاً ما هرگز نمی‌توانستیم به توان موشکی دست یابیم. بنابراین پس از جنگ قدرت نظامی ایران توسعه پیدا کرد که عامل آن تجربه دفاع مقدس، ایمان، روحیه انقلابی، ابتکار، خلاقیت و خودباوری است. به عبارتی، ضرورت‌ها و نیازها به گونه‌ای بود که باید اینها را برای مقابله با دشمن به دست می‌آوردیم و آن اراده محکم برای دستیابی به آنها وجود داشت.

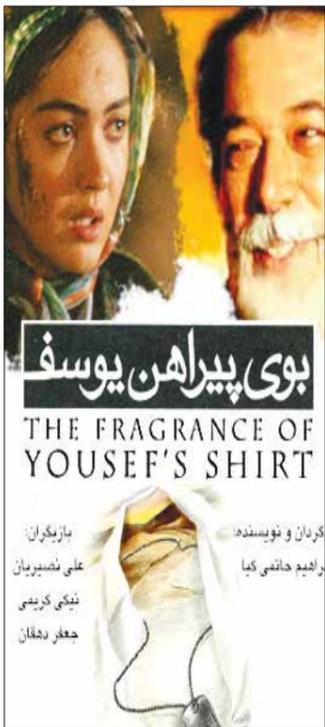
اگر بخواهیم وضعیت نظامی ایران را پس از جنگ با وضعیت نظامی ایران در زمان رژیم گذشته مقایسه کنیم، می‌بینیم که همه امکانات و تجهیزات و آموزش و آماده‌سازی نیروهای ما به آمریکا وابسته بود؛ یعنی نیروهای تخصصی ما در حد اپراتوری بودند؛ اما پس از پایان جنگ و امروز همه تجهیزات نظامی کشورمان، ساخت ایران بوده و آموزش‌ها کاملاً بومی است. کشورمان به ویژه در حوزه موشکی و هوافضا جزء چند قدرت برتر جهانی است که همه حاصل تجربه دفاع مقدس است و به ادعای بسیاری از کارشناسان، ایران قدرت اول منطقه به شمار می‌آید.



■ از پایان جنگ تا امروز همه تجهیزات نظامی کشورمان، ساخت ایران بوده و آموزش‌ها کاملاً بومی است. کشورمان به ویژه در حوزه موشکی و هوافضا جزء چند قدرت برتر جهانی است که همه حاصل تجربه دفاع مقدس است و به ادعای بسیاری از کارشناسان، ایران قدرت اول منطقه به شمار می‌آید

در جنگ روایت‌ها میدان‌دار باشیم

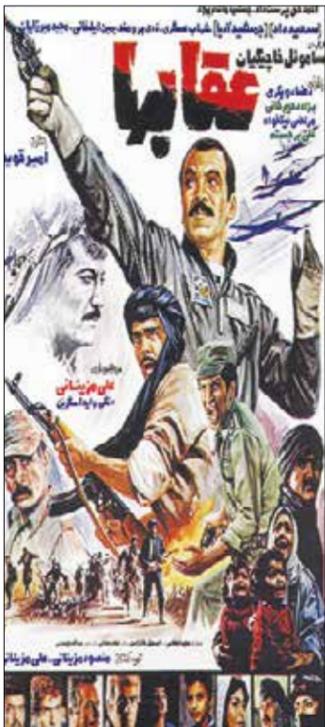
بازنگاهی به سینمای دفاع مقدس در سه دهه پس از جنگ تحمیلی



داشته‌اند. این مشکلات سبب شده است تا روند ساخت آثار فاخر در سینمای دفاع مقدس نیز روز به روز کاهش یابد. «اصغر نعیمی» نویسنده و کارگردان سینما در همین راستا معتقد است: «با پایان یافتن دهه هفتاد و آغاز دهه هشتاد نگاه مدیران فرهنگی به سینما تغییر پیدا کرده و سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگی و سینمای دفاع مقدس کمتر شده است.» وی ادامه می‌دهد: «در این زمان اولویت ساخت آثار دفاع مقدس از برنامه مدیران فرهنگی خارج شده و از طرفی هزینه‌های تولید فیلم به شدت افزایش یافته، همین اتفاق عاملی بوده است تا سینمای خصوصی به سبب نتواند سراغ سینمای دفاع مقدس برود و تمامی بار این سینما بر عهده بخش دولتی باشد.»

عقب ماندن در جنگ روایت‌ها

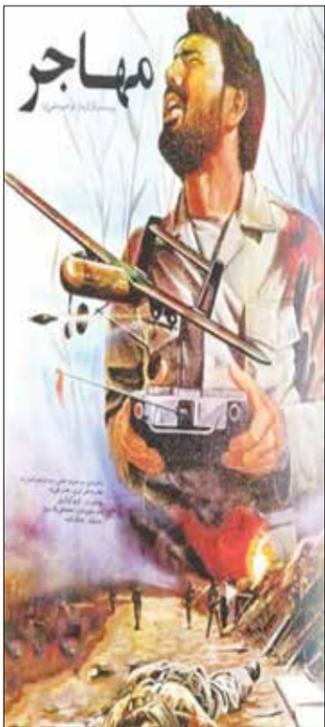
اگرچه از قدیم گفته‌اند تاریخ را فاتحان می‌نویسند؛ اما در دنیای امروز، تاریخ را کسانی می‌نویسند که روایت جذاب‌تری از ماجراها عرضه کنند. دنیای امروز، دنیای جنگ سلاح‌ها نیست؛ بلکه این روایت‌هاست که نوع نگرش و مسیر رفتار مردم نسبت به یک واقعه را مشخص می‌کند. در روایتی که غربی‌ها از جنگ جهانی دوم ارائه می‌کنند، آلمان‌ها، یهودی‌ها را سوزانده‌اند و در نهایت هم به سختی شکست خورده‌اند. هیچ روایتی از جنگ جهانی دوم بیان نمی‌شود مگر مبتنی بر نگاه پیروز مندانه متفقین در آن باشد. اما آریسا نگاه غربی‌ها به جنگ بی‌هویتی مانند جنگ جهانی دوم، با نگاه فیلم‌سازان ایرانی به دفاع مقدس که یک جنگ ارزشی، ایدئولوژیک و افتخارآمیز بوده، قابل مقایسه است؟ مسئله این است که دفاع مقدس از نظر مضمون و پشتوانه غنی صدها بار بیشتر از نگاه غربی به جنگ می‌تواند حاوی تاریخ، اقتدار، شجاعت و تمدن یک ملت باشد، اما هرگز مانند سینمای غربی از پرده سینما به مخاطب عرضه نشده است.



در عرصه دفاع مقدس می‌سازند و بسیار هم مورد استقبال قرار می‌گیرد، اما این تلاش‌های جسته و گریخته نمی‌تواند در آمار کلی سینمای دفاع مقدس تغییری ایجاد کند. «کارگردان «دوران سرطانی» آثار دفاع مقدس را نیازمند بودجه می‌داند و تأکید می‌کند: «سینمای دفاع مقدس سینمای بسیار خاصی است و باید با قدرت به سمت آن رفت. این سینما به شدت هزینه‌بر بوده و دقت زیادی را در ساخت و تولید می‌طلبد. فیلم دفاع مقدسی را نمی‌توان مانند دیگر فیلم‌ها کم خرج و خیابانی ساخت؛ چراکه زیرساخت‌های عمده‌ای را در بخش فیزیکی می‌طلبد.» البته صرف توجه بودجه‌ای به سینمای دفاع مقدس نیز نمی‌تواند جوابگو باشد، چه اینکه فیلم سینمایی «دونل» به عنوان پرخرج‌ترین فیلم دفاع مقدس، انتظارات را از این فیلم هرگز برآورده نکرد. شاید یکی از علت‌های آن را می‌توان در بی‌توجهی به روایت‌های خوب در ادبیات داستانی دفاع مقدس جست‌وجو کرد. در حقیقت، ادبیات دفاع مقدس در طول سال‌های اخیر، رونق زیادی داشته است. تعداد عناوین کتب خاطره، رمان، یا تاریخی که با مضمون دفاع مقدس به رشته تحریر و تألیف درآمده‌اند از صدها عنوان گذشته است؛ اما این ادبیات، به مثابه یک بن‌مایه مناسب، نتوانسته موجب ایجاد جریان در روند فیلم‌نامه‌نویسی و فیلم‌سازی دفاع مقدس در سینما و تلویزیون ایران شود.

هزینه‌های بالا و بی‌رغبتی به آثار جنگی

یکی از مشکلات مهم سینمای جنگ، تأمین هزینه‌های ساخت این گونه فیلم‌هاست. فیلم‌های دفاع مقدس، به دلیل ضرورت استفاده از جلوه‌های ویژه میدانی و تعدد بازیگران، به پشتیبانی مالی و لجستیکی بالایی نیاز دارد که کمتر تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار توانایی تأمین آن را دارد. از سوی دیگر، بخش‌های دولتی نیز تمایلی کمتری برای پرداختن به این موضوعات



تلاش رزمندگان برای دفاع جانانه در برابر دشمن تا بن دندان مسلح بود. اگرچه این نوع فیلم‌سازی از نظر جذابیت‌های بصری، بسیار پر مخاطب بود؛ اما مسئله اصلی این بود که عمده فیلم‌ها تصویری کاریکاتوری از جنگ نشان داده و رزمندگان ایرانی را همیشه پیروز نشان می‌داد و دشمن را از تثنی زبون و ضعیف معرفی می‌کرد که حرفی برای گفتن در برابر اراده و شجاعت رزمندگان ایرانی ندارد. اما کار به همین جا ختم نشد؛ در دهه ۸۰ نوع دیگری از روایت‌های جنگی به عرصه سینما پا گذاشت و حواشی اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی جنگ به میانه سینما کشیده شد و روایت‌های جدیدی از دوران دفاع مقدس به ویژه وضعیت پشت جبهه‌ها مطرح شد. همین نگاه جدید، فرصتی بود تا سینمای دفاع مقدس بتواند دوباره جایی برای خود در میان فیلم‌های ایرانی باز کند؛ اما این دوره نیز، به سرعت افول کرد و سینمای دفاع مقدس، در دهه ۹۰ روز به روز کمتر از گذشته شد.

جای خالی ادبیات داستانی

اما این سؤال مطرح می‌شود که چرا هشت سال دفاع مقدس که سرشار از روایت‌های ناب درباره زندگی، زمانه، رشادت و تلاش جوانان برجسته این کشور است، این چنین در سینمای ایران کم فروغ بوده است؟ «حسین شهبانی» نویسنده و کارگردان سینما، یکی از اشکالات موجود در سینمای دفاع مقدس را به روز نبودن تولیدات و مفاهیم مورد توجه در فیلم‌ها دانسته و می‌گوید: «وضعیت و حال سینمای دفاع مقدس در حال حاضر به هیچ وجه خوب نیست. تولیدات و مفاهیم آنها در همان زمان دهه شصت مانده و تغییر چندانی در مضمون آثار ایجاد نشده است. البته محدود آثار بسیار موفقی طی این سال‌ها تولید شده، اما در قبال تمام این سال‌ها آمار اندکی است.» وی اضافه می‌کند: «هر چند وقت یک بار جوانانی به صورت خودجوش فیلم‌های درخشانی



شاهرخ صالحی

روزنامه‌نگار

سینمای دفاع مقدس، اگرچه مطابق با تعاریف رایج سینمایی، در «ژانر جنگی» دسته‌بندی می‌شود؛ اما واقعیت این است که موضوع دفاع مقدس به واسطه بهره‌گیری از بن‌مایه‌های دینی و ملی، ظرفیت‌ها و ارزش‌های درونی ویژه‌ای دارد که سال‌های سال می‌توان درباره آن فیلم و آثار ماندگار تولید کرد؛ اما واقعیت این است که هر چقدر از سال‌های جنگ دور می‌شویم، جذابیت این گونه سینمایی برای سینماگران کاهش می‌یابد تا جایی که در سال‌های اخیر، تعداد فیلم‌های سینمایی ارزشمند در حوزه دفاع مقدس به کمتر از انگشتان دست می‌رسد. سینمای جنگ در جهان، سینمای خاصی است و اگرچه به لحاظ جلوه‌های تصویری و زرد و خورده‌های زیاد، سینمای جذابی به ویژه برای نسل جوان و نوجوان به شمار می‌آید؛ اما در سه دهه گذشته، غرب نیز نگاه متفاوتی به سینمای جنگ را در پیش گرفته و از آن برای بیان روایت خود از واقعیت جنگ‌های روی داده استفاده کرده است. برای نمونه بخش زیادی از فیلم‌های جنگی که با موضوع جنگ جهانی دوم ساخته شده، مستقیم و غیر مستقیم به روایت‌سازی از کشتار یهودیان اختصاص داشته و این موضوع آنچنان در این فیلم‌ها بازنمایی شده که جای انکار را از مخاطب گرفته است؛ بر خلاف این نگاه فرهنگی و روایت‌سازی که سینمای غرب به ژانر جنگ، به ویژه جنگ‌های سده اخیر دارد، سینمای دفاع مقدس نتوانسته است حتی واقعیت‌های موجود و جریان‌ساز حقیقی موجود در آن را آنطور که باید روایت کند. در دوره اول فیلم‌سازی جنگ که از میانه دهه ۶۰ آغاز شد و تا اواخر دهه ۷۰ ادامه داشت، بیشتر روایت‌ها ناظر به جنگ مستقیم و

داستان

تولد

نقیسه محمدی

نویسنده

خمباراهای کنار خانه عبدی منفجر شد و صدایش گوش‌های «سلوی» را کر کرد. چند لحظه‌ای گیج و متنگ به اطرافش خیره شد. تازه فهمید با موج انفجار روی زمین پرت شده، پارچه‌های سفید و چند تکه باند باقیمانده را که روی زمین افتاده بود، برداشت و شروع به دوییدن کرد. رگه ظریف خون از کنار پای راستش روی زمین می‌چکید، اما سلوی هیچ نمی‌فهمید. صدای فریادهای سمیرا توی گوشش بود. باید به داد خواهر باردارش می‌رسید. از خانواده‌شان فقط سمیرا و سلوی مانده بودند و سمیرا که معلوم نبود کجای شط در حال دفاع است. یاد مادر و احسان و سعیده افتاد. بی‌هیچ دفاعی در بمباران، زیر خروارها خاک دفن شده بودند. وقت گریه و شیون نداشت. سمیرا گفته بود تا شهر سقوط نکرده باید سمیرا را برادر و از خر مشهر بروند. اما چطور می‌توانست خواهرش را با این وضعیت دنبال خودش بکشد؟ آن هم با وضعیت سمیرا که دو بار بچه سقط کرده بود. این بار هم با هزار دعا و نذر و نیاز بچه‌اش را ننگه داشته بود و هنوز هم نمی‌دانست عاصف، شوهرش، شهید شده و داخل شط افتاده و حتی جنازه‌ای هم ندارد تا بشود برایش مزاری درست کرد. از این فکر به خودش لرزید. در این روزها چه کسی مزار داشت که عاصف داشته باشد؟ از کنار کوچه گذشت و وارد خانه ننه صفیه شد. خمبارهای درست چند متر آن طرف‌تر از سلوی به زمین خورد. صدای فریادهای سمیرا بلندتر از انفجار بود. خودش را به خواهر داغدارش رساند. دلش می‌خواست همانجا بمیرد و وضعیت سخت سمیرا را نبیند. کودک سمیرا عزمش را جزم کرده بود تا زیر خمبارها و موشک و صدای فریاد عراقی‌ها به دنیا بیاید. سلوی ترسیده بود، اما باید هر طور که بود خواهرش را از این محاصره نجات می‌داد. دیشب قرار بود خودشان را به لنج عبدالواحد برسانند و از شهر فرار کنند؛ اما درد، سمیرا را کنار خانه ننه صفیه زمین گیر کرده بود.

چیزهایی که از آموزش بهیاری در ذهن داشت، انجام داد. باید ترس را کنار می‌گذاشت و قوی و محکم می‌ایستاد و از خانواده کوچک جنگ‌زدگان دفاع می‌کرد. صدای تیراندازی نزدیک خانه بلند شد.

— کی داخل خونه است؟ مگه نشنیدین آلتنه که شهر سقوط کنه؟

در با لگد رزمنده باز شد. نگاه سلوی و مرد جوان به هم دوخته شد. سمیرا درد داشت و ناله‌هایش قطع نمی‌شد. مرد نگاهش را دزدید و آرام گفت: «من خالدم، پسر ننه صفیه! خواهر چرا تا حالا موندین؟ مگه...» صدای سمیرا انگذاشت حرقش را تمام کند. چاره‌ای نبود.

— حالا طوری نی، غصه نخور، من بیرون مراقبم! می‌گم بچه‌هام بیان کمک، تو کمک این خواهر مون کن! ترس، راه فرار پیدا می‌کنیم. بیرون رفت. انگار سمیرا بین زمین و آسمان معلق مانده بود و داشت خودش را تکثیر می‌کرد. سلوی با تمام قوا تلاش می‌کرد. صدای الله اکبر چند رزمنده با گریه نوزاد بلند شد. لبخندی بی‌جان، روی لبان دو خواهر نقش بست. سلوی در را باز کرد تا خبر خوش را به خالد برساند. نور کم رمق خورشید پاییزی، خودش را روی جسم بی‌جان مرد جوان انداخته بود.

چه کسانی از سینمای دفاع مقدس می‌ترسند؟

شده در سینمای جنگی امروز ایران یک انحراف بزرگ است که عدم ترمیم آن لطامت فراوانی را در پی خواهد داشت. این انحراف از آنجا ناشی می‌شود که اساساً کشور ما در آن جنگ در مقام مدافع و مقاوم بود. هم از ایسن رو ارائه نگاه ضد جنگ به مقاومت، نوعی نقض غرض محسوب می‌شود. چنین فیلم‌هایی را نمی‌توان ضد جنگ دانست، بلکه این آثار ضد مقاومت هستند. نمی‌توان با سهولت انگاری در برابر ریاکاری عده‌ای، بیش از این اجازه تخریب دفاع مقدس را در برخی از فیلم‌های جنگی داد؛ بنابراین به موازات حمایت از تولید فیلم‌های دفاع مقدسی به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر فرهنگی، باید در مقابل فیلم‌های ضد مقاومت هم ایستاد و مانع از گسترش چنین آثاری شد.

آن هم درست در شرایطی که دشمنان ایران و اسلام در آن سوی مرزها، هجوم خود به مرزهای عقیدتی و فرهنگی جامعه ما را به اوج خود رسانده‌اند. فیلم‌های سیاه جنگی که با تقلید کورکورانه و جاهلانه از روی فیلم‌های ضد جنگ غربی ساخته شده و می‌شوند، به نوعی نقش مکمل برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای ضد ایرانی را برای ارزش زدایی از دفاع مقدس بازی می‌کنند. زیرا یکی از ترفندهای ثابت و مکارانه این شبکه‌ها این است که هر سال به مناسبت هفته دفاع مقدس برنامه‌هایی شبیه افکن و مخرب را درباره این بخش از تاریخ پرافتخار ایران نمایش می‌دهند. حتی در برخی از این برنامه‌ها، کشور ما به عنوان آغازگر و مسئول اصلی جنگ هشت ساله معرفی می‌شود؛ نگاه باب

سعی در به حاشیه راندن سینمای دفاع مقدس داشته و دارند. متأسفانه در سال‌های اخیر نیز موج جدیدی در این راستا پدید آمده که در قالب فیلم‌های به ظاهر جنگی، سعی در تخریب ارزش‌های انقلابی و دفاع مقدسی دارد. این فیلم‌ها عمدتاً با ادعای ضد جنگ بودن و نمایش تصویری تیره و تار از فضای جامعه، ایستادگی ملت ایران در مقابل تجاوز بیگانگان را تحقیر می‌کنند. نکته تأمل برانگیز و تأسف آور این است که این گونه فیلم‌ها، در میان آثار جنگی اکران شده در چند سال گذشته، اکثریت را تشکیل می‌دهند. خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه، سازندگان این نوع فیلم‌ها در مسیر تقدس زدایی از مقاومت و نبرد مقدس مردم ایران در جنگ تحمیلی هشت ساله قرار گرفته‌اند،



آرش فهیم

منتقد سینما

در سال‌های پس از دفاع مقدس جریانی خاص فیلم‌هایی که منتشر شده فرهنگ و ارزش‌های جهادی در سطح جامعه هستند را مانعی بر سر راه پیشبرد اهداف خود برای گسترش اباحه‌گری می‌دانند. واقعیت این است که جریان‌های فرهنگی، سیاسی و رسانه‌ای وابسته به سرمایه‌داری که منافع خود را در گرو غرب زدگی و تقلیل یافتن آرمان‌گرایی و عدالت خواهی در جامعه می‌دانسته‌اند، به صورت برنامه‌ریزی شده و تعمیدی،

بازی مذاکره!

تحلیل گفتمان آمریکا درباره «توافق بزرگ با ایران»



حمید خوش‌آیند

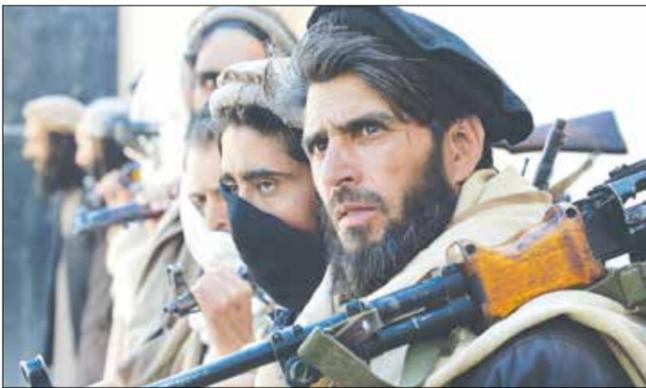
کارشناس مسائل بین‌الملل

منجر خواهد شد، آنقدر صریح و روشن در رویکردهای کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی و بیانات رهبر معظم انقلاب مطرح شده است که بحث مبسوطی رانمی‌طلبد. اما نکته‌ای که در اینجا وجود دارد و باید مورد توجه جدی قرار داد، بازی زیرکانه ترامپ با «توافق با ایران» است. اینکه رئیس‌جمهور آمریکا در هر نوبت یک زمان را برای انجام توافق اعلام می‌کند؛ به گونه‌ای که یک بار صحبت از توافق در چهار هفته و بار دیگر توافق تنها در یک هفته و بار دیگر توافق تنها در سه هفته را به میان می‌آورد، موضوعی است که نشان می‌دهد ترامپ درصدد ایجاد اختلال و اثرگذاری در دستگاه محاسباتی تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران، آحاد مردم و افکار عمومی جمهوری اسلامی با هدف انحراف ادراک عمومی از واقعیات موجودی است که در مناسبات تهران- واشنگتن است. این، دقیقاً همان نکته‌ای است که رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای در دیداری که در ۴ مهر ۱۳۹۸ با اعضای مجلس خبرگان رهبری داشتند، از آن با عنوان «تعریف منافع ملی و مصلحت ملی جمهوری اسلامی ایران طبق خواست آمریکا» نام می‌برند. این خط، در ماه‌های اخیر با شفافیت و صراحت بیشتری از سوی عالی‌ترین مقام آمریکا، یعنی شخص رئیس‌جمهور درباره ایران دنبال می‌شود. از این رو منظور آمریکا از «توافق با ایران» که مدام آن را به اشکال مختلف تکرار می‌کنند، بردن ایران زیر بار توافقی است که چارچوبها، مختصات و محتوای آن در ولت‌مردان آمریکایی تعریف می‌کنند. فرقی هم نمی‌کند، پشت میز مذاکره باید بنشینند یا ترامپ، مهم توافقی است که باید در راستای منافع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا انعقاد شود. غافل از اینکه در رأس این نظام رهبری حکیم و فرزانه قرار دارد که تهدید و تطمیع و فریب هیچ‌گونه تأثیری در او نمی‌گذارد و دستگاه محاسباتی نظام نیز تحت تأثیر القانات دشمن مخدوش نمی‌شود؛ چرا که جبهه دشمن به طور کامل و با تمام موقعیت و مختصاتش، برای او شناخته شده است.

در هفته‌های اخیر، «توافق با ایران» به یکی از کلیدواژه‌های اصلی دونالد ترامپ در تبلیغات انتخاباتی‌اش تبدیل شده است. وی که همه تلاش‌های خود را برای پیروزی در انتخابات پیش رو به کار گرفته و از هر پدیده و مسئله‌ای برای خود سکوی پرش انتخاباتی می‌سازد، روی این موضوع تمرکز کرده است که بلافاصله پس از پیروزی در انتخابات نوامبر، در کمتر از یک ماه یا دو هفته یا سه هفته به توافق بزرگی با ایران دست خواهد یافت! کماینکه در آخرین موضع‌گیری درباره ایران، وی در حالی که در کاخ سفید «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در کنارش ایستاده بود، مدعی شد: «من به یک توافق فوق‌العاده با ایران دست خواهم یافت. بعد از انتخابات می‌توانیم به توافق بهتری با ایران دست پیدا کنیم.» یکی از نکات تأمل‌برانگیز در سخنان رئیس‌جمهور آمریکا تصور یا برداشتی است که او نسبت به قطعیت توافق آمریکا با ایران پس از انتخابات دارد. جالب است که از نظر او این توافق در هر صورت انجام خواهد شد، با این تفاوت که با ابقای ترامپ، توافق احتمالی مدنظر او به نفع آمریکا و با پیروزی بایدن به نفع ایران منعقد خواهد شد! از بررسی فحوای کلام و بستر گفتمان و رویکردهایی که در دولت آمریکا حاکم است، چنین به نظر می‌رسد که از نظر دولتمردان آمریکایی، سیاست فشار حداکثری بر ایران اثرگذار بوده و ایران چاره‌ای جز تسلیم در برابر آمریکا ندارد. این در حالی است که منظور دقیق ترامپ از توافق سریع با ایران چیزی جز تسلیم و رضایت مطلق و محض ایران در مقابل ادعاهای جاه‌طلبانه آمریکایی نیست که پیش از این جمهوری اسلامی ایران بارها آن را رد کرده است. موضوع مذاکره با کاخ سفید و اینکه آیا این مذاکره بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا انجام شده و به توافق با واشنگتن

سودای بازگشت

اهداف طالبان در مذاکرات بین‌افغانی



اسماعیل باقری

کارشناس مسائل افغانستان

پس از کش‌وقوس‌های فراوان میان دولت افغانستان و رهبران طالبان، مذاکرات بین‌افغانی در روزهای اخیر در دوحه قطر شروع شد. اولین راهبرد اعلامی از سوی هیئت مذاکره‌کننده طالبان در قطر، مسئله اصلی نوع نظام سیاسی افغانستان است و اینکه طالبان دنبال تشکیل حکومت اسلامی در این کشور است. واقعیت این است که رهبران طالبان اساساً نظام سیاسی پسااجلاس بن در ۲۰۰۱ را هیچ‌وقت به رسمیت نشناخته‌اند و به همین دلیل در روند مذاکرات مستقیم با آمریکایی‌ها در دوحه و ابوظبی، حاضر نشدند تا با دولتمردان فعلی کابل بر سر یک میز گفت‌وگو کنند. بنابراین اصلی‌ترین خواسته طالبان، احیای امارت اسلامی است و به همین دلیل «مولوی عبدالحکیم حقانی» رهبر مذاکره‌کننده طالبان در دوحه اعلام کرد پیش از گفت‌وگو درباره آتش‌بس یا توقف جنگ باید در زمینه نظام سیاسی اسلامی و سپس قانون اساسی افغانستان مذاکره صورت بگیرد. رهبران طالبان به خوبی درک کرده‌اند که آمریکا در افغانستان نمی‌تواند برای درازمدت از کارگزاران سیاسی فعلی و دولت پر از فساد اداری حمایت و پشتیبانی کند و به همین دلیل با تمام توان خود هم به نیروهای خارجی و هم به دولت افغانستان فشار می‌آورد تا هرچه زودتر خواسته اصلی خود را عملی کنند. مقامات آمریکایی نیز احساس می‌کنند با وجود هزینه چند ده میلیارد دلاری در دولت‌سازی و ملت‌سازی، نتوانسته‌اند موفق به برقراری دولت مرکزی قوی و منسجم در افغانستان شوند و با توجه به قدرت طالبان و وزن نظامی و پایگاه اجتماعی آن، به‌ویژه در میان پشتون‌ها، در صورت تداوم حمایت از دولت کابل، باز نخواهند توانست طالبان را از پا در بیاورند. چنین وضعیتی موجب شد تا آمریکا به‌جای جنگ با طالبان، مذاکره با طالبان را برگزیند تا منافع خود در منطقه را حفظ و بر

روی راهبردهای کلان خود (مهار چین، روسیه، ایران و...) تمرکز کند. اگر طالبان نوعی نرمش در سیاست‌های اعلامی خود را تبلیغ و رسانه‌ای می‌کنند، نه به دلیل تغییر رویکردها و راهبردهای خود، بلکه این تعدیل دیدگاه نوعی نرمش سیاسی برای ورود مجدد به ساخت قدرت در کابل است تا به مرور خواسته‌های خود را در افغانستان تحمیل کند. موضوعی که باید توجه داشت، این است که شکل‌گیری نسل جدیدی از تحصیل کرده‌ها و طبقه‌ای از روشنفکران و نخبگان فکری و سیاسی، رهبران طالبان را در ادامه راه با چالش‌های اساسی مواجه خواهد کرد که اجتناب‌ناپذیر است. اینکه طالبان نیز همانند غربی‌ها، مجاهدین و رهبران جهادی را جنگ سالار می‌نامند، جای تأمل دارد. در حالی که مردم افغانستان به‌ویژه غیر پشتون‌ها و شیعیان، خود را قربانی جنایت‌های طالبان می‌دانند و خواستار محاکمه آنان بودند، اکنون با آغاز مذاکرات بین‌افغانی، نه تنها باید آنان را به منزله حاکمان آینده پذیرند، بلکه باید منتظر تسویه حساب‌های خونین طالبان نیز باشند که کشته‌های خود را شهید و زخمی‌های‌شان را جانباز می‌نامند. بنابراین با توجه به موارد فوق و وضعیت جدید و شروع مذاکرات بین‌افغانی هدف اول طالبان ورود به قدرت خواهد بود و در مرحله بعدی طالبان تلاش خواهد کرد تا با تضعیف‌سازی تیم اشرف غنی و سپس تیم دکتر عبدالله، عملاً سیاست‌های حاکمیتی خود را پیش ببرد. و به ویژه که تیم اشرف غنی هم پایگاه اجتماعی بسیار محکمی ندارد و هم چندان منسجم نیست. با توجه به این مسئله احتمال دارد که همین تحصیل کرده‌های غرب و جناح لیبرال دموکرات، مورد استفاده تیم طالبان قرار بگیرد؛ اما بدون شک طالبان تلاش خواهد کرد تا چنین افرادی نقش چندانی در آینده افغانستان نداشته باشند.

کوتاه آنکه تیم مذاکره‌کننده طالبان مدعی هستند نظام کنونی افغانستان کاملاً فاسد و ناتوان است و الان نوبت طالبان است که کشور فاسد را از غرق شدن بیشتر نجات دهد.

پیروزی مقاومت

تلاش بی نتیجه

این‌دین‌دست عربی: با ادامه یافتن دیدارهای دوره‌ای بین سران کشورهای مصر، عراق و اردن که تازه‌ترین مسورد آن ۲۵ اوت برگزار شد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ما در آستانه تشکیل اتحادیه عرب جدیدی هستیم. اسرائیل به دنبال متلاشی کردن پایه‌های نظام عربی و ایجاد نظام جدیدی با حضور سیاسی و راهبردی خود در آینده است تا بتواند رهبری خاورمیانه جدید را پس از تحقق صلح و ثبات بر مبنای طرح صلح اقتصادی به جای صلح سیاسی، برعهده داشته باشد. همسویی مصر، عراق و اردن می‌تواند سدی در برابر این برنامه‌ها و چالش‌ها و طناب نجاتی برای کشورهای عربی باشد.

شکست رژیم صهیونیستی

المیادین: پس از گذشت ۲۰۰۰ روز از حمله به یمن هیچ تغییری به نفع ائتلاف عربی دیده نمی‌شود، جنبش انصارالله یمن ثابت قدم باقی مانده است و نه تنها اهداف ائتلاف را ناپدید کرده و تلاش‌ها برای کنار گذاشتن از این جنگ را ناکام گذاشته، بلکه جنگ را با تهدیدات و حملات خود به عمق عربستان کشانده است. صنعا با عملکرد روزافزون خود معادلاتش را عملی کرد و به بازیگران شاخصی در قلب منطقه تبدیل و یک پشتیبان قدرتمند حساب کنند. هر چند از قبل مشارکت تل‌آویو در حملات مستقیم واضح بود، اما اکنون در سایه (فضای اسرائیلی‌سازی) تل‌آویو به طرف علنی در جنگ یمن تبدیل شده است.

کشوری تأثیر

عربی ۲۱: حدود یک دهه و نیم است که امارات به گسترش نفوذ خود در منطقه پرداخته است و دستاوردهایش در این زمینه صرفاً بخاطر سیاست‌هایش نیست، بلکه به خاطر هم‌نوایی کامل با سیاست‌های امپریالیستی آمریکا در منطقه و بهره‌برداری از تمایل آمریکا برای خروج از خاورمیانه پس از ناکامی در تحقق اهدافش در حمله به عراق و افغانستان است. به رسمیت شناختن دولت استعمارگر اسرائیل، توسط امارات به معنای پذیرش نسل‌کشی ۷۵۰ هزار فلسطینی است، امارات گمان می‌کند با امضای توافقنامه با اسرائیل، جایگاهی برتر در منطقه به دست خواهد آورد و به نماینده اصلی آمریکا در خاورمیانه تبدیل خواهد شد. امارات به علت واقعیت‌های راهبردی و ژئوپلیتیک نمی‌تواند نماینده آمریکا در منطقه باشد؛ زیرا به‌رغم سیاست فعال و جسورانه‌اش، فاقد مؤلفه‌های یک قدرت منطقه‌ای است. این کشور سلاح نمی‌سازد و فناوری واقعی تولید نمی‌کند و عمق جغرافیایی و جمعیت قابل توجهی هم ندارد.

جهان

شماره ۹۶۸ | دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۹

صداقت

یادداشت

جنگ ارزی «یوان» در برابر «دلار»

حسن مرداخانی

کارشناس مسائل سیاسی

داستان دلار از جایی شروع شد که اروپای ویران‌شده و به شدت ضعیف از دل جنگ جهانی اول و دوم بیرون آمد. پس از تخریب اروپا در دو جنگ جهانی، آمریکا برای نجات اروپای تضعیف‌شده، پیشنهاد انتخاب دلار به عنوان مبنای تمامی معاملات و تجارت میان آمریکا و اروپا را در قالب توافقی به نام «برتون وودز» ارائه کرد. برتون وودز ساختار حاکمیت دلار آمریکا بر اقتصاد جهان را تشکیل داد و اقی برای پیشینه‌سازی قدرت آمریکا ترسیم کرد تا ابزارهای راهبردی برای پیشبرد اهداف سیاسی خود در نقاط گوناگون جهان داشته باشد. نظام اقتصادی دنیا پس از دو جنگ جهانی به گونه‌ای بود که آمریکای دور از صحنه جنگ را برای بازیگری فعال و قبولاندن دلار به منزله مبنای تمامی معاملات جهانی در غیاب قدرت اقتصادی دیگر تسهیل می‌کرد. نظام مدیریت پولی برتون وودز در جنگ جهانی دوم، قوانین روابط مالی و بازرگانی میان کشورهای ایالات متحده آمریکا، کانادا، اروپای باختری، استرالیا و ژاپن را مشخص کرد. در نظام برتون وودز هر کشور باید سیاست پولی خود را چنان اتخاذ کند که نرخ مبادله ارز خود را به طلا گره زده و این نرخ را ثابت نگه دارد. از ۱ تا ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۴، ۷۳۰ نماینده از میان ۴۴ کشور تیرهای متفقین به منظور برگزاری «کنفرانس پولی و مالی ملل متحد» در هتل «مونت واشنگتن» واقع در برتون وودز، نیهامپشایر آمریکا دور هم جمع شدند و موافقت‌نامه برتون وودز را امضا کردند. این موافقت‌نامه با تأسیس قوانین، نهادها و فرآیندهایی به منظور تنظیم پول بین‌المللی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، بازسازی و توسعه پس از جنگ را بنیاد نهاد. آمریکا که دو سوم طلا جهان را تحت کنترل داشت، اصرار می‌کرد که نظام برتون وودز هم بر طلا و هم بر دلار آمریکا مبتنی باشد. این در حالی است که در ۱۵ اوت ۱۹۷۱ آمریکا قابلیت تبدیل دلار آمریکا به طلا را به شکل یک‌طرفه فسخ کرد و عملاً به نظام اصلی برتون وودز پایان داد و با اتخاذ دلار به منزله ارزی بی‌پشتوانه، نظام برتون وودز آمریکایی برقرار کرد که به «شوک نیکسون» معروف است و سبب شد دلار آمریکا به ارز اندوخته بسیاری از کشورها تبدیل شود. ظهور قدرت اقتصادی چین، حاکمیت اقتصادی آمریکا بر جهان را بسیار متزلزل کرد و تقویت حوزه فناوری بر ارتباطات چین، ضربه سنگینی بر تکنولوژی آمریکا وارد کرد. اعلام بانک جهانی مبنی بر صعود چین به قدرت اول اقتصادی جهان در سال ۲۰۳۰، هم‌زمان با گسترش اقدامات اقتصادی چین در نقاط مختلف جهان بود. گسترش معاملات اقتصادی چین با یوان و حذف دلار از این فرآیند، نشان‌دهنده ظهور نظام متفاوت پولی در آینده نزدیک است. از این رو، «ژاک پاندل» رئیس بخش تبادل ارزی جهانی و استراتژی بازار در بانک گلدمن ساکس می‌گوید: «در ۱۲ ماه آینده یوان چین رشد قابل توجهی در برابر دلار خواهد داشت.» حذف دلار در معاملات بورس چین و جایگزینی رسمی یوان در کنار افزایش قدرت ارز دیجیتال بیت‌کوین چینی به تکمیل فرآیند افول قدرت آمریکا و ظهور چین به مثابه قدرتی جدید و انتقال قدرت از غرب به شرق در آینده‌های بسیار نزدیک خواهد انجامید.

نکاتی درباره نوسانات
اخیر بازار سرمایه

ایمان زنگنه

کارشناس اقتصادی

درباره نوسانات بازار سرمایه باید به چند موضوع توجه داشت، مسئله اول بحث «سرمایه اجتماعی» است که متأسفانه، به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی تصمیم‌گیران اقتصادی کشور به واسطه ضعف در اجرا یا منافع خاص برخی افراد به طور مشخص افراد حقوقی- در حال کم‌رنگ شدن است. موضوعی که بدون شک به ضرر نظام تصمیم‌گیری و دولت تمام می‌شود؛ چرا که به واسطه تصمیمات غلط، اعتماد مردم به حاکمیت کاهش می‌یابد؛ لذا پیش از هر مسئله‌ای تصمیم‌گیران اقتصادی ما باید به این مسئله توجه کرده و به حساسیت این موضوع از این بُعد نیز دقت کنند. آنچه نظام بانکی یا بازار سرمایه و... در هر کشوری به آن متکی است، موضوع اعتماد عمومی است. از لحظه‌ای که اعتماد عمومی سرمایه اجتماعی یک نهاد مالی زیر سؤال برود، مردم برای دریافت سپرده‌ها یا دارایی‌های خود به بانک‌ها یا بازار سرمایه هجوم می‌آورند؛ از این رو نحوه مدیریت و نظارت دولت بر بازارهای پولی و مالی باید به گونه‌ای باشد که مردم هرگز چنین احساسی نداشته باشند.

ملحق ممکن است مردم به منزله سرمایه‌گذاران خرد که البته بخش عمده‌ای از بازار را تشکیل می‌دهند، به دلیل برخی اتفاقات احساس کنند بازار رها شده و عده‌ای که به علت عدم تقارن اطلاعاتی نسبت به مردم اطلاعات بیشتری دارند، از این رهایی بازار استفاده کنند. اگر چنین موضوعی اثبات شود، نیازمند ورود قوه قضائیه است. به هر حال بخشی از مردم با این تصور که بازار سرمایه تحت حمایت دولت است، وارد این بازار شدند، بنابراین، دولت نباید بازار را به حال خود رها کند و ضروری است نظارت و حمایت‌های منطقی از بازار وجود داشته باشد.

نحوه حمایت دولت از بورس است. سؤال این است که آیا دولت از حضور مردم در این بازار منتفع می‌شود؟ بدون شک، همین طور بوده و منتفع اول در رونق بازار سرمایه خود دولت است. گفتنی است، چون تعداد کدهای بورسی و حجم معاملات در بورس در حال افزایش است، به نظر می‌رسد بسیاری از تازه‌واردان به این بازار، با اصول اولیه ادبیات مالی آشنا نیستند و اطلاعاتی در این زمینه ندارند. بنابراین بهتر است دولت با وضع قوانینی افراد تازه‌وارد را ملزم کند تا حداقل یک مدت شش ماهه از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری وارد بازار شده و بعد از آشنایی با بازار، خودشان به طور مستقل اقدام به خرید و فروش سهم کنند.

متأسفانه خیلی از نهادهای حقوقی حاضر در بورس نفع بخشی را به نفع جمعی ترجیح دادند. اگر چه با افزایش عمق بازار، حقوقی‌های بازار نیز منتفع می‌شدند؛ اما سودهای کوتاه‌مدت را مدنظر قرار دادند. به نوعی می‌توان گفت این شرکت‌ها اعتبار بازار را به گروهان گرفتند. اگر چه متکر این موضوع نیست که نرخ‌های رشد در برخی از سهم‌ها طبیعی نبوده و پس از اصلاح صورت گرفته در یک ماه اخیر بازار منطقی‌تر شده است؛ اما می‌گویم باید بررسی شود چه افرادی زودتر از موعد و از طریق رانت اطلاعاتی از بازار خارج شده و به ریزش‌ها دامن زدند؟

مضيقه ارزی
ولجی‌وزیری صمت

سرس از بازار آزاد درمی‌آوردند، گفت: «علاوه بر مشکل تأمین مواد اولیه برای تأمین مواد داخلی هم مشکلاتی جلوی راه تولیدکنندگان قرار دارد. اکنون برخی فلزات رنگی که باید از طریق بورس کالا به دست تولیدکنندگان برسد، راهی بازار آزاد می‌شود که تأمین آن از بازار آزاد هزینه‌های گزافی را به بخش تولید تحمیل می‌کند.» به گفته هاشمی، عرضه قطره چکانی مواد اولیه در بورس، سبب کاهش عرضه محصول نهایی می‌شود که متأسفانه برخی مسئولان به این موضوع بی‌توجه هستند. در واقع گرانی لجام گسیخته‌ای هم که در ماه‌های اخیر اتفاق افتاده، بیشتر ناشی از این محدودیت‌هاست.

گزارش گرانفروشی نشده است

اوایل تابستان امسال سازمان حمایت اعلام کرد از این پس درج نشدن قیمت از سوی بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی تخلف به شمار آمده و در صورت کشف کالا بدون درج قیمت در سامانه مذکور ضمن لحاظ تخلف گرانفروشی، کالای کشف شده از مصادیق عرضه خارج از شبکه به شمار خواهد آمد. در همان زمان سازمان حمایت، کلیه اصناف و واحدهای توزیعی را موظف کرد در عرضه کالاها خود ضمن توجه به اطلاعیه‌های صادره، قیمت اعلام شده از سوی این سازمان را نیز ملاک عمل قرار دهند. به گونه‌ای که در حال حاضر حدود ۲۶۰۰ قلم کالا در سامانه‌ای که سازمان حمایت اعلام کرده، قیمت‌گذاری شده است؛ اما گرانی همچنان در بازار می‌تازد. آن‌طور که مسئولان سازمان حمایت می‌گویند برای رسیدگی به این وضعیت ابتدا باید مردم شکایت خود را در سامانه نسبت به گرانفروشی ثبت کنند و بعد این سازمان وارد عمل شود. «وحید منایی» عضو هیئت‌مدیره سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در این زمینه می‌گوید: «مصرف‌کنندگان می‌توانند برای استعلام قیمت یک کالا به سامانه قدیمی سازمان حمایت به نام Old.ir ۱۲۴ مراجعه کنند. از سوی دیگر بازرسان سازمان حمایت هم در بازار بررسی‌های لازم را در این زمینه انجام می‌دهند.»

سپس به عنوان وزیر پیشنهادی صمت به مجلس معرفی شد. با این حال مجلس یازدهم به برنامه‌های او اعتماد نکرد و در نهایت مدرس خیابانی توانست سکاتدار وزارت صمت شود. پس از او «جعفر سرینی» که سابقه طولانی مدتی در معاونت معدنی این وزارتخانه را در کارنامه دارد، به عنوان سرپرست جدید معرفی شد؛ اما هنوز خبری از معرفی شدن مجدد وزیر پیشنهادی صمت به مجلس نیست. به تازگی محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور در جمع خبرنگاران اعلام کرده به زودی وزیر پیشنهادی وزارت صمت را معرفی خواهیم کرد. موضوع اینجاست، در سالی که آمریکا از سازوکار سازوکار ماشه تهدید می‌کند، چرا یک وزارتخانه که بخش مهمی از مدیریت تولید و تجارت کشور را بر عهده دارد، چندین ماه است بدون متولی و سکاتدار اداره می‌شود؟

توان تولید کاهش یافته است

«عباس هاشمی» مشاور عالی انجمن صنایع لوازم خانگی ایران در گفت‌وگو با خبرنگار ما، به دلایل گرانی لوازم خانگی اشاره و تصریح کرد: «از اسفند ماه سال گذشته بانک مرکزی ارز نیامی را، که برای واردات قطعات و مواد اولیه لوازم خانگی تخصیص می‌داد، محدود کرده است و تنها ۲۵ درصد نیاز تولیدکنندگان رفع می‌شود.» وی افزود: «از سوی دیگر شاهد بخشنامه‌ها و مقررات گوناگونی هستیم که سبب بلاتکلیفی تولیدکنندگان می‌شود.» هاشمی بیان اینکه کشور در بحران ارزی قرار دارد، تأکید کرد: «مهم‌ترین عامل گرانی لوازم خانگی نبود مواد اولیه برای تولید است؛ و اگر نه تولیدکنندگان در حال حاضر در بالاترین سطح توان در حال تولید هستند. مشخص است در شرایطی که عرضه در بازار کم باشد، قیمت‌ها روند صعودی به خود می‌گیرند.» وی با بیان اینکه کالاهایی که باید از طریق بورس به دست تولیدکنندگان برسد معلوم نیست چگونه

ظاهر هنوز موفقیتی برای مهار گرانی به دست نیامده و عملاً اقدامی در این راستا انجام نشده است. طبق آخرین تصمیم ستاد تنظیم بازار قیمت برخی لوازم خانگی در خرداد ماه تغییر کرد و با افزایش ۲۵ درصدی نسبت به قیمت بهمن ماه رویه‌رو شد. البته این افزایش ۲۵ درصدی مجوز حداکثری گرانی بود، به گونه‌ای که برای قیمت تلویزیون حداکثر ۲۰ درصد و برای سایر لوازم خانگی حداکثر ۲۵ درصد اجازه افزایش قیمت داده شد. در این راستا، تولیدکنندگان موظف شدند قیمت‌ها را تا ۲۷ خرداد در سامانه‌ای که سازمان حمایت اعلام کرده بود، درج کنند تا شاید از این طریق همه چیز شفاف شود؛ اما وضعیت این روزهای بازار آشفته‌تر از آن است که بتوان سخنی از شفافیت به میان آورد. خرداد ماه سال جاری، بانک مرکزی استفاده از ارز اشخاص را برای تولیدکنندگان ممنوع کرد. همان زمان تولیدکنندگان طی نامه‌ای به رئیس کل بانک مرکزی اعلام کردند در وضعیتی که محدودیت‌ها سبب شده است تولید به سختی انجام شود، استفاده از ارز اشخاص می‌تواند تا حدی مشکل تأمین مواد اولیه بخش تولید را حل کند. در نهایت و با اصرار تولیدکنندگان این بخش، بانک مرکزی موافقت کرد صادرکنندگانی که اقدام به صادرات می‌کنند، می‌توانند بخش زیادی از این ارز را برای تأمین مواد اولیه تولیدی خود استفاده کنند. در همین ماه بود که ستاد تنظیم بازار کشور اجازه افزایش ۲۵ درصدی قیمت لوازم خانگی را نسبت به بهمن ماه سال گذشته صادر کرد تا تولیدکنندگان بتوانند به تولید خود ادامه دهند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد، قیمت لوازم خانگی از خرداد ماه تاکنون باز هم افزایش داشته و طی همین دو ماه لوازم خانگی حدود ۳۰ درصد رشد قیمت را تجربه کرده است.

وزارتخانه بی‌وزیر

بیش از چهار ماه است که وزارت صمت متولی ندارد. پس از استعفا یا برکناری جنجالی «رضا رحمانی» از وزارت صمت، «حسین مدرس خیابانی» برای سرپرستی این وزارتخانه انتخاب و

میلاد شکری

خبرنگار



از قدیم گفته‌اند سالی که نکوست از بهارش پیداست. بهار امسال بود که گرانی مهمان بازار لوازم خانگی ایران شد و البته تا به امروز که حدود شش ماه از آغاز سال گذشته، نه تنها این گرانی افسارگسیخته تعدیل نشده است؛ بلکه در حال افزایش است. این افزایش قیمت به اندازه‌ای بوده که برخی کالاها در این حوزه افزایشی بیش از ۵۰ درصد داشته‌اند. این در حالی است که حقوق کارگران بر اساس مصوبه شورای عالی کار دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومان تعیین شده است و هیچ تناسبی با قیمت‌های بازار ندارد. افرادی که در آستانه ازدواج هستند، اگر بخواهند یک زندگی معمولی را آغاز کنند، برای تأمین وسایل زندگی باید حداقل ۱۵۰ میلیون تومان هزینه کنند. این یعنی حتی وام ازدواج ۱۰۰ میلیون تومانی زوجین هم نمی‌تواند افزایش هزینه‌ها را جبران کند. کارشناسان معتقدند، مهم‌ترین عامل در راستای حفظ و افزایش قدرت خرید خانوار، مهار تورم است که متأسفانه تیم اقتصادی دولت از سازمان برنامه و بودجه تا وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی نتوانستند عملکرد مناسبی در این زمینه داشته باشند. «صبح صادق» در گزارشی دلایل گرانی لوازم خانگی را از ابتدای سال تاکنون بررسی کرده است. مشروح این گزارش را در ادامه می‌خوانید: در ماه‌های گذشته افزایش قیمت لوازم خانگی خبرساز شد. مشاهدات میدانی از بازار لوازم خانگی نشان می‌دهد، در سال جاری لوازم خانگی ایرانی ۳۵ تا ۱۰۰ درصد و کالاهای خارجی که عمدتاً به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند، بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند. هر چند سازمان‌های نظارتی، مانند سازمان حمایت و ستاد تنظیم بازار کشور چندین بار درباره لوازم خانگی تصمیم‌گیری کردند؛ اما به

شاخص

رکورد کسری بودجه

به گزارش «سی‌بی‌اس نیوز» کسری بودجه آمریکا در ۱۱ ماه ابتدایی سال مالی کنونی به رکورد تاریخی ۳ تریلیون دلار رسیده است؛ این حجم از کسری بودجه ناشی از هزینه‌های عظیم دولت آمریکا برای کاهش تأثیرات منفی رکود اقتصادی تحت تأثیر پاندمی کروناست. کسری بودجه از ابتدای اکتبر تا انتهای آگوست حدود دو برابر رکورد ۱۱ ماهه قبلی شد، رکورد قبلی ۷۷ میلیارد دلار کسری بودجه در ۱۱ ماه ابتدای سال مالی ۲۰۰۹ بود. در آن زمان دولت حجم بزرگی از پول را برای بیرون آوردن اقتصاد آمریکا از بحران مالی ۲۰۰۸ به‌کار گرفت.

منهای نفت

نیروی انسانی کارآمد

شکی نیست که یکی از راه‌های تحقق توسعه و پیشرفت برای هر اقتصادی وجود زیرساخت‌ها و الزامات است. یکی از این الزامات که کشور در شرایط فعلی به مقدار قابل توجهی از آن برخوردار است، وجود نیروی انسانی متخصص است. در اقتصاد ایران نیروهای جدید و نسل خلاق که می‌توانند پیشگامان صنعت، خدمات و کشاورزی در دنیای امروز باشند؛ آنان قادر به کارهایی هستند که نسل‌های گذشته به هر دلیل ناتوان از انجام آن بودند، ضمن اینکه ترکیب این دو نسل، موجب انتقال تجربیات و آموزه‌های مناسب خواهد شد و مانع از انقطاع نسلی می‌شود.



افزوده

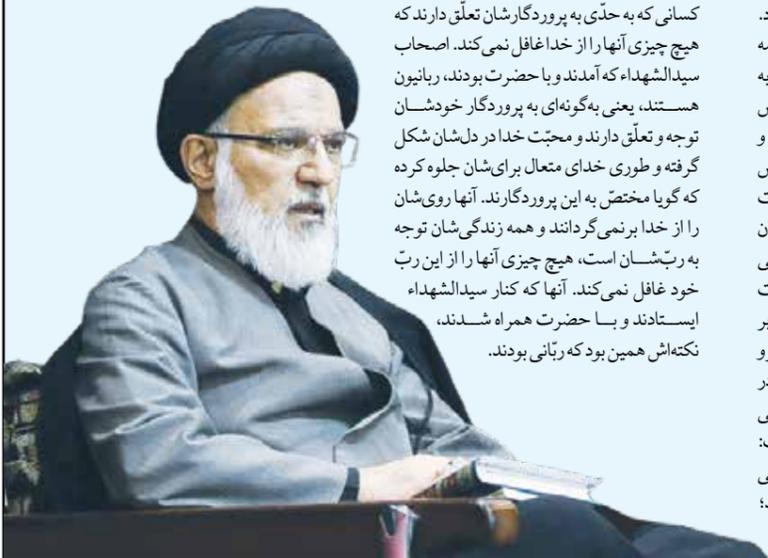
حساب تولید چیست؟

این حساب به منظور دستیابی به ارزش افزوده طراحی شده است و یکی از کمیت‌های ترازکننده مهم در سیستم حساب‌های ملی است؛ البته تمامی مبادلات مربوط به فرایند تولید را در بر نمی‌گیرد بلکه فقط، حاصل تولید (ستانده) و مصارف کالاها و خدمات برای تولید (مصرف واسطه) را در بر می‌گیرد. مصرف واسطه، کاهش سرمایه ثابت را شامل نمی‌شود. به این ترتیب حساب تولید، ستانده را به عنوان منابع و مصرف واسطه را به عنوان مصارف ثبت می‌کند و کمیت ترازکننده آن ارزش افزوده است که هم به صورت ناخالص و هم به صورت خالص اندازه‌گیری می‌شود.



یاران حسین (ع) ربانیون هستند

گفتاری از آیت الله محمد مهدی میر باقری



یعنی از کسانی که جزء خاصه پروردگار هستند، کسانی که به حدی به پروردگارشان تعلق دارند که هیچ چیزی آنها را از خدا غافل نمی کند. اصحاب سیدالشهداء که آمدند و با حضرت بودند، ربانیون هستند، یعنی به گونه ای به پروردگار بودند، ربانیون توجه و تعلق دارند و محبت خدا در دلشان شکل گرفته و طوری خدای متعال برای شان جلوه کرده که گویا مختص به این پروردگارند. آنها روی شان را از خدا بر نمی گردانند و همه زندگی شان توجه به رب شان است، هیچ چیزی آنها را از این رب خود غافل نمی کند. آنها که کنار سیدالشهداء ایستادند و با حضرت همراه شدند، نکته اش همین بود که ربانی بودند.

جان دادن می ترسیدند، نه بلکه شبهات و فتنه های سنگین، تردید و شک و ریب ایجاد کرده بود. چطور می شود این همه فتنه و شبهه و این همه سختی، انسان را به تردید و شک و ریب نسبت به امامش نیندازد و اهل یقین نسبت به امام خودش باشد؟! چطور انسان بتواند این راه را طی کند و چه صفاتی باید داشته باشد تا بتواند با امام خودش باشد؟! این، آن چیزی است که ما باید به آن دقت کنیم. صفات اصحاب سیدالشهداء (ع) فراوان است. ما باید این صفات را کسب کنیم. در زیارتی که مرحوم کلینی در کافی نقل کرده، آمده است شهدا را با این خصوصیت زیارت کنید: «سلام بر شما ای ربانیون» و بعد هم بگوید: «شما پیشرو این قافله بودید، ما هم به تبع شما می آییم و در قافله عاشورا هستیم». ... این صفت ربانیون یعنی چه؟ ربانیون در یک بیان ساده معنایش این است: ربانی و ربی به یک معناست و هر دو به کسانی گفته می شود که به پروردگار اختصاص دارند؛

«اللهم ارزقنی شفاعة الحسین یوم الورد و ثبت لی قدم صدق عندک» ان شاء الله وقتی وارد عالم برزخ می شویم، از آنهایی باشیم که عندالله هستند مانند شهدا. خدایا، زمانی که وارد عالم برزخ می شویم ما را در وادی کربلائی امام حسین (ع) قرار ده تا نتیجه اش این باشد که وقتی با سیدالشهداء بودیم «ثبت لی قدم صدق عندک» در محضر تو باشیم و ثبات قدم هم داشته باشیم. چه کار کنیم که ان شاء الله در کنار حضرت با ثبات قدم باشیم و فتنه ها، وسوسه ها، شبهه ها و سختی های راه، ما را از حضرت جدا نکند و به تردید نیندازد؟! چون همه مشکلات همراهی با سیدالشهداء، مشکلات ظاهری و به اصطلاح مشکلات فیزیکی نیست؛ بسیاری از این سختی ها، مشکلات و پیچیدگی های شبهات و شهورات و به قول امروزی ها پیچیدگی های فضای جنگ نرم است؛ یعنی آنهایی که با سیدالشهداء همراهی نکردند، مسئله شان این نبود که فقط از

امام حسین (ع) نفس مطمئنه

محمدرضا قضاوی



همه انسان ها در طول حیات، درباره عاقبت خود در خوف و رجا به سر می برند و وضعیت دقیق خود پس از مرگ را نمی دانند که آیا اهل بهشت هستند یا جهنم! این خوف و رجا نباید از بین برود؛ زیرا در نهایت کمال اتقندر ناقصیم که فقط فضل خداوند می تواند ما را نجات دهد. در این وضعیت باید به بخشش خداوند نیز امید داشته باشیم و از ناامیدی فاصله بگیریم. در مقابل نباید خوش خیالانه فکر کرد و مختصر اعمال عبادی را پر شمار تصور کرد. در این میان فقط اهل بیت (ع) هستند که در مقام «اطمینان» جای دارند و دیگر مؤمنان با درک مقام ایشان، آن هم پس از مرگ، به مقام اطمینان می رسند. خداوند در آیات آخر سوره فجر می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، ارجعي إلى ربك راضيةً مرضيةً، فاذخلي فی عبادی و اذخلی جنتی»؛ (فجر/ ۲۷-۳۰) امام صادق (ع) منظور از «فاذخلی فی عبادی» را حضرت محمد (ص) و خاندانش (ع) دانستند. (الکافی، ج ۳، ص ۱۲۷) در حدیثی دیگر فرمودند: «... این فرمایش خداوند تنها حسین بن علی (ع) را منظور دارد، چون اوست که نفسی مطمئن و خشنود و خدایسند دارد و یاران او از خاندان محمد (ص) هستند که در روز قیامت از خداوند خشنوند و خداوند نیز از ایشان خشنود است...». (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۹۳) نفس در قرآن در عبارات ها و معانی متعددی آمده است؛ اما منظور عمومی از نفس روح انسان است که اثر از اعمال انسان می گیرد و سه قسمت تقسیم می شود: نفس بی اراده و آلوده، «نفس اماره» (یوسف/ ۵۳)؛ نفسی که با خوف و رجا همراه است «نفس لوامه» (قیامت/ ۲)، و نفسی که اطمینان به خداوند دارد یا اطمینان پیدا می کند، «نفس مطمئنه» (فجر/ ۲۷). برخی مفسران رسیدن به نفس مطمئنه در این دنیا را ممکن دانسته و آن را نفسی غرق در آرامش می دانند. (فتاده، دقائق الأخبار، ص ۶۰) اما این همان نفس آرام و امیدوار به رحمت خداوند و همراه با خوف و رجا، یعنی همان «نفس لوامه» است؛ زیرا در روایات آمده است مؤمنان از مرگ اکراه دارند و آن اطمینان برای شان حاصل نشده، که دلیلش پیدا کردن فرصت بیشتر برای انجام اعمال عبادی است. از امام صادق (ع) سؤال شد که آیا مؤمن بر قبض روحش اکراه می شود؟ امام فرمودند: «... به تحقیق وقتی ملك الموت برای قبض روح او می آید، جزع و بی تابی می کند. ملك الموت به او می گوید: جزع نکن، به خدا سوگند من به تو مهربان تر از پدرت هستم، اگر حاضر بود. سپس می گوید: نگاه کن، نگاه می کند انوار اهل بیت (ع) را می بیند. ملك الموت به او می گوید: اینها هستند رفقای تو در بهشت، در این حالت هیچ چیزی برای او از قبض روحش خوشایندتر نیست.» (الکافی، ج ۳، ص ۱۲۷) پس حالت اطمینان وقتی برای مؤمن حاصل می شود که جایگاه خود را می بیند؛ اما کسب این جایگاه در دنیا باید با محبت و قدم گذاشتن در مسیر اهل بیت (ع) باشد. محبتی که انسان ها را به سوی خداوند بیش از پیش سوق می دهد. ما در این دنیا به دنبال نفس مطمئنه می گردیم و در هیچ انسانی مگر اهل بیت (ع) آن را نمی یابیم؛ به همین دلیل مدام در راستای محبت بیشتر به ایشان می کوشیم و در مجالس شناخت شان شرکت می کنیم.

هم رنگ امام حسین (ع) شویم

شرحی بر حدیث امام حسین (ع) که می فرمایند: «أنا قاتل العبرة»؛ من کشته اشکم...

سیدحسین خاتمی خوانساری



دبیر گروه معارف

می فرمایند: «... أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى خَلْقِهِ بِالرَّحْمَةِ، وَ حَصَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِالرَّحْمَةِ...»؛ ستایش مخصوص خداوندی است که ما را با رحمت خود بر مخلوقات برتری داد و رحمت خود را مخصوص ما اهل بیت (ع) گردانید... و هیچ کس از روی رحمت بر ما و بر آنچه به ما رسیده گریه نکند، مگر اینکه پیش از جاری شدن اشک از چشمش، خداوند او را شامل رحمت خود کند. اگر یک قطره از اشک هایش در جهنم بیفتد، آتش آن را خاموش می کند، به حدی که گرمایی برای آن باقی نمی ماند. (کامل الزیارات، ص ۱۰۱) اشک ریختن بهانه های زیادی دارد و انسان ها در حالات گوناگونی اشک می ریزند؛ اما خداوند بر هیچ یک، مانند اشک ریختن بر حضرت امام حسین (ع) تأکید نکرده و رحمت واسعه خود را شامل حال آن گریه کننده نکرده است. در روایتی معروف از امام رضا (ع) چنین آمده است: «ای پسر شیب، اگر می خواهی برای چیزی گریه کنی، پس برای حسین بن علی (ع) گریه کن که او را ذبح کردند چنانکه گوسفند را ذبح می کنند. پسر شیب اگر برای حسین (ع) چنان گریه کنی که اشک هایت بر گونه هایت جاری شود، خداوند همه گناهان کوچک و بزرگ تو را می آمرزد، اندک باشد یا بسیار.» همان طور که امام رضا (ع) اشاره فرمودند، انسان ها دلایل متعددی برای گریه کردن دارند،

اما گریه برای امام حسین (ع) هم ارزش بالاتری دارد و هم ثواب بیشتری. امام رضا (ع) غیر مستقیم به ما فهمانده اند که هیچ چیز در این دنیا ارزش گریه کردن ندارد، جز مصائب امام حسین (ع) همان طور که می دانید خود امام حسین (ع) عبارت «قتیل العبرات» را برای خودشان به کار بردند و فرمودند: «أَنَا قَاتِلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَبْرَأَ» من کشته اشکم، مؤمنی از من یاد نمی کند، جز اینکه می گرید. علامه مجلسی در تبیین این جمله می گوید: عبارت «من کشته اشکم»، یعنی کشته ای که به اشک و گریه نسبت داده می شود و سبب جاری شدن اشک است، یا با اشک و آه و ناله کشته می شود، که معنای اول اظهر است. همچنین امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «هر دیده ای روز قیامت گریان و هر چشمی بیدار است مگر چشمی که خداوند او را بر کرامت خود اختصاص داده و بر هتک حرمتی که بر امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) او وارد شده گریسته باشد.» در حدیث دیگری، امیرمؤمنان (ع) خطاب به حضرت اباعبدالله (ع) می فرمایند: «یا عبیره کل مؤمن، ای جاری کننده اشک هر مؤمن. این ارزش گذاری خداوند و اهل بیت (ع) بر اشکی که برای امام حسین (ع) جاری می شود، انسان ها را متوجه عظمت حرکت امام حسین (ع) و فداکاری او برای خداوند می گرداند. گریه بر مظلومیت امام

خداوند سریع ترین راه برای ارتباط بندگان با خود را اشک قرار داده است. حالتی که انسان خود را عاجزترین خلاق در برابر خداوند می بیند. گریه کردن راه را برای رسیدن به خدا باز می کند. هنگامی که انسان ها به هر شکلی گریه می کنند تا به خداوند نزدیک شوند، در سبک بارترین حالت قرار دارند. خداوند این نعمت را برای خاصان درگاه خود قرار داده است؛ امام باقر (ع) هم می فرمایند: «هیچ قطره ای نیست که نزد خدای عزوجل محبوبتر باشد از قطره اشک در ظلمت شب که از خوف خدا که غیر از جانب او منظوری نباشد.» ولسی هر کسی نمی تواند به راحتی در خوف، شوق و خشیت خداوند گریه کند؛ به همین دلیل اهل بیت (ع)، به ویژه امام حسین (ع) این حالت را برای انسان دست یافتنی تر کردند. هنگامی که برای مظلومیت سیدالشهداء (ع) گریه می کنیم، در نزدیک ترین حالت به خداوند قرار داریم. اراده خداوند بر این بود که بهانه ای برای اشک ریختن و پاک کردن قلب به بندگان خود بدهد و چه کسی بهتر از حضرت امام حسین (ع)، امام صادق (ع)

وضعیت شامات در زمان امام حسین (ع) - ۳

پیروزی شامل حال راحت طلبان نمی شود

به سمت مدینه فرستادند. پیامبر (ص)، کاروان ابوسفیان و جنگ آوران مکه در منطقه بدر به یکدیگر نزدیک شده و اتراف کردند. چند نفر از اصحاب پیامبر (ص) با یک روش جنگی دو نفر از مکیان را به اسارت گرفته و نزد رسول خدا (ص) آوردند. ایشان از تعداد لشکریان مکه پرسید، گفتند: نمی دانیم. سپس پرسید روزانه چند شتر برای غذا می کشید؟ گفتند: نه تاده شتر، پیامبر (ص) با این سؤال تعداد لشکریان مکه را ۹۵۰ تا ۱۰۰۰ نفر تخمین زد. ابوسفیان کاروان تجاری اش را از کنار دریای احمر فراری داد، اما مشرکان که به جنگ اصرار داشتند، به توصیه ابوسفیان توجه نکرده و در صحنه ماندند. در این هنگام پیامبر (ص) به اصحاب رو کرده و فرمودند: خداوند وعده پیروزی به من داده است، پس به جنگ لشکر مکه می رویم. در این میان تعدادی که به کسب غنایم فراوان دلخوش کرده بودند، از رسیدن لشکر مکه وحشت کرده و بهانه جویی می کردند. آنها کافی نبودن افراد و همراه نداشتن سازو برگ جنگ را بهانه

فرمان نافذی که دایر بر پیروزی مؤمنان و شکست دشمنان جاری ساخته بود [تحقق دهد و ریشه کافران را قطع کند]. «شان نزول این آیه، چنین است که کاروانی به سرپرستی ابوسفیان با اموال بسیار که به مشرکان مکه تعلق داشت، از شام به سمت مکه در حال حرکت بود. هنگامی که به نزدیکی مدینه رسید، خداوند به پیامبر اسلام (ص) دستور داد، اموال این کاروان را ضبط و ضربه اقتصادی بزرگی به اشراف مکه بزند. وقتی پیامبر (ص) این دستور را گرفت، به سرعت با ۳۱۳ نفر از یاران خود از مدینه بیرون رفت. همراهان پیامبر (ص) که در میان شان افرادی دلخور از کم بودن غنایم جنگ بدر بودند، با شتاب و بدون سلاح و سازو برگ جنگ به راه افتادند. ابوسفیان از طریق دوستان خود در مدینه از عزیمت پیامبر (ص) آگاه شد و به سرعت پیکی را به طرف مکه فرستاد تا با حالتی وحشتناک آنان را برای جنگ با پیامبر (ص) به سمت مدینه بکشاند. او چنین کرد و اشراف مکه به سرعت تجهیز شده و گروهی را به فرماندهی ابوجهل

سید مرتضی رضایی



کارشناس علوم اسلامی

ما هیچ گاه نمی توانیم اراده و صلاح دید خداوند را بفهمیم یا در مقابل آن بایستیم. خداوند نیت و خلوص و ایستادگی ما برای به نتیجه رساندن کارهای مان را می بیند، اگر در مسیر اطاعت او باشد یاری مان می کند، وگرنه ما را به حال خودمان می گذارد. اراده خداوند بر این است که باطل از بین برود و حق بماند، اما گاهی راحت طلبی ما اجازه این کار را نمی دهد. نمونه آن در آیه ۷ سوره انفال آمده است که خداوند می فرماید: «و [یاد کنید] هنگامی را که خدا پیروزی بر یکی از دو گروه [سپاه دشمن یا کاروان تجارتی قریش] را به شما وعده داد و شما دوست داشتید بر کاروان تجارتی قریش دست یابید، ولی خدا می خواست پیروزی در میدان جنگ را با

داستان

همین قدر ساده و کوچک

نقیسه محمدی

دبیر گروه جوان

با دقت و کنکاش ریزی به من و نوشته‌هایم نگاه می‌کنند. همه چیز را با دقت زیر نظر دارد. وقتی می‌بینند از کارهایم سر در نمی‌آورد، با خنده‌ای که چروک چشم‌هایش را بیشتر می‌کند، می‌گوید: «ان شاء الله قبول شی... دیدگاه آینه از هر چه کتاب و برگه و خودکار است، همین است. فکر می‌کنند همه کتاب به دست‌ها امتحان دارند و برای اثبات مهربانی‌اش به همه، این جمله را بر زبان می‌آورد. مهربانی‌ای که به نظرم با همان یک کروموزوم اضافی که طبیعت در وجودش گذاشته، به دنیا آمده است و در قلبش رسوخ کرده، اگر چه چهره‌اش از بقیه انسان‌ها متمایز شده و همین است که همه نسبت به او دلسوخته شده‌اند. وسایلم را جمع و جور می‌کنم و به اتفاق طبقه بالا می‌روم. با دل‌پاره نگاهم می‌کنند.

– می‌زی بالا؟ من می‌ترسم...

با کمی عصبانیت می‌گویم: «ترس نداره آجی جون، تلویزیون روشن کن! درس دارم» مثلاً آمده‌ام مقاله‌ای با عنوان مهربانی و روان‌شناسی را دور از هیاهوی خانه خودم، در اتاق قدیمی خانه پدری تمام کنم.

آمنه ناامید می‌گوید: «دیگه حرف نمی‌زنم بیا پایین!» بی‌توجه به او در اتاق را باز می‌کنم و صدایش را می‌شنوم: «باشه من دعا می‌کنم قبول شی!»

آمنه و مادرم تنها زندگی می‌کنند. اگر فرصتی داشته باشم گاهی به آنها سر می‌زنم. بچه‌ها هم با تنها خاله‌ای که دارند، مشغول بازی می‌شوند. خاله آمنه همیشه پای بازی با بچه‌هاست. مادرم با آمدن من، رفت تا خرید کند، پیرزن به خاطر آمنه همیشه خانه‌نشین است و خریدها را به برادرم محول می‌کند.

مشغول نوشتن می‌شوم. کمی که می‌گذرد، صدای آمنه حواسم را پرت می‌کند. در را باز می‌کنم تا با فریادی صدایش را بند بیاورم، اما خواهر مهربان و ساده‌دل من مشغول راز و نیاز با خداست: «خدایا آجی اکرم قبول شه...» با خودم فکر می‌کنم در چه امتحانی باید قبول بشوم؟ چه نکته روان‌شناسی از دهان من باید در این جزوه‌ها نوشته شود که برای دیگران فایده داشته باشد، جز همین مهربانی بی‌منت و خالصانه، همین که آمنه از کوچک و بزرگ برای همه دعا می‌کند و تنها ذوقش حرف زدن است تا توجه دیگران را به خودش جلب کند. کار ساده‌ای را از این قلب مهربان دریغ می‌کنم تا به قلب‌های سنگی انسان‌های دیگر چه چیز را بفهمانم؟ از پله‌ها پایین می‌روم. آمنه را که مشغول تلویزیون دیدن و تسمیح چرخاندن است، بغل می‌کنم. با ذوق می‌پرسد: «او مدی حرف بزنیسم» با سرم اشاره می‌کنم و می‌نشینم. به گمانم مهربانی باید همین چیزهای ساده و کوچک باشد.

صبحانه

زخم کینه

وقتی از کسی رنجش یا کینه‌ای به دل دارید، در حقیقت خود را بنده‌ی او کرده‌اید؛ چرا که کینه نمی‌گذارد شاد باشید، دعا کنید، لذت ببرید، کار کنید و درست زندگی کنید. نفرت و کینه همه‌جا با شماست و شما را کنترل می‌کند. بنده و برده کینه و نفرت نباشید، خود را دوست بدانید و آن را رها کنید تا به ارزش انسانی خود دست یابید.

تلخند

همپیمانی دیکتاتورها و اشغالگران / جوهر خودکاری که از بمب‌های صیبه‌نیستی کشته‌تر است

کارتون‌نویست: میخائیل سیفتچی از ترکیه



صادقانه

خوی بهشتی

رسول اکرم (ص) به یاران خود فرمودند: «آیا شما را از شبیه‌ترین‌تان به خودم با خبر نسازم؟» گفتند: «آری ای رسول خدا، فرمودند: «هر کس خوش اخلاق‌تر، نرم‌خوتر، به خویشانش نیکوکارتر، نسبت به برادران دینی‌اش دوست‌دارتر، بر حق شکیباتر، خشم را فرو خورنده‌تر و با گذشت‌تر و در خرسندی و خشم با انصاف‌تر باشد، به من شبیه‌تر است.»

قبیله عشق

علی آقا جری‌با



علی از چهره‌هایی بود که حجاب از جلوی او برداشته شده بود و من این را حس می‌کردم؛ یعنی ارتباط معنوی او با خدا اینقدر نزدیک بود که خیلی از حجاب‌های مادی که آن‌طرف‌تر را نمی‌تواند ببیند، از جلوی او برداشته شده بود و چند مورد را دیدم و بچه‌ها که همراه او بودند، تعریف می‌کردند.

یک مورد کنسار کارون بود، بچه‌ها مشغول شستن پتو بودند، علی آقا لب کارون نشسته بود و بچه‌ها پتوهای مخابرات را می‌شستند و علی حاجی هم کنارش نشسته بود. علی آقا همین که بچه‌ها مشغول بودند و هوا هم گرم بود، گفت: «اگر هندوانه خنکی بود خیلی می‌چسبید.» به خدا قسم به اندازه یک نگاه برداشتن از علی، یک هندوانه بزرگ را آب آورد و شاید به خنکی و شیرینی آن هندوانه هیچ کس نخورده بود.

به نقل از سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

«علی آقا ماهانی» سال ۱۳۳۶ در کرمان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را با موفقیت در این شهر به پایان رساند. عملیات والفجر ۳ در سال ۱۳۶۲ آخرین حضور این دل‌آور در میدان‌های نبرد بود. بقایای پیکر این سردار عارف بعد از گذشت ۱۵ سال به زادگاهش کرمان بازگردانده شد.

حسن ختام

باید جان داد تا جان گرفت

دل که خم رنگ‌ریزی نیست، انبار اعتقادات را بریزی و دریاوری، رنگ گرفته باشد. اعتقادات اگر بخواید توی خمره دل قل بزند و رنگ بگیرد؛ باید جوش بخورد، لگدکوب شود، نفس نفس بزند، جان بکند تا قافر بگیرد.

اصلاً تا رنگ باور با تاروپودش چفت نشود، قرار ندارد. بلکه برقرار بودن و پای‌کار ماندن، پای‌دار ماندن می‌خواهد، انتظار می‌خواهد. الکی و الا بختکی نمی‌شود ابرام و ایستادگی کرد؛ باید جان داد تا جان گرفت.

می‌گفت تا استخوان اعتقادات آدمی، چکش کاری نشود و قوام نگیرد؛ نمی‌تواند رنگ بگیرد. آقا جانم، بی‌پرده بگویم ما تاب و توان این زد و خورد را نداریم.

مایی که بندبند وجودمان را انواع و اقسام خیال‌ها و آمال‌های سرطانی به بند کشیده و افکارمان زنگ زده است، دست‌تورا می‌خواهیم که روی سر و قلب‌مان لیز بخورد تا رنگ باور و ایمان به تاروپودش رخته کند.

راه نرفته

انگیزه زندگی

مدیقه سادات شجاعی

مشاور خانواده



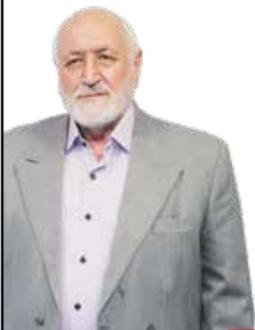
پرشش: دو سال است که ازدواج کرده‌ام، بعد از ازدواج کارم را رها کردم تا بیشتر به زندگی‌ام برسم، اما حالا احساس افسردگی و پوچی دارم و حس می‌کنم شادایی قبل را ندارم؛ همسرم نیز برای ایجاد حس شادی و نشاط در من تلاشی نمی‌کند، چطور به خودم برای ادامه زندگی انگیزه بدهم؟

پاسخ: پرسشگر عزیز برای عبور از این شرایط به احساسات خود و خود واقعی‌تان اهمیت دهید و عشق درونی‌تان را شکوفا کنید. زمان بیشتری را برای فکر کردن به علایق خود صرف کنید. مرادوات اجتماعی خود را گسترش دهید. رابطه عاطفی خود با همسرتان را، مانند گیاهی که برای رشد به رسیدگی نیاز دارد، آبیاری کنید. ارتباط با دوستان مورد اعتماد خود را بیشتر کنید. در پی تغییر سبک زندگی خود باشید. با یک برنامه‌ریزی دقیق و منظم مسیر زندگی‌تان را از حالت رکود و یکنواختی خارج کنید. خودتان را هرگز سرزنش نکنید؛ خلق انسان به طور طبیعی دارای تناوب‌های شادمانی و غم است و همه در دوره‌ای از زندگی این حالات را تجربه می‌کنند. به دنبال تغییر وضعیت باشید، ناامیدی و گریز و انزوای طلبی علاج کار نیست. درباره حالات و احساسات خود حتماً با همسرتان صحبت کنید و از او در این مسیر کمک بگیرید تا بیشتر زمان‌هایی را برای شما اختصاص دهد. به طبیعت اعتماد کنید و ساعاتی را با همسرتان به طبیعت بروید و قدم بزنید. اشتغال به یک فعالیت هنری یا ورزشی می‌تواند موجب رفع روند روزمرگی و ایجاد نشاط برای شما بشود. از آنجا که دوری از یک قدرت پر مهر مافوق بشری منشأ ناامیدی در انسان‌هاست، هر چه به این منبع امیدبخش پیوند بخورید، گام مؤثری در جهت رفع احساسات منفی خود برداشته‌اید و از شر غم‌بادهای روحی خلاص خواهید شد.

کتیبه سبز

رسم بندگی

با چشم دل، نگاه کردم، دیدم با گوش حقیقت شنوا بشنیدم ای کاش، تو این نکته همی دانستی اجرام و سما، برای انسان چیدم یک آینه، در مقابل من گرفت در آینه، من کل جهان را دیدم آنها همه، تصویر خود من بودند از شوق و شغف، حضور او بالیدم بیخود شدم از خویشش از رحمت او از بانی و نقاش ازل، پرسیدم من چیستم ای رب؟ به جز بنده تو شرمنده، ز دیده اشک‌ها بازیدم آن بنده نواز، با عطفوت فرمود: ای بنده کنون، گناه تو بخشیدم در گاه خداوند توانای جهان افتادم و خاک پای او بوسیدم لبخند به لب، مرا تماشا می‌کرد من نیز، به رسم بندگی، کوشیدم عبدالمجید فرائی



سلامت

دشمن التهاب

زهرا وحیدی نیا

کارشناس علوم تغذیه

التهاب درونی بدن بسیار خطرناک است یکی از عوامل بسیار مهم در کنترل و پیشگیری از التهاب، رعایت رژیم غذایی ضدالتهاب است. این رژیم مشابه رژیم مدیترانه‌ای (در شماره‌های قبل کاملاً توضیح داده شده) است. اهداف این رژیم شامل؛ مصرف میوه‌های تازه، حداقل مصرف شکر و غذاهای فرآوری شده و فست‌فودها، مصرف فراوان انواع توت‌ها و سبزیجات (به ویژه خانواده کلم)، مصرف منابع پروتئینی کم چرب مانند مرغ ماهی، حبوبات و آجیل‌هاست. رژیم ضدالتهابی از طریق سرکوب فعال شدن ژن‌های التهاب‌زا اثر خود را اعمال می‌کند. روغن‌های گیاهی زیتون، بذر کنان، گردو، کانولا و هسته انگور را جایگزین روغن‌های جامد کنید، حداقل هفته‌ای یکبار ماهی بخورید؛ ترجیحاً ماهی‌های چرب مثل سالمون، ساردین، ماکرل و شاه‌ماهی را انتخاب کنید، به جای کربوهیدرات‌های تصفیه شده مثل نان سفید، برنج سفید و پاستا؛ نان قهوه‌ای تهیه شده از گندم کامل، برنج قهوه‌ای و بلغور گندم بخورید، ادویه‌هایی مانند زنجبیل، زردچوبه و کاری اثرات ضدالتهابی دارند، از مواد غذایی التهاب‌زا مانند پیاز، سیب زمینی، گوجه فرنگی، بادمجان و غذاهای کنسرو شده دوری کنید.